

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عِبَادِ اللَّهِ ارْجِعُوا إِلَى اللَّهِ
وَأَسْأَلُكُمْ إِلَيْهِ فَمَنْ لَمْ يَرْجِعْ
إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ يُجْزِئْهُ اللَّهُ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

دعا ہاں صاؤرہ از راماں

در عصر غیبت صغری

محمد تقی اکبر نژاد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

دعاهای صادره از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

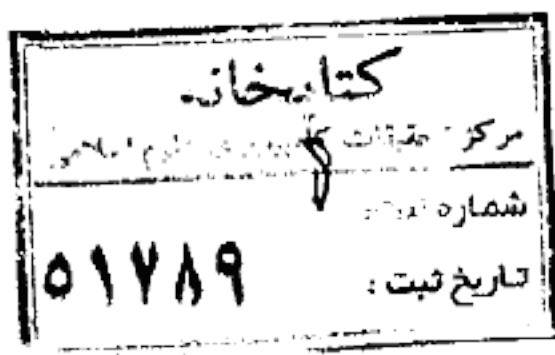
در عصر غیبت صغری



مرکز تحقیقات علوم دینی

گردآورنده:

محمد تقی اکبرنژاد



دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام
در عصر غیبت صغری



- | | |
|-----------------------------|---------------|
| □ محمد تقی اکبر نژاد | ■ گرد آورنده: |
| □ امیر سعید سعیدی | ■ صفحه آرا: |
| □ انتشارات مسجد مقدس جمکران | ■ ناشر: |
| □ بهار ۱۳۸۸ | ■ تاریخ نشر: |
| □ اول | ■ نوبت چاپ: |
| □ پاسدار اسلام | ■ چاپ: |
| □ ۳۰۰۰ جلد | ■ شمارگان: |
| □ ۲۵۰۰ تومان | ■ قیمت: |
| □ ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۹۸-۸ | ■ شابک: |

- | | |
|--|--------------------|
| □ انتشارات مسجد مقدس جمکران | ■ مرکز پخش: |
| □ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران | ■ |
| □ ۰۲۵۱-۷۲۵۳۳۴۰، ۷۲۵۳۷۰۰ | ■ تلفن و نمابر: |
| □ ۶۱۷ | ■ قم - صندوق پستی: |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

فهرست مطالب

- سخن ناشر ۹
- مقدمه ۱۱

دعاهای امام زمان علیه السلام سه نوع استخاره از حضرت بقیة الله

- دعای اول: استخاره به اسماء در نماز حاجت ۱۵
- دعای دوم: استخاره با تسبیح از حضرت قائم علیه السلام ۱۹
- دعای سوم: استخاره با تکه های کاغذ ۲۱

دعاهای صادره برای دفع شر دشمنان و نیازهای بزرگ و استثنایی

- دعای چهارم: دعای فرج و گشایش مخصوص انبیاء از زبان امام زمان علیه السلام ۲۲
- دعای پنجم: نماز حاجت صادر شده از امام زمان علیه السلام و دعای آن ۶۲
- دعای ششم: دعای عبرات یا اشک های روان ۶۷
- دعای هفتم: دعای امام زمان علیه السلام برای رفع گرفتاری و دفع شر دشمنان ۸۰
- دعای هشتم: دعای حضرت برای بیماری های سخت ۸۳
- دعای نهم: دعای امام زمان جهت گشایش و برطرف شدن خطر ها ۸۸

دعاهای صادر شده جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام

- دعای اول: نامه امام زمان علیه السلام درباره چگونگی زیارت آل یاسین ۹۳
- دعای دوم: دعای بعد از زیارت آل یاسین ۹۹
- دعای سوم: زیارت آل یاسین با نقلی دیگر ۱۰۳
- دعای چهارم: دعای بعد از زیارت آل یاسین ۱۱۳
- دعای پنجم: حجاب حضرت بقیة الله ۱۱۵
- دعای ششم: دعای امام علیه السلام برای فرج خودشان ۱۱۷
- دعای هفتم: حرز امام زمان علیه السلام ۱۱۸
- دعای هشتم: دعا در زمان غیبت امام علیه السلام ۱۱۹
- دعای نهم: دعای امام زمان علیه السلام برای فرج خودشان ۱۲۰
- دعای دهم: نماز توجّه به حضرت حجّت در زمان غیبت ۱۲۱
- دعای یازدهم: دعای امام علیه السلام برای ترس از دشمنان، مشهور به دعای فرج ۱۲۴
- دعای دوازدهم: خبر دادن حضرت امیر علیه السلام از دعای حضرت حجّت در هنگام عبور از وادی السلام ۱۲۶
- دعای سیزدهم: صلوات مخصوصه‌ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده است ۱۳۸

دو قنوت از امام زمان علیه السلام

- دعای چهاردهم: قنوت مولانا صاحب الزمان علیه السلام ۱۵۰
- دعای پانزدهم: دعای دیگری از امام علیه السلام در قنوت نماز ۱۵۴

امام زمان و زیارت شهدای کربلا

- دعای شانزدهم: زیارت ناحیه مقدسه یا زیارت امام زمان علیه السلام از امام حسین علیه السلام ۱۵۹
- دعای هفدهم: زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۶۱

دعای هجدهم: دعای امام علی^{علیه السلام} برای شفا گرفتن از تربت امام حسین^{علیه السلام} ۱۹۴

مناجات سایر ائمه از زبان امام زمان^{علیه السلام}

دعای نوزدهم: دعا‌های امیرالمؤمنین، امام سجاد و امام صادق: از زبان امام زمان^{علیه السلام} ۱۹۵

زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه ۲۰۱

دعا برای شیعیان

دعای بیستم: دعای امام زمان^{علیه السلام} برای شیعیان در سامرا ۲۰۳

دعای بیست و یکم: دعای امام زمان^{علیه السلام} برای شیعیان آلوده ۲۰۵

دعا‌های امام زمان^{علیه السلام} در ماه مبارک رجب ۲۰۸

دعای بیست و دوم: دعای امام زمان^{علیه السلام} در هر روز از ماه رجب ۲۱۲

دعای بیست و سوم: دعای دیگری از حضرت در ایام ماه رجب ۲۱۲

دعای بیست و چهارم: دعای امام زمان^{علیه السلام} در ایام ماه رجب ۲۱۴

دعای بیست و پنجم: زیارت قبور ائمه^{علیهم السلام} در ماه رجب ۲۱۹

دعا‌های امام زمان^{علیه السلام} در ماه مبارک رمضان ۲۲۲

دعای بیست و ششم: دعای افتتاح در شب‌های ماه مبارک رمضان ۲۲۲

دعای بیست و هفتم: دعای دیگری در هر شب از ماه مبارک رمضان ۲۳۳

دعای بیست و هشتم: دعای امام زمان^{علیه السلام} بعد از نماز صبح روز عید فطر ۲۳۵

متفرقات

دعای بیست و نهم: دعای طلب روزی حلال و دفع حوادث ناگوار بعد از نماز صبح ۲۴۵

دعای سی‌ام: تسیح صاحب الزمان^{علیه السلام} ۲۴۸



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سخن ناشر

بسمه تعالی

السلام علی القائم المنتظر والعدل المشتهر

در جهان امروز که با تبلیغ بی‌دینی و افکار انحرافی توسط مدعیان جهان تک‌قطبی و حقوق بشر دروغین، جوانان مسلمان و دیگر ادیان را به بیراهه می‌کشانند، امید به منجی موعود و مهدی منتظر، چراغ هدایت پویندگان راه حق و حقیقت خواهد بود. لذا بر آن شدیم کتاب مجموعه کامل نامه‌ها و فرمایشات امام زمان عج در عصر غیبت صغری، که توسط مؤلف محترم جناب آقای محمد تقی اکبر نژاد ترجمه گردیده است، را به زیور طبع بیاراییم. امید است در عصر کنونی که انقلاب اسلامی ندای رسای منادیان دین و اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه وآله - را به گوش جهانیان رسانده و می‌رساند، انجام وظیفه‌ای کرده باشیم.

از همه عزیزانی که ما را در رسیدن به این هدف پشتیبانی

می‌نمایند؛ خصوصاً حضرت حضرت آیت الله وافی تولیت
محترم و مدیران مسجد مقدّس جمکران و همکاران کمال
تشکر را داریم و امید است در پناه حضرت مهدی - عجل الله تعالی
فرجه الشریف - اهداف مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی
خامنه‌ای را در عصر کنونی به منصفه ظهور رسانیم.

مدیریت انتشارات

مسجد مقدّس جمکران

حسین احمدی



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

مقدمه

سلام و درود خدا بر مجاهدان راه خدا

سلام و درود خدا بر سربازان سبز پوشی که حتی در عصر

غیبت دست از جانبازی بر نداشتند و قدم در راه مبارزه گذاشتند.

سلام و درود خدا بر آنان که مصداق بارز ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا

إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱ هستند. زیرا در میان حزب های متشکلت

و آلوده، خدا را صدا زدند و به رستگاری رسیدند.

آنان که بعد از رستگاری و استقامت به غلبه کامله الهیه دست

یافتند ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۲ آنان که با عده کم خود بر عده

زیاد دشمنان تا دندان مسلح غلبه کردند ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً

كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۳ و به دنبال طالوت زمانشان بر

جالوت اسرائیل تاختند و لشکریان کفر را که با تکبر بر خود

می بالیدند، خوار و ذلیل کرده و از هم پاشیدند ﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۴

۲. مائده / ۵۶

۱. مجادله / ۲۲

۴. بقره / ۲۵۱

۳. بقره / ۲۴۹

و همچون داود جالوت زمان خویش را به هلاکت رساندند «وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ»^۱ و به عزت و ملک دست یافتند. «وَ آتَاهُ اللهُ الْمُلْكَ»^۲ که اگر خدا چنین بندگان نداشت، جالوتیان زمین را به فساد کامل می‌کشیدند و تمام روزنه‌های امید را به روی مردمان مستضعف می‌بستند. «وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۳

آری سلام و درود بی‌پایان خدا و ملائکه و انبیای الهی و اوصیای اخیار و تمام بندگان صالح و مستضعفان عالم بر آنان باد.

سلام و درود خدا بر رزمندگان غیور حزب الله لبنان و رهبر عربی آنان سید حسن نصرالله که بعد از سال‌ها مبارزه با ظلم، قدرت قاهره الهی را به رخ تمام جالوتیان کشیدند و تجلی‌گاه عزت و افتخار اسلامی شدند.

از آن جهت که اتمام این اثر مصادف با غلبه حزب خدا بر حزب شیطان و رسوایی اسرائیل و تجلی عزت اسلامی مردم لبنان بود، این اثر را به تمام رزمندگان غیور آن دیار و به خصوص رهبر آزاده و غیرتمندشان سید حسن نصرالله تقدیم می‌داریم.

محمد تقی اکبرنژاد

دعاهای امام زمان علیه السلام



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سه نوع استخاره از حضرت بقیة الله (ارواحنا له الفداء)

دعای اوّل

استخاره^۱ به اسماء در نماز حاجت^۲



۱. حقیقت استخاره:

استخاره در لغت به معنای درخواست خیر و برکت است. و در اصطلاح به دعا و یا هر عملی گفته می‌شود که شخص متخیر می‌گردد تا به واسطه آنها از خداوند متعال راه صحیح را درخواست نماید و از انحراف مصون بماند.

به همین جهت استخاره محدود به قرآن و تسبیح نخواهد شد. بلکه بهترین استخارات شامل دعاهایی خواهند بود که شخص با آنها از خداوند خیر و صلاح را درخواست می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان به نماز استخاره و دعای استخاره که در مجموعه‌های مربوطه ذکر شده‌اند اشاره نمود.

استخاره در منابع دینی:

اصل استخاره کردن، جزء متواترات و یقینیات دین ما است و کسی که اندک تأملی در منابع روایی داشته باشد، تواتر معنوی استخاره را در خواهد یافت.

اقسام استخاره:

در منابع روایی پنج نوع استخاره معرفی شده است که عبارتند از:

۱- استخاره با دعا

۲- استخاره با نماز

۳- استخاره با قرآن

۴- استخاره با تسبیح

این اسماء الهی بعد از نماز حاجت یا در هر حال دیگر جهت درخواست خیر از خدا خوانده می‌شود. ابودلف گفته است که این دعا آخرین توقیع صادره از حضرت بقیة الله می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ

خدایا از تو می‌خواهم به حرمت اسمی که با آن، آسمان‌ها و زمین را اراده کردی و به آسمان

وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهُمَا اثْبَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

و زمین امر کردی که خواه، ناخواه به وجود آیند و آنها گفتند که ما با فرمانبرداری و طیب نفس خلق

وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ

می‌شویم. و به حرمت اسمی که با آن، بر عصای موسی اراده کردی در نتیجه عصای او حیل‌های

مَا يَأْفِكُونَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ

ساحران را بلعید از تو درخواست می‌کنم به حرمت آن اسمت، که با آن، دل‌های ساحران را به سوی

= < ۵- استخاره با تکه‌های کاغذ

و از آنجا که دو نوع اولی در مجموعه‌های مربوطه آورده شده است، در مجموعه حاضر تنها به معرفی سه نوع باقی مانده خواهیم پرداخت و از هر کدام به دو روش اشاره خواهیم کرد.

جهت دسترسی به انواع استخارات به کتاب نور الجنان از همین مؤلف و یا حواشی مفاتیح الجنان مراجعه نمایید.

۲. فتح الابواب، ص ۲۰۵، دعاء مولانا الامام المهدی.

إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ أَنْتَ

خود متمایل کردی تا جایی که آنها گفتند: «ما به پروردگار جهان هستی یعنی پروردگار موسی و هارون

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ

ایمان آوردیم.»^۱ تو خدا و پروردگار عالمیان هستی. و از تو می‌خواهم به حرمت قدرتی که هر چیز

وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ

جدیدی را کهنه و هر چیز کهنه‌ای را تازه می‌کند. از تو می‌خواهم به خاطر تمام حقوقی که داری و تمام

عَلَيْكَ. إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي

حقوقی که بر عهده گرفته‌ای.^۲ اگر این کاری که می‌خواهم انجام دهم، برای دین و دنیا و آخرت

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَتُهَنِّئَهُ

من مفید است، در این صورت بر محمد و خاندان او سلام و درودت را بفرست و آن را

وَتُسَهِّلَهُ عَلَيَّ وَتَلْطَفَ لِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر من سهل و آسان گردان و مرا دربارہ آن مورد لطف خود قرار بده، ای مهربانترین مهربانان.

وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

اما اگر شرّ دین و دنیا و آخرت من در آن باشد، در این صورت بر محمد و خاندانش

۱. اعراف/ ۱۲۱.

۲. مانند حقوقی که خداوند متعال طبق حکمت خود در قبال بندگان خویش بر عهده گرفته

است! مانند هدایت و روزی دادن و امثال آنها

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيماً وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا

سلام و صلوات بفرست و مرا از آن به گونه‌ای که خود می‌خواهی بازدار و مرا به قضای خودت

شِئْتِ وَكَيْفَ شِئْتِ وَتُرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى

راضی کن و در تقدیرات برای من وسعت عنایت کن تا جایی که اگر چیزی را جلو انداختی،

لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ أَخْرَجْتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَلْتَهُ. فَإِنَّهُ

تاخیرش را دوست نداشته باشم و اگر عقب انداختی، تعجیلش را دوست نداشته باشم. قطعاً

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

هیچ مانع و نیرویی غیر از خدا نیست. ای بالاتر و عظیم‌تر از هر چیزی ای صاحب جلالت و اکرام.

دعای دوم

استخاره با تسبیح از حضرت قائم علیه السلام ۱

علامه حلی رحمته الله با چند واسطه از حضرت قائم علیه السلام استخاره‌ای را

نقل می‌کند که از این قرار است:

ابتدا: ده بار سوره حمد، حداقل سه بار و لا اقل یکبار قرائت شود.

بعد: ده بار سوره قدر قرائت شود.

سپس این دعا سه بار خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَأَسْتَشِيرُكَ لِحُسْنِ

خدایا بی تردید از تو خیرخواهی می‌کنم، به خاطر اینکه تو از نتیجه کارها خبر داری و با تو مشورت

ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَخْذُورِ. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْقَلَانِي

می‌کنم؛ زیرا در خوب و بد امور حُسن ظن و اطمینان کاملی به تو دارم. خدایا اگر فلان

قَدْ نَيْطَتْ بِالْبَرَكَهَةِ أَعْجَازُهُ وَبِوَادِيهِ وَحَفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ

کار اوّل و آخرش با برکت به هم برسد و شب و روز آن را با کرامت و برکت، احاطه کند.

وَلَيَالِيهِ فَخِزْ لِي فِيهِ خَيْرَةً تَرُدُّ شَمْسَهُ ذُلُولاً وَتَقْعُصُ أَيَّامَهُ

در این صورت آن را برای من اختیار کن تا خورشیدش مطیع من باشد و روزهایش با شادی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۳، باب ۶- استحباب الاستخاره بالدعاء.

سُرُورًا. اَللّٰهُمَّ اِمَّا اَمْرٌ مِّمَّا نَهَيْتَ عَنْهُ فَاَنْتَهَبِي

سپری گردد. خدایا اگر امر آن کار می‌کنی، عمل می‌کنم. اگر نهی کنی، اقدام نمی‌کنم.

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِيْ عَافِيَةٍ.

خدایا خیر خواهی می‌کنم با رحمت تو، انتخابی که در عافیت باشد.

بعد از آن نیت کرده و مقداری از تسبیح را می‌گیرد. آن را دو تا

دو تا کم می‌کند. اگر در پایان دو تا ماند، خوب است و اگر فقط یکی

ماند، بد است.



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

دعای سوم

استخاره با تکه‌های کاغذ

حمیری ضمن سؤالی از حضرت بقیه الله سؤال می‌کند:

سؤال: برای کسی مشکلی پیش می‌آید که نمی‌داند چه کار بکند. دو انگشتر بر می‌دارد و در یکی می‌نویسد: بله انجام بده و در دیگری می‌نویسد: نه انجام نده. آنگاه مدام از خدا می‌خواهد که او را به راه پر خیر و برکت راهنمایی کند و سپس یکی از آنها را انتخاب می‌کند. هر کدام که آمد، طبق آن عمل می‌کند. آیا این نوع استخاره کردن جایز است؟

جواب: آنچه که سنت معصوم علیه السلام است، نماز و استخاره با

تکه‌هاست.^۱

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۱. روش استخاره با تکه‌های کاغذ:

هرگاه قصد استخاره داشتی شش تکه کاغذ بردار و بر روی سه تای آنها بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانٍ بِنِ فُلَانَةَ اَفْعَلُهُ» و بر روی سه تای دیگر بنویس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانٍ بِنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلُهُ» سپس آنها را با هم مخلوط کن و در زیر چیزی که بر روی آن نماز می‌خوانی قرار بده و دو رکعت در همان‌جا نماز استخاره بخوان. بعد از نماز به سجده برو و صد بار بگو:

«أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةٍ»

و سپس از سجده بلند شو و بنشین و بگو «اللَّهُمَّ خُزِّي وَاحْتَرِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يَسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ» در نهایت دستت را به زیر لحاف و یا هر چیزی که بر روی آن نماز می‌خواندی ببر و تکه‌های کاغذ را به هم بزن و یکی یکی خارج کن. اگر سه تا پشت سر هم اَفْعَلُ؛ یعنی کلمه آخر دعا: اَفْعَلُهُ آمد خیر است و اگر سه تا پشت سر هم لَا تَفْعَلُ آمد شر است و اگر یکی اَفْعَلُ و دیگری لَا تَفْعَلُ آمد، تا پنج تکه را یکی یکی خارج کن، هر کدام بیشتر بود به آن اقدام کن. - کافی / ج ۲ / ص ۲۷۰ / باب صلاة الاستخارة.

دعاهای صادره برای دفع شر دشمنان

و نیازهای بزرگ و استثنایی

دعای چهارم

دعای فرج و گشایش مخصوص انبیاء از زبان امام زمان علیه السلام^۱

محمّد بن علی علوی مصری نقل می‌کند که میان من و یکی از بزرگان شهرمان کدورتی پیش آمد که باعث شد من دچار گرفتاری بزرگی شوم و در مخمصه عجیبی گرفتار شوم. به گونه‌ای که هیچ راه فراری برای خودم ندیدم. از این رو به حرم اجداد شریفم یعنی حرم امام حسین علیه السلام پناه بردم. پانزده روز در آنجا ماندم. شب و روز تضرّع کردم و دعا خواندم تا اینکه حضرت قائم علیه السلام را در خواب مشاهده کردم. خدا بر او و پدرانیش بهترین تحیات و سلام‌ها را بفرستد.

در حالتی میان خواب و بیداری بودم، که ایشان به من فرمودند:

عزیزم از فلاتی ترسیدی؟

عرض کردم: بله اگر مرا پیدا کند، قصد دارد فلان جنایات را در حق من انجام بدهد. لذا برای شکایت، به سروران خودم پناه آورده‌ام. تا مرا از دست او خلاص کنند.

فرمود: تا به حال دعایی را که انبیاء علیهم السلام برای گشایش گرفتاری‌ها

می‌خواندند، خوانده‌ای؟

عرض کردم: چگونه دعا می‌کردند تا من هم دعا کنم.

فرمود: وقتی که شب جمعه شد، بلند شو و غسل کن و نمازت را بخوان. زمانی که از سجده شکر فارغ شدی. در حالی که دو زانو نشسته‌ای این دعا را با تمام خشیت و تضرع بخوان. ایشان پنج شب پشت سر هم آمد و حرف‌های قبلی و دعا را برایم تکرار کرد. تا اینکه دعا را حفظ کردم و دیگر ایشان به خوابم نیامدند.

از خواب بلند شدم، غسل کردم، لباس‌هایم را عوض نمودم، خودم را معطر ساخته و نماز شب را خواندم. و بر روی زانوانم نشستم و دعا را آن طور که فرموده بود، خواندم.

ایشان شب شنبه به خواب من آمد و فرمود: ای محمد دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد. خداوند او را در همان لحظه که دعا را تمام کردی، هلاک کرد.

زمانی که صبح شد، بلافاصله به حرم امام حسین علیه السلام رفته و با ایشان وداع کردم و به سوی منزل راه افتادم. مقداری از راه را رفته بودم پیکی را که فرزندانم به دنبال من فرستاده بودند، دیدم. آنها نوشته بودند مردی که از دست او فراری بودی. عده‌ای را جمع کرده بود. آنها شب را به عیش و نوش پرداختند. وقتی که همه رفتند، او به همراه نوکرانش خوابید. وقتی که صبح شد و همه از خواب بیدار شدند. متوجه شدند که او کوچکترین حرکتی هم ندارد. لحاف را از روی او کشیده و دیده‌اند که او از پشت گردن بریده شده و خونش جاریست. این اتفاق در شب جمعه افتاده است. آنها هم نمی‌دانند که

چه کسی این کار را انجام داده است. زمانی که به منزل رسیدم و از زمان دقیق هلاکتش پرسیدم. متوجه شدم که دقیقاً همزمان با پایان دعای من بوده است.

اما دعا:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ

پروردگارا! کیست که تو را صدا بزند اما جوابش را نداده باشی. کیست که از تو و نداده باشی.

وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ رَبِّ هَذَا

درخواستی کند کیست که تو را بخواند و مأیوسش کنی. کیست که خود را به تو نزدیک کند

فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عُنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوهِ وَإِدْعَائِهِ الرَّبُّوبِيَّةِ

و تو دورش کنی. پروردگارا! فرعون مقتدر را با وجود تمام لجابت و کفر و سرکشی

لِنَفْسِهِ وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يُتُوبُ وَلَا يَرْجِعُ وَلَا يُتُوبُ وَلَا يُؤْمِنُ

و ادعای خدایی‌اش و با وجود اینکه تو می‌دانستی او توبه نمی‌کند و پیر نمی‌گردد و ایمان

وَلَا يَخْشَعُ اشْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَمًا مِنْكَ وَجُوداً

نمی‌آورد و بنده خاشعی نمی‌شود. با وجود همه اینها دعایش را مستجاب کردی و خواسته‌اش

وَقِلَّةَ مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ أَخْذاً بِحُجَّتِكَ

را دادی؛ زیرا تو بزرگواری و آنچه که او می‌خواست برای تو کوچک بود، اگر چه برای او

عَلَيْهِ وَتَأْكِيداً لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ وَاسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ

بزرگ بوده باشد. این کار را کردی تا اتمام حجت کرده باشی و آن را تأکید کنی. آن هم در

وَبِكْفَرِهِ عَلَيْهِمْ افْتَحَرَ وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ

هنگامی که او گناه می‌کرد و کفر می‌ورزید و بر قوم خود بزرگی می‌کرد. او تکبر می‌ورزید و با

فَكَبَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ

کفرش بر قوم خود افتخار می‌کرد و با ظلم به خود کبر می‌ورزید و با حلم تو ادعاهای بزرگ

فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ

داشت. به همین خاطر تو بر خود واجب کردی که او را به خاطر جسارتش عذاب کنی و عذاب

ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعِبُودِيَّةِ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

مثل او. آن بود که او را در میان دریای نیل غرق کردی. خدایا من بندهٔ تو و فرزند بنده و کنیز

خَالِقِي لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ مُقِرٌّ بِأَنَّكَ رَبِّي وَإِلَيْكَ

تو هستم. به عبودیت تو اعتراف می‌کنم. اقرار می‌کنم که تو خدا و خالق منی و خدایی جز تو

إِبَائِي عَالِمٌ بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفَعَّلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ

نیست. پروردگاری غیر از تو ندارم. اقرار می‌کنم که تو پروردگار منی و به سوی تو خواهم آمد.

مَا تُرِيدُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ

می‌دانم که تو بر هرکاری توانایی و هر کاری که اراده کنی و هر حکمی که بخواهی می‌کنی.

وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ كُنْتَ قَبْلَ

کسی حکمت را عقب نمی‌اندازد و قضایت را بر نمی‌گرداند و تو اول و آخر و ظاهر و باطن همه

كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَ

چیز هستی. از هیچ چیز نیستی و از چیزی ساخته نشده‌ای. قبل از همه بودی و بعد از همه نیز

كُلِّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ

خواهی بود و هستی بخش همه چیز نیز هستی. هر چیز را به اندازه آفریدی و شنوا و بینایی.

وَتَكُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قِيَوْمٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَلَا تُوصَفُ

شهادت می‌دهم که تو همان طور بودی و خواهی بود. تو زنده و قوام بخشی و زمان و خواب

بِالْأَوْهَامِ وَلَا تُدْرَكُ بِالْحَوَاسِ وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ وَلَا تُشَبَّهُ

و افکار و حواس و مقایسات. هیچ‌کدام گنجایش تو را ندارند. شبیه انسان‌ها نیستی و تمام

بِالنَّاسِ وَإِنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَنَحْنُ

مخلوقات، بندگان و کنیزان تو هستیم. تو پروردگار و ما مورد تحت تربیت هستیم. تو خالق

الْمَرْبُوبُونَ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ وَأَنْتَ الرَّازِقُ

و ما مخلوق، تو روزی دهنده و ما روزی خوار تو هستیم. با این حساب، همه ستایش‌ها

وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا

متعلق به توست. ای خدای من، زمانی که مرا به صورت انسانی متعادل آفریدی و بی‌نیاز

وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلاً صَبِيًّا تُقَوِّتَنِي مِنَ التَّدْيِ

از دیگران ساختی در حالی که من در آغاز طفلی ضعیف بودم که از پستان شیر گوارا

لَبَنًا مَرِيئًا وَغَذَّيْتَنِي غِذَاءً طَيِّبًا هَنِيئًا وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا

می‌خوردم، تو غذای پاک و گوارایی دادی و مرا مردی متعادل و سالم آفریدی. پس حمد

فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ

و ثنا مخصوص توست. ثنایی که اگر شمارش شود، به شمارش نیاید و اگر قرار داده شود،

حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ

جایی وسعت آن را نداشته باشد. ثنایی مافوق ثنای همه ثناگویان که از حمد هر چیزی

شَيْءٍ وَيُفَخِّمُ وَيُعْظِمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَكَلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ

بالاتر باشد ویر همه آنها و تمام کسانی که خدا را حمد و ثنا گفته‌اند، غلبه یابد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَرِزَّةَ

خدا را ثنا می‌گویم. آن طور که دوست دارد ثنا شود. او را به تعداد مخلوقاتش و وزن

مَا خَلَقَ وَرِزَّةَ أَجَلٍ مَا خَلَقَ وَبِوزْنِهِ [بِوزْنِ] أَخْفَ مَا خَلَقَ وَبِعَدَدِ

آنها و وزن بزرگ‌ترین آنها و کوچک‌ترینشان و به تعداد کوچکترین مخلوقاتش حمد

أَصْغَرَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا وَأَسْأَلُهُ

و ستایش می‌کنم. او را ثنا می‌گویم تا جایی که راضی شود و از او می‌خواهم

أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَغْفِرَ لِي رَبِّي وَأَنْ يَحْمَدَ

تا بر محمد و خاندانش درود بفرستد و مرا ببخشد و کار مرا نیکو گرداند

لِي أَمْرِي وَيَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا

و توبه‌ام را بپذیرد؛ زیرا او توبه پذیر و مهربان است. خدایا و این منم که

أَدْعُوكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُوْنَا آدَمُ علیه السلام

تو را می‌خوانم و از تو درخواست می‌کنم. با همان نامی که برگزیده تو پدرمان آدم علیه السلام

وَهُوَ مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيئَةَ فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ وَتُبْتَ

که به خودش ظلم کرد و مرتکب خطا شد. پس خطایش را پوشانیدی و توبه‌اش را پذیرفتی

عَلَيْهِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ

و دعایش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی. ای نزدیک، از تو می‌خواهم تا

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَتَرْضَى عَنِّي

بر محمد و خاندانش درود و سلام فرستی و خطایم را ببخشی و از من راضی باشی. اگر از

فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ

من راضی نشدی اقلاً مرا ببخش؛ زیرا من گنهکاری هستم که به خودم ظلم کردم. که آقا،

وَقَدْ يَغْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ وَأَنْ تُرَضِيَ عَنِّي

حتی اگر از بنده‌اش راضی نباشد، از او بگذرد. خلقت را از من راضی کن خطاکاری معصیت کارم

خَلَقَكَ وَتَمِيطَ عَنِّي حَقَّكَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

واین طبیعی است و از حقّی که به گردنم داری، بگذر. الهی همین طور درخواست می‌کنم با اسمائی

إِدْرِيسُ ۞ فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا وَاسْتَجَبْتَ

که ادریس با آنها تو را خواند تو نیز او را صدیق و نبی قرار دادی و به او جایگاه بلندی

دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

عنايت کردی و دعایش را مستجاب کردی و نزديک او بودی، بر محمد و خاندانش

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ مَا بِي إِلَى جَنَّتِكَ وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ

درود بفرست و بازگشتم را به بهشت و جایگاهم را در رحمتت قرار بده و مرا با عفو

وَتُسْكِنَنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ وَتُرْوِحَنِي مِنْ حُورِهَا بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ.

خودت در آن ساکن کن و از حور بهشت، همسری برایم عنايت کن، با قدرت بی‌پایانت، ای توانا.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ ۞ إِذْ نَادَى رَبَّهُ

الهی، همین طور درخواست می‌کنم با اسمائی که نوح با آنها تو را خواند. زمانی که صدا

وَهُوَ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ

کرد. «پروردگارا من مغلوب شده‌ام، مرا یاری کن. درهای آسمان را با آبی ریزان، به رویش

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْنَا

گشودیم و چشمه‌های زمین را شکافتیم. آب برای کاری که مقدر شده بود، فرو ریخت.

وَنَجِّتَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرِ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

او را بر روی چوب‌ها و میخ‌ها نجات دادیم. ^۱ دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی.

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّتَنِي مِنْ ظُلْمِ

ای نزدیک. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از ظلم کسی که قصد ظلم کردن

مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي وَتَكْفُفَ عَنِّي شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوِّ قَاهِرٍ

به من را دارد، نجات بده و شرّ هر سلطان ظالم و دشمن بی‌رحم و تحقیر کننده توانا

وَمُسْتَخِفِّ قَادِرٍ وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَإِنْسِيٍّ شَدِيدٍ

و متکبر لجوج و هر شیطان انسی که مرا قصد کرده است و مکر هر حيله‌گر را

وَكَيِّدِ كُلِّ مَكِيدٍ يَا حَلِيمُ يَا وَدُودُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

از من دور کن. ای بردبار و ای دلسوز الهی و درخواست می‌کنم با اسمها،

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ صَالِحٌ علیه السلام فَنَجِّتَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَأَعْلَيْتَهُ

که با آن آنها بنده و فرستاده‌ات صالح علیه السلام تو را خواند تو نیز او را از خفت و ذلت

عَلَى عَدُوِّهِ وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ

نجات دادی و او را بر دشمنانش مسلط کردی و دعایش را مستجاب نمودی و نزدیک او بودی.

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُ بِي أَعْدَائِي

بر محمد و خاندانش درود و سلام فرست و مرا از شرّ نیات بد دشمنانم

بِهِ وَيَبْغِي لِي حُسَادِي وَتَكْفِيئِهِمْ بِكَفَايَتِكَ وَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ

وحسادت کنندگانم، نجات بده و جلوی شرشان را بگیر و مرا ولایت پذیر ولایت خویش کن.

وَتَهْدِي قَلْبِي بِهُدَاكَ وَتُوَيْدِنِي بِتَقْوَاكَ وَتُبَصِّرَنِي بِمَا فِيهِ رِضَاكَ

دلم را به نورت هدایت کن و مرا با تقوا کمک کن و به اموری که رضای تو در آن است،

وَتُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

آگاهم نما و با غنای خودت، مرا به نیاز کن ای بردبار. الهی و در خواست می‌کنم

عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ وَخَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ أَرَادَ نُفُودُ إِثْقَاءَهُ فِي النَّارِ

با نام‌هایی که بنده و دوست تو ابراهیم هنگام انداخته شدنش در آتش خواند

فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

و تو آن را خنک و خوشایند کردی و دعایش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی.

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبْرِدَ عَنِّي حَرَّ

بر محمد و خاندانش درود فرست و حرارت آتش را بر من خنک گردان و زبانه‌هایش

نَارِكَ وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا وَتَكْفِيَنِي حَرَّهَا وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي

را خاموش کن. آتشی را که دشمنانم برافروخته‌اند، در موها و لباس‌های خودشان قرار بده.

سِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نَحْرِهِمْ وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ

حیله‌هایشان را به خودشان برگردان و در آنچه که به من عنایت کرده‌ای، وسعت بخش.

كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ.

همان طور که بر محمد و خاندانش برکت دادی. بی شک تو بخشنده و ستوده و اهل بخشش هستی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ علیه السلام فَجَعَلْتَهُ

الهی و درخواست می‌کنم با نامی که اسماعیل با آن تو را خواند و او را

نَبِيًّا وَرَسُولًا وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمًا مَنَسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى وَاسْتَجَبْتَ

نبی و رسول کردی و حرمت را. عبادتگاه و منزل او قرار دادی. دعایش را

لَهُ دُعَاؤُهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

از سر رحمت پذیرفتی و به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي وَتَحُطَّ عَنِّي وَزُرِّي

و خاندانش درود فرست و قبرم را وسعت بخش و گناهانم را بسوزان

وَتَشُدَّ لِي أَزْرِي وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ

و پایه‌هایم را محکم کن و گناهانم را ببخش و توبه و افزایش نعمات

وَتَضَاعَفِ الْحَسَنَاتِ وَكَشْفِ الْبَلِيَّاتِ وَرِنِحِ التِّجَارَاتِ وَدَفْعِ مَعْرَةَ

و از میان رفتن بلاها و سود آور شدن تجارت و دفع شرّ خیرچین‌ها را روزیم کن.

السَّعَايَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ وَقَاضِي الْحَاجَاتِ

چرا که تو دعاها را مستجاب و برکات را نازل و حوائج را برطرف کننده و خیرات

وَمُعْطِي الْخَيْرَاتِ وَجَبَّارِ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكُ بِهِ

را عنایت کننده و آسمانها را اداره کننده هستی. الهی و درخواست می‌کنم با نام‌هایی

ابْنُ خَلِيلِكَ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ وَقَلَّبْتَ لَهُ

که فرزند ابراهیم، که او را از قربانی شدن نجات دادی و او را با ذبحی عظیم نجات دادی.

الْمِشْقَصَ حَتَّى نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ وَاسْتَجَبْتَ

او را در قربانگاه غلطاندی تا اینکه با یقین به ذبح شدن تو را خواند. در حالی که

لَهُ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

راضی به دستور پدرش بود و تو دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی ای نزدیک.

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّبَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ وَتَصْرِفَ عَنِّي

بر محمد و آل او درود فرست و مرا از گرفتار و بلا نجات بده و هر نوع ظلمت

كُلَّ ظُلْمَةٍ وَخِيَمَةٍ وَتَكْفِيفِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

ترسناک را از من بازگردان و تمام مسائل مهم دنیوی و آخرویم را برآورده ساز

وَمَا أَحَازِرُهُ وَأَخْشَاهُ وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ آلِ يَسَّ.

و از تمام آنچه که می‌ترسم از شر مخلوقات حفظ کن. به حق آل یاسین.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ

الهی و درخواست می‌کنم با نامی که لوط با آن تو را خواند و به همراه نزدیکانش

وَالْهَدْمِ وَالْمَثَلِ وَالشَّدَّةِ وَالْجَهْدِ وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

از ذلت و بدبختی نجات یافتند. تو نیز آنها را از گرفتاری بزرگ خارج کردی

وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و دعایش را مستجاب ساختی و همراه او بودی ای نزدیک. بر محمد و آلش درود

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ بِجَمْعِ مَا شِئْتَ مِنْ شَمْلِي وَتُقَرَّرَ عَيْنِي بِوَلَدِي

فرست و ازاده کن تا شاخ و برگ پراکنده ام جمع شوند. فرزندان و نزدیکان و مال

وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُصْلَحَ لِي أُمُورِي وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي

و هر چیزی که باعث روبه راهی زندگی ام می شود، و هر تمام احوال به زندگی ام وسعت بخش.

وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ

به آرزوهای برسان و از آتش نجات بده و از شرّ اشرار حفظ کن. به برکت

بِالْمُضْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

برگزیدگان بندگانت، ائمه خوبان و نورهای درخشان، محمد و خاندان

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ وَالصَّفْوَةَ الْمُتَجَبِّينَ

پاکش که برگزیدگان و امامان و پاکان و انتخاب شدگان و نجیبان هستند.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَتَمُنَّ عَلَيَّ

که درود و سلامت بر همه آنها باد. همنشینی با آنها را روزیم کن و دوستی با آنها

بِمُرَافَقَتِهِمْ وَتَوْفِيقَ لِي صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ

را بر من عنایت کن و مرا به همراهیشان موفق بدار. در کنار انبیای مرسل و ملائکه

الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ

مقرب و بندگان صالح و اهل اطاعت و حمل کنندگان عرش و بزرگان ملائکه الهی.

وَالْكَرُوبِيِّينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ ۝

الهی و درخواست می‌کنم با آن نامی که یعقوب با آن تو را خواند و دعایش را بعد

وَقَدْ كُفَّ بَصْرُهُ وَشَتَّتْ جَمْعُهُ وَفَقَدَ قُرَّةَ عَيْنِهِ ابْنَهُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

از کور شدن چشمان و پراکنده شدن قوا و گم شدن عزیزش یوسف، مستجاب کردی

دُعَاةَهُ وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَأَفْرَزْتَ عَيْنَهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

و قوایش را جمع کردی و چشمش را بینا و گرفتاریش را برطرف ساختی. آری تو

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمْعِ مَا

به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد و آل او درود بفرست و اراده کن تا از

تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي وَتُقَرَّرَ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُصْلِحَ لِي شَأْنِي

دست رفته‌هایم جمع شوند، فرزندان و خانواده و ثروتم مایه سعادت من بوده و تمام

كُلُّهُ وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَتُصْلِحَ

اموراتم را سر و سامان دهی و همه احوالم را بابرکت کنی و مرا به آرزوهایم برسانی و اعمالم

لِي أَفْعَالِي وَتَمَنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

را اصلاح کنی ویر من عنایت کنی ای بزرگواری بلند مرتبه با رحمت وسعت ای

الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ

مهربانترین مهربانان. الهی ودرخواست می‌کنم با نامی که بنده وپیامبرت یوسف

يُوسُفُ عليه السلام فَجَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابَتِ الْجُبِّ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ

با آن تو را خواند و او را از تاریکی چاه، نجات دادی و گرفتاریش را برطرف کردی

إِخْوَتِهِ وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ

و حیلۀ برادرانش را بی‌اثر ساختی و او را از غلامی به پادشاهی رساندی و پیوسته

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَدْفَعَ

همراه او بودی، ای نزدیک، بر محمد و آل او درود فرست و مگر تمام حیلۀ گران

عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

وشر تمام حسودان را از من دور کن. چرا که تو بر هر چیزی توانا هستی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنِ

الهی ودرخواست می‌کنم با نامی که بنده وپیامبرت موسی بن عمران با آن تو را خواند.

عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ وَنَادَيْتَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

آنجا که فرموده‌ای: او را از جانب طور صدا زدیم و او را برای مناجات خود مقرب

وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ تَبِعَهُ مِنْ

ساختم.^۱ برای او راهی خشک و هموار در میان دریا درست کردی و او را به همراه

بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ

بنی اسرائیل نجات دادی و فرعون و هامان را به همراه لشکریانشان غرق کردی و دعایش

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

را مستجاب نمودی. آری تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. بر محمد و خاندانش درود

وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ

فرست و مرا در پناه خود از شر خلقت حفظ کن و به عفو خود نزدیک کن و نعمت‌هایت

فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ

را به اندازه‌ای عنایت کن که از همه خلقت بی‌نیاز شوم و با آن به مغفرت و رضایت

مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا وَلِيَّيَّ وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ

دست یابم. ای ولی من و هر بنده مؤمنی. الهی و درخواست می‌کنم با اسمی که بنده

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ دَاوُدُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَسَخَّرْتَ لَهُ

و پیامبرت داود با آن تو را خواند و دعایش را مستجاب کردی و کوه‌ها و پرندوها

الْجِبَالُ يُسَبِّحْنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَالطَّيْرُ مَحْشُورَةٌ كُلُّ لَّهُ أَوَابٌ

را مطیع او ساختی تا صبح و شام، با او تسبیح گویند و همگی به سوی او برگردند.

وَشَدَّدْتَ مُلْكَهُ وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابَ وَأَنْتَ لَهُ الْحَدِيدَ

حکومتش را مستحکم کردی و حکمت و قضاوت دادی و آهن را در دستش نرم ساختی

وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لُبُوسٍ لَهُمْ وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ

و روش ساختن زره را به او آموختی و از خطایش گذشتی و همیشه با او بودی، ای نزدیک.

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي وَتُسَهِّلَ

بر محمد و خاندانش درود بفرستی و تمام اموراتم را مطیع اراده‌ام کن و تقدیراتم

لِي تَقْدِيرِي وَتُرْزُقْنِي مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَتَدْفَعْ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ

را آسان گردان و مغفرت و عبادتت را روزیم کن و ظلم ظالمان و حیلہ دشمنان

وَكَيْدَ الْمُعَانِدِينَ وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَسَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ وَحَسَدَ

و مکاران و قهر و غلبه فرعون‌ها و حسد حسودان را از من برطرف کن.

الْحَاسِدِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ وَثِقَةَ الْوَائِقِينَ وَذَرِيْعَةَ

ای امان ترسیدگان و بناه پناهندگان و تکیه‌گاه تکیه کنندگان و وسیله

الْمُؤْمِنِينَ وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَمُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مؤمنان و امید توکل‌کنندگان و تکیه‌گاه صالحان ای مهربانترین مهربانان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ سُلَيْمَانَ

الهی و درخواست می‌کنم. خدایا با اسمی که بنده و پیامبر تو سلیمان یا آن تو را خواند.

بُنْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مَلِكًا لَا يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ

زمانی که گفت: «پروردگارا ملکی را به من بده که غیر از من به کسی نخواهی داد.

أَنْتَ الْوَهَّابُ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاؤَهُ وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ

بی شک تو بخشنده‌ای»^۱ تو نیز دعایش را مستجاب کردی و مخلوقات را مطیعش کردی و مرکبش

وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ

را باد قرار دادی و زبان پرندگان را به او آموختی و شیاطین و اجنه را فرمانبردارش کردی. تا کار

وَأَخْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ هَذَا عَطَاؤُكَ غَيْرِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ

بنایی و غوآصی را انجام دهند برخی نیز در زنجیرها زندانی شدند. این همه عطاای تو بود.

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي

نه عطاای غیر تو. آری تو همیشه با او بودی ای نزدیک. بر محمد و خاندانش درود بفرست و قلبم را

وَتَجْمَعْ لِي لُبِّي وَتَكْفِيَنِي هَمِّي وَتُؤْمِنَ خَوْفِي وَتَفُكَّ أَسْرِي وَتَشُدَّ

هدایت کن و پراکندگی های عظم را جمع کن و غم و اندوهم را برطرف کن و ترسم را به امنیت، بدل

أُزْرِي وَتُسهِّلَنِي وَتُفْسِنِي وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَسْمَعَ نِدَائِي وَلَا تَجْعَلَ

کن و اسارتم را پایان بخش و کرم را محکم نما و به من مهلت بده و دعایم را مستجاب کن و به

فِي النَّارِ مَاوَايَ وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي وَأَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي

حرف‌هایم گوش بده و بازگشتم را در آتش قرار نده. همتم را صرف دنیا نکن و بر روزیم وسعت بخش

وَتُحَسِّنَ خَلْقِي وَتُغْفِقَ رَقَبَتِي فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤَمَّلِي.

وخلقم را نیکو گردان وگردنم را از آتش رها کن : زیرا تو سید و سرور و آرزوی من هستی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ

الهی ودرخواست می‌کنم خدایا با اسمی که ایوب تو را خواند. زمانی که بلا بعد از

بَعْدَ الصِّحَّةِ وَنَزَلَ السُّقْمُ مِنْهُ مَنَزِلَ الْعَافِيَةِ وَالضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ

صحت و بیماری بعد از عافیت و فقر بعد از ثروت به او روی آورد. تو نیز

فَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِينَ نَادَاكَ دَاعِيًا

گرفتاریش را برطرف کردی و تو دو برابر آنچه را که از او گرفته بودی - فرزندان - به او

لَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاغِبًا لِفَضْلِكَ شَاكِيًا إِلَيْكَ رَبِّ إِنِّي مَسْنِي الضُّرَّ

برگرداندی. آنگاه که تو را با شوق و امید به احسانت صدا زد و گلایه کرد و گفت: «پروردگارا،

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ

گرفتاری مرا مبتلا کرده است در حالی که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.»^۱ دعایش را مستجاب

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْشِفَ

کردی و گرفتاریش را برطرف ساختی و همیشه به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد و خاندانش

ضُرِّي وَتُعَافِيَّتِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي فِيكَ

درد بفرست و گرفتاری را برطرف کن و در جان و اهل و مال و فرزندان و برادران

عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْأَطِبَّاءِ

ایمان‌ام عافیت بده. عافیتی همیشگی فراگیر و کافی و فرازنده و بی‌نیاز کننده از پزشکان

وَالْأَذْوِيَّةِ وَتَجْعَلَهَا شِعَارِي وَدِثَارِي وَتَمْتَعَنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي

و دواها، عافیت را لباس و لحاف من بکن. مرا از گوش و چشم بهره‌مند ساز و آن

وَ تَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

دو را جانشین من قرار ده. تو بر هر چیزی توانایی. الهی و درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى ۞ فِي بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاكَ

با اسمی که یونس بن متی، در شکم نهنگ تو را در ظلمت‌های سه گانه خواند و گفت:

فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

«خدایی جز تو نیست و تو منزهی من مقصوم و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.»^۱

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَأَنْبَتَتْ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ

دعایش را مستجاب کردی و درختی از کدو برایش رویاندی و به سوی صد هزار نفر

يَقْطِينِ وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ

و بلکه بیشتر فرستادی و پیوسته به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد و خاندانش

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتُدَارِكَنِي

درود بفرست و دعایم را مستجاب کن و مرا با عفو خودت نجات بده؛ زیرا من در دریای ظلم

بِعَفْوِكَ فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي وَرَكِبْتَنِي مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِحَلْقِكَ

به خودم، غرق شده‌ام و ظلم‌های فراوانی به گردن دارم. بر محمد و خاندانش درود بفرست

عَلَيَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتُرْنِي مِنْهُمْ وَأَعْتِنِي مِنَ النَّارِ

وآبروی مرا نزد ایشان نبر و مرا از آتش نجات بده و مرا در همین شرایطی که هستم،

وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَانِكَ وَطُلُقَانِكَ مِنَ النَّارِ فِي مَقَامِي هَذَا بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ.

از آزاد شدگان و رهایی یافتگان از دوزخ قرار بده. با فضل عنایتت، ای مَنَّان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى ابْنُ

الهی ودرخواست می‌کنم با اسمی که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم تو را با آن خواند.

مَرْيَمَ ع إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَأَنْطَقَتْهُ فِي الْمَهْدِ فَأَخْبَا بِهِ الْمَوْتَى

زمانی که او را با روح القدس یاری کردی و در گهواره به سخن آوردی. او مرده‌ها

وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ

را زنده کرد و کورهای مادرزاد و پیه‌سی‌ها را شفا داد و از گل مجسمه پرنده‌ای

طَائِرًا بِإِذْنِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

را ساخت و با اذن تو تبدیل به پرنده شد. تو به او نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفْرِغَنِي لِمَا خَلَقْتَ لَهُ وَلَا تَشْغَلَنِي بِمَا تَكَفَّلْتَهُ لِي

و خاندانش درود بفرست و مرا به کاری که برای آن آفریدی، مشغول کن و به آنچه که خود

وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ وَزُهَّادِكَ فِي الدُّنْيَا وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ

به عهده گرفته‌ای مشغول نکن و مرا در دنیا از بندگان عابد و زاهد و کسانی که برای

وَهَنَاتُهُ بِهَا مَعَ كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

عافیت خلق کردی قرار بده. ای بزرگواری ای والا مرتبه و با عظمت. الهی و درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرِّخِيَا عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا فَكَانَ

با نامی که عاصف بن برخیا، با آن تو را خواند و تخت پادشاهی ملکه سبا را در کمتر از

أَقَلَّ مِنْ لَحْظَةِ الطَّرْفِ حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمَّا رَأَتْهُ

یک چشم به هم زدن حاضر کرد. ملکه سبا آن را در مقابل خود دید. به او گفته شد.

قِيلَ أَهَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

«آیا تخت تو این طور بود؟ گفت: گویا همان است.»^۱ دعایش را مستجاب کردی

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْفِرَ عَنِّي سَيِّئَاتِي

و همیشه نزدیک او بودی ای نزدیک. بر محمد و آل او درود بفرست و گناهانم را ببامرز

وَتَقَبَّلْ مِنِّي حَسَنَاتِي وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَتَتُوبْ عَلَيَّ وَتُغْنِي فَقْرِي وَتَجْبُرْ

و حسناتم را بپذیر و توبه‌ام را قبول کن و فقرم را با بی‌نیازی و شکستگیم را با التیام برطرف کن

كُسْرِي وَتُحْيِي فُؤَادِي بِذِكْرِكَ وَتُحْيِيَنِي فِي عَافِيَةٍ وَتُمِيتَنِي فِي عَافِيَةٍ.

و قلبم را با ذکرت زنده نما و زندگی‌ام را در عافیت قرار بده و با عافیت بمیران.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكَرِيَّا عليه السلام حِينَ

الهی ودرخواست می‌کنم با نامی که بنده و پیامبرت زکریا با آن تو را خواند. آنگاه که

سَأَلَكَ دَاعِيًا رَاجِيًا لِفَضْلِكَ فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً خَفِيًّا فَقَالَ

با امید به احسانت دعا کرد و در محراب ایستاد و به آرامی نجوا کرد: «پروردگارا، فرزندی

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ

برایم عنایت کن تا از من و آل یعقوب ارث ببرد و او را فرزندی شایسته قرار بده»^۱

رَبِّ رَضِيًّا فَوَهَبَتْ لَهُ يَحْيَىٰ وَاسْتَجَبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ وَكَانَتْ مِنْهُ قَرِيبًا

تو نیز یحیی را به او دادی و دعایش را مستجاب کردی و به او نزدیک بودی ای نزدیک.

يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي

یا محمد و خاندانش درود فرست و فرزندانم را برایم نگاه دار و مرا از آنها بپرهمند ساز.

وَأَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ

من و آنها را از مؤمنینی که با علاقه به دنبال ثواب تو هستند واز دوزخت ترسانند. امید

خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ رَاجِينَ لِمَا عِنْدَكَ آيِسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّىٰ

به احسانت دوخته‌اند واز آنچه که در دست غیر توست، چشم طمع بسته‌اند، قرار بده و ما را

تُحْيِيَنَا حَيَاةً طَيِّبَةً وَتُمْيِتَنَا مَيِّتَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ.

به زندگی پاک و مرگ پاکیزه برسان. بی‌شک تو هر کاری را که اراده کنی، انجام می‌دهی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي سَأَلْتَنِي بِهِ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ سَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ

الهی ودرخواست می‌کنم با نامی که زن فرعون با آن تو را خواند. آنگاه که گفت: «پروردگارا

ابنِ لِي عِنْدَكَ يَتِيمًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ

مرا از دست فرعون و عاملان او و قوم ظالم، نجات بده و خانه‌ای در جوار رحمت خود و در

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَهَا دُعَاءَهَا وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ

بهشت برایم درست کن»^۱ تو نیز دعایش را مستجاب کردی و نزدیک او بودی ای نزدیک.

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقَرَّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَى جَنَّتِكَ

بر محمد و آل او درود بفرست و چشمانم را به دیدار بهشت و دوستانت روشن کن.

وَأَوْلِيَانِكَ وَتَفَرِّحْنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُوَسِّنِي بِهِ وَبِآلِهِ وَبِمُصَاحِبِيهِمْ

مرا با محمد و خاندانش شاد و با آنها و به همراهی و رفاقت با ایشان مأنوس گردان.

وَمُرَاقَبَتِهِمْ وَتُمْكِّنْ لِي فِيهَا وَتُجِيبْنِي مِنَ النَّارِ وَمَا أَعِدُّ لِأَهْلِهَا مِنْ

مرا در بهشت جا بده و به واسطه مغفرت مرا، از آتش و هر آنچه که برای اهل آن آماده

السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْكَالِ وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ بِعَفْوِكَ.

کرده‌ای از قییل زنجیرها و گرفتاری‌ها و لجام‌های آهنی و انواع عذاب نجات بخش.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَيْتَكَ عَبْدُكَ وَصِدِّيقَتَكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ

الهی ودرخواست می‌کنم با نامی که کنیز و صدیقه‌ات مریم، برگزیده و مادر مسیح

وَأُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عليه السلام إِذْ قُلْتَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ

رسول صلی الله علیه و آله تو را با آن خواند. آنجا که گفتی: «مریم دختر عمران، خداوند فرجش

فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا

را مصون کرده، ما از روح متعلق به خودمان در آن دمیدیم و او کلمات و کتب الهی را

مِنَ الْقَانِنِينَ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهَا وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ

تصدیق کرد و از بندگان پرهیزکار ما بود.» تو نیز دعایش را مستجاب کردی و به او

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْصِنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ وَتَحْجُبَنِي

نزدیک بودی ای نزدیک. بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا در قلعه‌های محکمیت

بِحِجَابِكَ الْمَنِيعِ وَتُخْرِزَنِي بِحِزِّكَ الْوَثِيقِ وَتَكْفِيَنِي بِكِفَايَتِكَ

مصونیت بده و با پوشش خاصت، بیوشان و با موانع محکمیت نگه دار و با کفایت

الْكَافِيَةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَظَلَمٍ كُلِّ بَاغٍ وَمَكْرٍ كُلِّ مَآكِرٍ وَعَدْرِ كُلِّ

خودت مرا با منع خود از شر تمام طغیانگران و ظلم ظالمان و مکر مکاران و حیلۀ

عَادِرٍ وَسِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَجَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ فَاجِرٍ بِمَنْعِكَ يَا مَنِيعُ.

حیلۀ گران و سحر ساحران و ظلم سلاطین ظالم، کفایت کن. ای منع کننده و نگهدارنده.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَصَفِيكَ وَخَيْرَتُكَ

الهی و درخواست می‌کنم با نامی که بنده و نبی و برگزیده و بهترین خلقت و امین بر وحی

مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَبَعِيثِكَ إِلَى بَرِيَّتِكَ وَرَسُولِكَ إِلَيَّ

و رسالت بندگانت، محمد ﷺ که خاص به تو و خالص برای توست، با آن تو را خواند

خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتُكَ وَخَالِصَتُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ

و تو نیز دعایش را مستجاب کردی و با سربازانی که دیده نمی‌شدند او را یاری کردی و دین

دُعَاةُ وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةَ الَّذِينَ

خود را بالا بردی و اعتقادات کافران را خوار نمودی و پیوسته به او نزدیک بودی ای نزدیک.

كَفَرُوا السُّفْلَى وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندانش درود بفرستی. درودی که افزایش یابد و پاک باشد و رشد کند و باقی

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةٌ زَاكِيَةٌ طَيِّبَةٌ نَامِيَةٌ بَاقِيَةٌ مُبَارَكَةٌ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ

بماند و وسیع باشد. همان طور که بر پدرانشان ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی

أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارَكْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمْتَ

و بر آنها برکت و وسعت بده همان طور که بر ابراهیم و خاندانش برکت دادی و بر آنها

عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ وَزِدَّهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ

سلام فرست همان طور که بر ایشان فرستادی. بلکه سلام و درود و برکت ایشان را از

وَاخْلَطْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ حَتَّى

جانب خودت بیشتر نیز بکن. خدایا مرا نیز در این خاندان وارد کن و با آنها معشور گردان

تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ وَتُدْخِلْنِي فِي جُمَّلَتِهِمْ وَتَجْمَعَنِي وَإِيَّاهُمْ وَتَقَرَّ

و در کنارشان قرار بده تا از حوض کوثر بنوشانی و در میانشان داخل کنی و چشمانم را

عَيْنِي بِهِمْ وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَتُبَلِّغَنِي آمَالِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ

به وجود ایشان روشن کنی و خواسته‌ام را بدهی و به آرزوهای دنیوی و اخروی وزنده

وَآخِرَتِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَتُبَلِّغَهُمْ سَلَامِي وَتَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ

و مرده‌ام برسانی و سلام مرا به ایشان برسانی و سلام آنها را نیز به من بازگردانی و سلام

وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُنَادِي

خدا و رحمت و برکاتش بر آنها باد. الهی! تو همان کسی هستی که در نصفه‌های هر شب

فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ

صدا می‌زنی آیا درخواست کننده‌ای هست تا بدهم؟ آیا دعا کننده‌ای هست تا اجابت کنم؟

فَأُجِيبُهُ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبْلِغَهُ رَجَاءَهُ

آیا استغفار کننده‌ای هست تا ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا امیدش را محقق سازم؟

أَمْ هَلْ مِنْ مُؤْمِلٍ فَأُبْلِغَهُ أَمَلَهُ هَا أَنَا سَائِلُكَ بِفِتَائِكَ وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ

آیا آرزوکننده‌ای هست تا به آرزویش برسانم. خدایا من همان گدا و درمانده و ضعیف و فقیر

وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ وَمُؤْمِلُكَ بِفِتَائِكَ أَسْأَلُكَ نَائِلُكَ

و آرزومندی هستم که در کنار درت نشسته است. عطاپاییت را می‌خواهم و امیدوار

وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ وَأُوَمِّلُ عَفْوَكَ وَالْتِمِسُ غُفْرَانَكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

رحمت هستم و آرزوی عفو تو را دارم و بپخشایشت را التماس می‌کنم. پس بر محمد

وآل محمد و اعظی سؤلی وبلغنی املی واجز فقری وازحم

و خاندانش درود بفرست و خواسته‌ام را بده و به آرزویم برسان و فقرم را جبران کن

عصیانی و اغف عن ذنوبی و فک رقبتی من مظالم لعیبادک رکبتنی

و بر معصیتم رحم کن و از گناهانم در گذر و گردنم را از مظالم بندگانت آزاد و ضعفم را

و قو ضغنی و اعز مسکنتی و ثبت و طاتی و اغفر جرمی و انعم

تقویت و مسکنت و خواریم را به عزت تبدیل کن و پاهایم را ثابت کن و جرمم را ببخش

بالی و اکثر من الحلال مالی و خزلی فی جمیع اموری و افعالی

و خاطر من را آسوده و روزی حلالم را بیشتر و در همه امور و اعمالم اراده خیر کن و مرا

ورضنی بها و ازحمی و والدی و ما ولدأ من المؤمنین و المؤمنات

با آن راضی نما و به من و والدین و آنچه که از مؤمنین و مومنات و مسلمین و مسلمات

و المسلمین و المسلمات الأخیاء منهم و الأموات إنک سمیع

از زنده‌ها و مرده‌ها که زاده‌اند، ببخش و پیامرز. تو دعاهایمان را می‌شنوی. خدایا مرا به

الدعوات و الهنی من برهما ما استحق به ثوابک و الجنة و تقبل

نیکی آنها را عنایم کن تا به ثواب و بهشت برسم و حسناتم را قبول کن و سیناتم را

حَسَنَاتِهِمَا وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِسِي ثَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ.

بخش و آنها را بر اساس بهترین کارهایی که برای من انجام داده‌اند، به بهشت ببر.

إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِيناً أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ

الهی به یقین فهمیدم که تو به ظلم امر نمی‌کنی و آن را نمی‌پسندی و تمایل و علاقه

وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُحِبُّهُ وَلَا تَغْشَاهُ وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ مِنْ

و محبتی به انجام آن نداری، از سوی دیگر خوب می‌دانی که این مردم چگونه دست به

ظَلَمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ عَلَيْنَا وَتَعَدِّيهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ وَلَا مَعْرُوفٍ بَلْ

ظلم ما دراز کرده‌اند و تجاوزگرانه بر ما ظلم می‌کنند. پروردگارا اگر برای آنها مدتی

ظُلماً وَعُدْوَاناً وَزُوراً وَبُهْتَاناً فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ

تعیین کرده‌ای که حتماً باید تا آن مدت زنده بمانند، در قرآن فرموده‌ای و گفتار تو

بُلُوغِهَا أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالاً يَتَأَلَوْنَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ

حَقٌّ است: «خداوند هر چه را که بخواهد محو و یا تثبیت می‌کند و ام‌الکتاب نزد اوست»^۱

وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

خدایا من از تو درخواست می‌کنم یا همه نام‌هایی که انبیا و پیامبران و بندگان صالح

فَأَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا سَأَلَك بِهِ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَك

و ملائکه مقربت با آن تو را خوانده‌اند، که تقدیر خود را مبنی بر نگه داشتن ظالمان از

بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ

ام الكتاب محو کنی و برایشان هلاکت و برچیده شدن را بنویسی تا اجلشان نزدیک شود

ذَلِكَ وَتَكْتَبَ لَهُمُ الْإِضْمِحْلَالَ وَالْمَحْقَ حَتَّى تَقْرَبَ آجَالَهُمْ وَتَقْضِيَ

و مدتشان تمام گردد و عمرشان قطع شود. ستمکاران را هلاک کن و برخی را بر برخی

مُدَّتَهُمْ وَتَذْهَبَ أَيَّامَهُمْ وَتَبْتُرَ أَعْمَارَهُمْ وَتُهْلِكَ فُجَّارَهُمْ وَتُسَلِّطَ

دیگر مسلط کن تا در این جنگ هیچ یک از آنها زنده نماند و اجتماعشان را به هم

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى لَا تَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدًا وَلَا تُنْجِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا

بزن و سلاح‌هایشان کند کن، شاخ و برگشان را بشکن، عمرهایشان را تمام و پایدهای

وَتَفْرِقَ جُمُوعَهُمْ وَتُكَلِّفَ سِلَاحَهُمْ وَتُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ وَتَقْطَعَ آجَالَهُمْ

حکومتشان را به لرزش بینداز و شهرهای را از وجودشان پاک گردان؛ زیرا آنها سنت

وَتُقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ وَتُزَلِّزَ أَقْدَامَهُمْ وَتُطَهِّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَتُظْهِرَ عِبَادَكَ

تو را برگردانند و عهدت را نقض کردند و حرمت را شکستند. آنها اوامرت را زیر پا

عَلَيْهِمْ فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ وَنَقَضُوا عَهْدَكَ وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ وَأَتَوْا مَا

گذاشتند و به شدت عیبانگری کردند و به گمراهی عجیبی مبتلا شدند. بنابراین بر

نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ وَعَتَوْا عَتْوًا كَبِيرًا وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا فَصَلِّ عَلَيَّ

محمد و خاندانش درود فرست و دست ظالمان را از تکبر کردن بگیر و زمین را از

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذِنَ لِحَبَابِهِمْ بِالشَّاتِ وَلِحَبَابِهِمْ بِالْمَمَاتِ

لوس وجودشان پاک گردان و اراده کن تا کاشته‌هایشان درو و ریشه‌شان قطع و شاخ

و لَأَزْوَاجِهِمْ بِالنَّهَبَاتِ نَبَاتِهِمْ وَأَسْتِصَالِ شَأْفَتِهِمْ وَشَتَاتِ سَعْلِهِمْ

و برگشان بریده بریده و بنیادشان منهدم شود. ای صاحب جلال و بزرگواری

و هَذَا بُنْيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ

و درخواست می‌کنم ای خدای من و خدای هر چیزی و پروردگار من و هر چیز

شَيْءٍ وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ

دیگری، تو را یا آن نامی می‌خوانم که دو بنده و پیامبر و نبی و برگزیده‌هایت

و رَسُولَاكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيَّاكَ مُوسَى وَهَارُونَ علیهم السلام حِينَ قَالَا دَاعِيَيْنِ

موسی و هارون علیهم السلام تو را با آن خواندند. آن هنگام که با امید به احسانت گفتند:

لَكَ رَاجِعِينَ لِفَضْلِكَ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا

«خدایا اموالشان را از بین ببر و دل‌هایشان را قبض کن؛ زیرا آنها تا عذاب دردناکت

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ

را نبینند، ایمان نمی‌آورند.»^۱ تو نیز به آنها لطف کردی و از نعمت اجابت بهره‌مندشان

وَأَشَدُّ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ فَمَنْنْتَ

ساختی تا اینکه به آنها امر کردی که «دعا‌یتان مستجاب شد. پس استقامت نشان دهید

وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ

واز راه و روش جاهلان بیروی نکنید»^۱ خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست

اللَّهُمَّ رَبِّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ

واموال این ظالمان را از بین ببر و دل‌هایشان را قبض کن و نیکیت را از آنها

لَا يَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَى

دریغ دار و در دریای خود آنها را غرق کن؛ زیرا همه آسمان‌ها و زمین و آنچه که در

أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ وَأَنْ تُشَدِّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ

میان آنهاست، متعلق به توست. قدرت و انتقام خودت را به خلقت نشان بده.

بِرِّكَ وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا

خدایا این کار را با آنها بکن و عجله کن. ای بهترین درخواست شده و بهترین

لَكَ وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ وَبَطْشَكَ عَلَيْهِمْ فَاَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ

خوانده شده و بهترین کسی که در برابرش، چهره‌ها به ذلت افتاده و دست‌ها

وَعَجَلْ ذَلِكَ لَهُمْ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَخَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ

در برابرش بالا رفته است و با زبان‌ها خوانده شده و با چشم‌های منتظر

الْوُجُوهُ وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي وَدُعِيَ بِاللِّسَنِ وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ

نگاه شده و قلب‌ها او را قصد کرده و قدم‌ها به سویش برداشته شده و در اعمال

وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ وَنُقِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ وَتُحَوِّمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

به حکمیت طلبیده شده است. الهی من بنده توام که از تو درخواست می‌کنم.

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ بِهَيْئِ بَلْ

با پربهاترین نام‌هایت. اگر چه همه آنها پربها هستند. بلکه درخواست می‌کنم با

أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرَكِّسَهُمْ

همه نام‌هایت. تا بر محمد و آل او درود فرستی و ظالمان را در دام‌های خودشان

عَلَى أُمَّ رُءُوسِهِمْ فِي رُبُوبِيهِمْ وَتُرَدِّيهِمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ وَأَرْسَلَهُمْ

سرنگون ساز و در گودال‌هایی که برای بندگانت کنده اند، بیندازی و آنها را نشانه

بِحَجَرِهِمْ وَذَكَرَهُمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَأَكْبَبَهُمْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ وَأَخْنَقَهُمْ بِوَتَرِهِمْ

تیره‌های خودشان قرار دهی و با خنجرهایی که برای دیگران تیز کرده‌اند، خودشان را

وَأَرْدُدْ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ وَأَوْبِقَهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ حَتَّى يُسْتَخَذُوا

سر ببری. آنها را با بینی بر زمین بزن و گلویشان را فشار بده و حیل‌هایشان را در

وَيَتَضَاءُوا بَعْدَ نَحْوَتِهِمْ وَيَنْقَمِعُوا وَيَخْشَعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ أَذِلَّةً

گلویشان فرو ببر و آنها را با ندامتشان عذاب کن تا بعد از تکبر و بزرگی، ذلیل و خوار

مَأْسُورِينَ فِي رِبْقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤْمَلُونَ أَنْ يَرَوْنَهَا فِيهَا وَتُرِينَا

شوند و بعد از حکمرانی شکسته و درمانده گردند و ذلیلانه در دام‌هایی که دوست داشتند

قَدْرَتِكَ فِيهِمْ وَسُلْطَانِكَ عَلَيْهِمْ وَتَأْخُذَهُمْ أَخَذَ الْقِرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ

ما را در آنها ببینند، اسیر شوند. خدایا قدرت و تسلطت را در مورد آنها به ما نشان بده

إِنَّ أَخْذَكَ الْإِلِيمُ الشَّدِيدُ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ فَإِنَّكَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ

وهمان طور که امت‌های گذشته را عذاب کردی، آنها را نیز عذاب کن. خدایا گرفت

شَدِيدُ الْعِقَابِ شَدِيدُ الْمَحَالِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دردناک و شدید تو، گرفتن قدرتی شکست‌ناپذیر و مقتدر است. بی‌شک تو شکست‌ناپذیر

وَعَجَلُ إِيرَادِهِمْ عَذَابِكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ وَالطَّاعِينَ

و مقتدر و شدید العذاب هستی. خدایا بر محمد و خاندانش درود بفرست و در عقوبت

مِنْ نَظَرَانِهِمْ وَارْفَعِ حِلْمَكَ عَنْهُمْ وَاخْلُ عَالَمَهُمْ غَضَبِكَ الَّذِي لَا يَقُومُ

کردن ظالمان با عذابی که برای آنها مهیا کرده‌ای، تعجیل کن و بردباری‌ات را از آنها

لَهُ شَيْءٌ وَأَمْرٌ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُؤَخَّرُ فَإِنَّكَ

بردار و آن غضبی را که هیچ چیز توان تحمل آن را ندارد، بر آنها مسلط کن و در تعجیل

شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَىٰ وَعَالِمُ كُلِّ فَحْوَىٰ وَلَا تَخْفَىٰ عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ

آن به ملائکه موکل عذاب، امر کن. امری که نه برمی‌گردد و نه به تأخیر می‌افتد.

خَافِيَةٌ وَلَا يَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَائِنَةٌ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ عَالِمٌ

تو شاهد هر نجوا هستی و عالم به تمام مطالب هستی و هیچ عمل آنها از تو مخفی نمی‌ماند.

مَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ اَللّٰهُمَّ وَاَسْأَلُكَ وَاُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ

تو بر تمام غیب ها آگاهی و از آنچه که در دلها می‌گذرد، خیرداری. خدایا درخواست

سَيِّدِي وَسَأَلُكَ بِهِ نُوحٌ اِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ وَلَقَدْ نَادَانَا

می‌کنم و صدایت می‌زنم با آن اسمی که سرورم صدا زد و نوح با آن درخواست کرد. آنجا که

نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ اَجَلْ. اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ اَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ وَنِعْمَ

فرموده‌ای: «نوح ما را صدا زد و تو بهترین اجابت کننده‌گانی»^۱ خدایا، پروردگارا، تو

الْمَدْعُوُّ وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ وَنِعْمَ الْمُعْطِي اَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ

اجابت‌کننده و خواننده شده و درخواست شده و عطا کننده، خوبی هستی. تو همانی که

وَلَا تُعِلُّ دُعَاءَ مَنْ اَمَلَكَ وَلَا تَتَّبِعُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ اِلَيْكَ وَلَا بِقَضَائِهَا

درخواست کننده‌گانت را دست خالی بر نمی‌گردانی و آرزومندان را خسته نمی‌کنی و از

لَهُمْ فَاِنْ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ اِلَيْكَ فِي اَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَحْنِ

زیادی نیازهایی که نزد تو آورده‌اند، به ستوه نمی‌آیی. از برآورده کردن نیازهایشان

الطَّرْفِ وَاَخْفُ عَلَيْكَ وَاَهْوَنُ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ وَحَاجَتِي يَا سَيِّدِي

خسته نمی‌شوی؛ زیرا برای تو، برآورده کردن حوایج تمام بندگانت در کمتر از یک چشم بر

وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

هم زدن ممکن و سبک‌تر از بال مگس است. از سوی دیگر سرور و مولا و تکیه‌گاه و امید من

وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهِرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ

این است که بر محمد و خاندانش درود فرستی و گناهانم را بیامرزی؛ زیرا با پستی سنگین

سَيِّئَاتِي وَرَكِبْتِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي وَلَا يُخَلِّصُنِي مِنْهُ

از گناهان آمده‌ام و مظالم بندگانت چنان مرا احاطه کرده‌اند که تنها تو می‌توانی مرا از

غَيْرِكَ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ فَامْعُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي

آنها برهانی. ای سرور من؛ گناهان زیادم را با قطرات بی‌رمق اشکم؛ بلکه با قساوت قلب

بِيسِيرِ عِبْرَاتِي بَلْ بِقَسَاوَةِ قَلْبِي وَجُمُودِ عَيْنِي لَا بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي

وچشمان خشکیده‌ام، نه بلکه با رحمت واسمهای که شامل هر چیز می‌شود، محو کن.

وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسْعِنِي وَرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ

خدایا من هم یکی از همان چیزها هستم. بنابراین با رحمت خود مرا دریاب،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا تَمْتَحِنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَحَنِ

ای رحمان ورحیم، ای مهربان‌ترین مهربانان مرا با گرفتاری‌های دنیا امتحان نکن

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي بِذُنُوبِي وَعَجِّلْ خَلَاصِي

و کسی را که بر من رحم نمی‌کند، بر من مسلط ننماید. با گناهانم مرا هلاک نکن و در

مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ ظَلَمٍ وَلَا تَهْتِكْ سِرِّي وَلَا تَفْضَحْنِي

رهایی من از تمام گرفتاری‌ها و امور ناخوشایند، عجله نما. خدایا پرده خود را کنار

يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَالْثَوَابِ. أَسْأَلُكَ أَنْ

نزن و در روز رستاخیز بی‌آبرویم نسا. ای کسی که ثواب و عطایت بسیار است. درخواست

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ وَتُمِيتَنِي

می‌کنم که بر محمد و آل او درود بفرستی و از زندگی سعادتمندان و مرگ شهیدان

مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ وَتَقْبَلَنِي قَبُولَ الْأَوْدَاءِ وَتَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّينِيَّةِ

بهره‌مندم کنی و مرا مانند دوستانت بپذیری و در این دنیای پست از شر سلاطین

مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَفُجَّارِهَا وَشَرَّارِهَا وَمُحِبِّيَّهَا وَالْعَامِلِينَ لَهَا فِيهَا

وستمکاران و افراد شرور و علاقه‌مندان به دنیا و دنیاپرستان، حفظ کنی و مرا

وَقِنِي شَرَّ طُغَاتِهَا وَحُسَادِهَا وَبَاغِي الشَّرِكِ فِيهَا حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرَ

از شر سرکشان و حسودان نگه داری. تا آنجا که مرا از مکر مکاران امنیت دهی.

الْمَكْرَةِ وَتَقْفَأَ عَنِّي أَعْيُنَ الْكُفْرَةِ وَتُفْحِمَ عَنِّي أَلْسُنَ الْفَجْرَةِ وَتَقْبِضَ

چشمها و زبانهایشان را بازداري و مرا بالاتر از دست ظالمان نگه داری مرا از

لِي عَلَى أَيْدِي الظَّلْمَةِ وَتُؤْمِنَ لِي كَيْدَهُمْ وَتُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ وَتَشْغَلَهُمْ

حيله‌هایشان امان دهی و آنها را با عصبانیتشان بکشی و آنها را به چشم و گوش

بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْتِدَتِهِمْ وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ

و دلشان مشغول کنی و مرا از همه آنها در حصن و قلعه خود، حفظ کنی. همانا

وَأَمَانِكَ وَحِرْزِكَ وَسُلْطَانِكَ وَحِجَابِكَ وَكَنْفِكَ وَعِيَاذِكَ وَجَارِكَ إِنَّ

ولتی من خدایی است که کتاب را نازل کرد و او خود متولی امور صالحین است.

وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ

خدایا به تو پناه می‌برم و تو را می‌پرستم و به تو امید بستم و از تو کمک می‌خواهم

وَبِكَ الْوُدُّ وَلَكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَبِكَ أَسْتَعِينُ وَبِكَ أَسْتَكْفِي

و از تو یاری می‌جویم و تو را صدا می‌زنم و از تو قدرت می‌خواهم و از تو درخواست

وَبِكَ أَسْتَعِيثُ وَبِكَ أَسْتَقْدِرُ وَمِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا برنگردانی مگر با گناهای بخشیده شده

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَتِجَارَةٍ

و تلاش مآجور و تجارتی ماندگار و بدون زیان و یا من رفتاری کنی که شایسته توست

لَنْ تَبُورَ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ

و رفتاری نکنی که من شایستگی آن را دارم؛ زیرا تو شایسته حفظ و نگهداری بندگان

أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. إِلَهِي وَقَدْ أَطَلْتُ

و آمرزش آنها و فضل و عنایت هستی. خدایا دعایم را طول دادم و خیلی حرف زدم.

دُعَائِي وَأَكْثَرْتُ خِطَابِي وَضِيقُ صَدْرِي حَدَانِي عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَحَمَلَنِي

فشار گرفتاری‌ها مرا و ادا کرد تا چنین سخن بگویم. با اینکه می‌دانم اگر دعای من

عَلَيْهِ عِلْمًا مِّنِّي بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي الْعَجِينِ بَلْ يَكْفِيكَ

به اندازه نمک در خمیر حتی اگر به اندازه قصد و نیت باشد، برای تو کافی است.

عَزْمُ إِرَادَةٍ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنَيْتِهِ صَادِقَةً وَلِسَانٍ صَادِقٍ يَا رَبِّ فَتَكُونَ

آری اگر بنده با نیت صادقانه و زبانی راستگو صدا بزند و بگوید: پروردگارا، تو

عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

نزد او حاضر خواهی شد. پس از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقَرِّنَ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ مِنْكَ وَتُبَلِّغَنِي مَا

و دعایم را مقرون به اجابت کنی و تمام چیزهایی که آنها را از تو خواستم، از لطف

أَمَلْتُهُ فِيكَ مِنْهُ مِنْكَ وَطَوْلًا وَقُوَّةً وَحَوْلًا وَلَا تُقِيمَنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا

و عنایت و احسانت برآورده سازی مرا از جایم بلند نکن، مگر اینکه تمام خواسته‌هایم

إِلَّا بِقَضَائِكَ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَخَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ

را مستجاب کرده باشی؛ زیرا آنها برای تو آسان هستند اما برای من بسیار بزرگند و تو

كَثِيرٌ وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ. إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ

بر خواسته‌هایم توانایی داری، ای شنونده و بیننده، خدایا، اینجا محل ایستادن بندهای

مِنَ النَّارِ وَالْهَارِبِ مِنْكَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبٍ تَهْجَمْتُهُ وَعُيُوبٍ فَضَحْتُهُ

است که از آتش دوزخ به تو پناه آورده و از گناهایی که به او هجوم آورده و عیب‌هایی که

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحْمَةٍ أَفُوزُ بِهَا إِلَى

آبرویش را برده‌اند، به تو پناه آورده است. با نظر رحمتت به من نگاه کن تا با آن وارد بهشت

جَنَّتِكَ وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ

شوم و عطفتی‌نشان بده تا با آن از آتش دوزخت نجات یابم؛ زیرا بهشت و دوزخ به دست

لَكَ وَبِيَدِكَ وَمَقَاتِيحُهُمَا وَمَعَالِيْقُهُمَا إِلَيْكَ وَأَنْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ قَادِرٌ

تو است و کلیدهای باز کردن و قفل‌های بستن آنها همه از تو است و تو بر همه آنها توانایی

وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ وَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ

داری و بر تو بسیار آسان و کوچک هستند. بنابراین آنچه را که خواستم عنایت فرما. مانع و نیرویی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

غیر از خدای والا مرتبه و با عظمت وجود ندارد و خدا ما را کفایت می‌کند و وکیل خوبی است.

دعای پنجم

نماز حاجت صادر شده از امام زمان علیه السلام و دعای آن^۱

در نامه‌ای که از حضرت صادر شده، فرموده‌اند:

کسی که حاجتمند باشد، شب جمعه بعد از نصف شب، غسل کند و در محل نماز قرار بگیرد.

دو رکعت نماز بخواند به این ترتیب که:

در رکعت اول سوره حمد را می‌خواند و وقتی که به آیه: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید، آن را صد بار تکرار می‌کند و حمد را تمام و سوره توحید را تنها یکبار می‌خواند.

بعد از آن رکوع و سجده می‌کند و در هر کدام تسبیحات آن را هفت بار انجام می‌دهد. و رکعت دوم را مانند اولی بجا می‌آورد. بعد از نماز این دعا را می‌خواند و خداوند به قطع، حاجت او را هر چه که باشد، برآورده می‌کند. مگر اینکه مربوط به قطع رحم باشد:

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَأَلْحَمِدُكَ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ

خدایا اگر تو را اطاعت کردیم، حمد و ثنا برای توست.^۲ و اگر معصیت کردیم، تو علیه ما

الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ.

دلیل داری، راحتی و گشایش از توست. پاک و منزّه است کسی که نعمت می‌دهد و تشکر می‌کند.^۳

۱. تفسیر القمی / ج ۲ / ص ۱۲۹ / إحضار عرش بلقیس؛ مستدرک الوسائل / ج ۶ / ص ۷۵ /

باب ۲۷-باب استحباب الصلاة المرغبة.

۲. یعنی ما از لطف تو ترفیق عبادت یافتیم.

۳. مقصود آن است که خداوند متعال انسان را از نعمت عبادت و صحبت و اطاعت خودش

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ

پاک و منزّه است کسی که مقدر می‌کند و می‌بخشد. ^۱ خدایا اگر چه عصیان کرده‌ام، اما

إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا

در محبوب‌ترین امور نزد تو، که ایمان باشد، تو را اطاعت کرده‌ام، من برای تو فرزند

مَتَّأ مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَتَّأ مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَيَّ

وشریکی نمی‌دانم. البته این ایمان، توفیقی از توست، نه متنی از من بر تو. خدایا از سر

غَيْرَ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ بِرُبُوبِيَّتِكَ

لجبازی و با قصد خروج از عبودیت و انکار به ربوبیت، گناه نکرده‌ام. بلکه قریب هوای

وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ فَإِنْ

نفسم را خوردم و شیطان مرا به لغزش انداخت. با این حال تو می‌توانی مرا محکوم کنی. اگر

تُعَذِّبْنِي فَبِدُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ

مرا عذاب کنی، به خاطر گناهانم خواهد بود. اما اگر ببخشی به خاطر آقایی و کرم وجود توست.

= بهره‌مند می‌کند. اما به جای اینکه انسان از او به خاطر این نعمت شکر کند، خداوند دوباره از انسان تشکر می‌کند و برای عبادتی که نعمت خودش بوده است، دوباره تشکر کرده و پاداش می‌دهد. این مطلب با تفصیل بیشتر در دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام آمده است.

۱. به این معنا که خداوند متعال خود حدودی را برای انسان تعیین می‌کند. اما زمانی که انسان این حدود را می‌شکند، می‌بخشد.

کَرِيمٌ يَا كَرِيمُ (یا کریم را آن قدر تکرار می‌کند تا نفسش تمام شود).
و ادامه می‌دهد:

يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ أَسْأَلُكَ بِآمِنِكَ

ای خدایی که از هیچ چیزی هراس ندارد و همه چیز در هراس از اوست. درخواست

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ

می‌کنم به خاطر اینکه تو از همه در امانی و همه از تو هراسان هستند، بر محمد

وآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغَطِّيَ أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَسَائِرِ

و خاندانش درود فرست و برای من و خانواده و فرزندانم امان و پناه بده. تا از کسی

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَلَا أَخْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا

ترسم و هراسی به خود راه ندهم. همانا تو بر هر چیزی توانایی داری و خدا

إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَافِي

ما را کفایت می‌کند و او بهترین وکیل است. ای کفایت کننده ابراهیم از شر

إِبْرَاهِيمَ علیه السلام نُمْرُودَ وَيَا كَافِي مُوسَى علیه السلام فِرْعَوْنَ وَيَا كَافِي مُحَمَّدٍ

نمرود و ای کفایت کننده موسی از شر فرعون و ای کفایت کننده محمد علیه السلام از شر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَخْزَابِ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

قبایل عرب. از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا از

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

شر فلانی حفظ کنی. تو از شر کسی که از شرش می‌ترسم، کفایت خواهی کرد.

(در این بخش نام شخصی را که از شر او در هراس است، ذکر

می‌کند.) فَيَسْتَكْفِيَنِي شَرَّ مَنْ يَخَافُ شَرَّهُ. ان شاء الله حاجتش برآورده

می‌شود. سپس به سجده رفته و با تضرع حوائجش را درخواست

می‌کند. فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَدَعَا بِهَذَا

الدُّعَاءِ إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِلْإِجَابَةِ وَيُجَابُ فِي وَقْتِهِ وَلَيْلَتِهِ

كَاتِبًا مَا كَانَ وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ؛ هیچ زن و مرد

مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که این نماز را با این دعا بخواند مگر اینکه

خداوند درهای رحمتش را برای اجابت باز می‌کند و دعایش را در

همان لحظه و همان شب مستجاب می‌کند.^۱ هر چه که باشد. این

۱. اجابت دعا غیر از آن است که در همان موقعی که ما می‌خواهیم کار مورد نظر صورت

گیرد. به عبارتی ممکن است که کسی از خداوند شفای مریض و یا خانه دار شدن و امثال

آن را بخواهد. اما بعد از چند سال محقق گردد. به عبارتی اجابت دعا به آن معناست که

در تقدیرات انسان ثبت می‌شود که فلان کار در موقع مناسب انجام گیرد. زیرا کل عالم

بر اساس نظامی حرکت می‌کند و در اغلب موارد، دعای ما با مصالح اجتماعی و یا

شخصی افراد دیگر در تعارض است. از این رو خداوند به سبب دعا نظام عالم را به

گونه‌ای تنظیم می‌کند که در موقعیت مناسب، شخص را به خواسته خودش برساند.

به عنوان مثال اگر شما درخواست وام بکنید و با این درخواست موافقت شود، این موافقت

بدان معنا نیست که الزاماً وام در همان زمان دلخواه شما، پرداخت شود؛ زیرا بانک باید

اجابت از فضل خدا به ما و مردم است.



مرکز تحقیقات علوم دینی

=> توانایی خود و درخواست‌های دیگر را بررسی کند و طبق آن مهلتی را برای وصول وام شما تعیین کند.

شاید یکی از موارد روشن این مطلب دعای حضرت موسی و هارون علیهم السلام در ناپودی حکومت فرعون باشد، که خداوند به آنها فرمود:

﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِي سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ / یرنس / ۸۹

دعایتان مستجاب شد، بنابراین استقامت کنید و به راه گمراهان نروید.

شاید برای ما باور نکردنی باشد که: اگر چه اجابت دعا در همان لحظه صورت گرفته است، اما تحقق خارجی آن بعد از چهل سال رخ داده است؛ یعنی بعد از چهل سال که خداوند به آنها فرمود: دعایتان مستجاب شد، فرعون سرنگون گردید. این مطلب در روایاتی آمده است که از جمله می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد.

ابن‌ابی عمیر عن هشام بن سالم عن ابي عبد الله علیه السلام قال «كان بين قول الله عز وجل قد اجيبت دعوتكما وبين اخذ فرعون اربعين عاماً» الكافي ج ۲، ص ۴۸۹، باب من أبطات عليه الاجابة.

دعای ششم

دعای عبرات یا اشک‌های روان^۱

علامه حلی^۲ در آخر کتاب منهاج الصلاح در دعای عبرات معروف، گفته است که این روایت از امام صادق^۳ نقل شده است. اما از جهت سید بزرگوار رضی الدین محمد بن محمد آوی^۴ حکایت معروفی است که برخی از فضلا آن را در حاشیه همان دعا ذکر کرده‌اند.

جناب فخر الدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدرش واو از جدش، فقیه بزرگوار یوسف، از سید رضی که حکایت آن می‌آید نقل کرده است که:

او در زندان یکی از امرای سلطان جرماغون^۵ مدت زیادی در حبس بوده و گرفتاری‌ها و فشارهای زیادی را متحمل شده است. تا این که روزی حضرت قائم^۶ را در خواب دید و با دیدن ایشان گریه کرد و گفت: مولای من مرا از این ظلمت نجات بده.

امام^۷ فرمود: دعای عبرات را بخوان.

گفت: دعای عبرات چیست؟

فرمود: در مصباح

عرض کردم: سرورم این دعا در مصباح من نیست.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۱، الحکایة الربعة.

۲. از پادشاهان مغول بوده است که معاصر با خوارزم شاه بود و در قرن هفتم هجری می‌زیست.

فرمود: نگاه کن پیدا می‌کنی!

از خواب بیدار شدم، بعد از خواندن نماز صبح، کتاب مصباح را باز کردم و با صفحه‌ای مواجه شدم که دعای عبرات در آن آمده بود. من آن را چهل بار خواندم.

این سلطان دو زن داشت. یکی از آنها زنی عاقل و خوش فکر بود. از این رو مورد اعتماد امیر بود. وقتی که امیر در نوبت این زن، پیشش آمد، به او گفت: آیا تو کسی از فرزندان حضرت امیر علیه السلام را گرفته‌ای؟

گفت: برای چه این سؤال را می‌پرسی؟

گفت: برای این که مردی را دیدم که نور خورشید از صورتش می‌تابید. نزدیک آمد و حلقم را گرفت و گفت: شوهرت جرأت کرده و یکی از فرزندان مرا گرفته و او را در خورد و خوراک، تحت فشار قرار داده است! عرض کردم، سرورم، شما کیستید؟ فرمود: من علی بن ابیطالب هستم. به او بگو: اگر او را آزاد نکند، خانه‌اش را به سرش خراب می‌کنم.

این خبر به سلطان رسید او گفت: من در این باره چیزی نمی‌دانم. از معاونانش پرسید که آیا شما چنین کسی را گرفته اید؟ گفتند: بله شیخی علوی است که خود شما دستور زندانی کردنش را صادر کردید.

گفت: او را آزاد کنید و اسب و مشک‌های او بدهید تا راه بیفتد. در نهایت سید به خانه خود رفت.

همین طور سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمته در آخر کتاب مهج الدعوات نقل می‌کند که از جمله دعاها، دعایی است که دوست و برادر من محمد بن محمد قاضی آوی، درباره این دعا سخن و اثر عجیبی ذکر کرده است. به این صورت که برای ایشان حادثه‌ای رخ داده و این دعا را در میان اوراقی که آنها را در میان کتابهایش قرار نداده بود، پیدا می‌کند. از روی آنها نسخه برداری می‌کند. وقتی که نسخه برداری تمام می‌شود، دعای اصلی مفقود می‌گردد. شیخ آن را نقل می‌کند. حتی بعد از آن، نسخه دیگری را نقل می‌کند که مقداری از تعبیرات آن تفاوت می‌کند.

ما در اینجا نسخه اولی را به جهت تبرک به خط سید بن طاووس رحمته می‌آوریم. حتی میان نقل ایشان و علامه حلی رحمته تفاوت زیادی وجود دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ وَيَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ

خدایا به چد از تو درخواست می‌کنم، ای رحم کننده بر اشکها وای برطرف

أَنْتَ الَّذِي تَفْشَعُ سَحَابَ الْمَحْنِ وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقَالاً وَتَجْلُو

سازنده گرفتاری‌ها. تویی که ابرهای سنگین را پراکنده می‌کنی. تویی که مه‌های

ضبابِ الْإِحْنِ وَقَدْ سَحَبَتْ أَذْيَالاً وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا

غلیظ را از بین می‌بری و روشن می‌کنی. تویی که زراعت را خشک و استخوان‌ها

وَعِظَامَهَا رَمِيمًا وَتَرَدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا وَالْمَطْلُوبَ طَالِبًا

را خاک و شکست خورده را پیروز و فراری را فراری دهنده می‌کنی.

إِلَهِي فَكَمْ مِنْ عَبْدٍ نَادَاكَ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَفَتَحْتَ

خدایا چه بسیارند بندگان که تو را صدا زدند که من مغلوب شده‌ام.

لَهُ مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْتَ

یاری‌ام کن و تو نیز از سر نصرت به او، درهای آسمان را بر آب گشودی

لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا فَالْتَمَى مَاءً فَرَجِهِ عَلَى أَمْرِ قَدْ

و چشمه‌هایی را از زمین جوشانیدی، آبی که موجب گشایش کارش

قَدِرَ وَحَمَلْتَهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْوَاحِ وَدُسِّرَ

بود، به اندازه معینی رسید و او را بر روی تخته‌ها سوار کردی.

يَا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ يَا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ

پروردگارا، من مغلوب شده‌ام، یاری‌ام کن، پروردگارا، من مغلوب شده‌ام، یاری‌ام کن.

يَا رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پروردگارا، من مغلوب شده‌ام، یاری‌ام کن، بر محمد و خاندانش درود فرست

وَافْتَحْ لِي مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجِّرْ لِي

و درهای آسمان را برای نصرت من باز کن و آب فراوان بریز و چشمه‌های آن را از

مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا لِيُلْتَقِيَ مَاءُ فَرْجِي عَلَى أَمْرٍ قَدْ قَدِرَ

زمین بجوشان تا جایی که آب گشایش من، به اندازه معینی برسد و مرا با کفایت

وَاحْمِلْنِي. يَا رَبِّ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرِ يَا مَنْ

خودت، بر کشتی سوار کن. ای کسی که وقتی بنده‌اش در تاریکی شب فرو می‌رود

إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهِيمُ فَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيحًا

واز تحیر دچار توهمات و ترس می‌شود و سرپرست و دوست صمیمی، برای خود

يُصْرِيخُهُ مِنْ وَلِيِّ وَلَا حَمِيمٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدُّ

نمی‌بیند تا به فریادش برسد، بر محمد و خاندانش درود فرست و از فضل خود،

يَا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيحًا مُعِينًا وَوَلِيًّا يَطْلُبُهُ حَيْثًا يُنَجِّيهِ

فریادرس و یاورم باش و مانند سرپرستی که دنبال عبد خود است تا او را از

مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ وَيُظْهِرُ لَهُ الْأُمُهِمَّ مِنْ أَعْلَامِ فَرْجِهِ

گرفتاری نجات بدهد و در مشکلاتش گشایش ایجاد کند، تو نیز با من چنین کن.

اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ وَأَيَاتُهُ بَاهِرَةٌ وَتَقَمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ

خدایا، ای کسی که قدرتش غالب و نشانه‌هایش روشن و غذایش شکستنده هر پادشاه

جُبَّارٍ دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَتَّارٍ صَلَّى يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و در هم کوبنده هر کافر حيله‌گر است، بر محمد و خاندانش درود فرست و از

وَانظُرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ نَظْرَةً مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً تَجْلُو بِهَا عَنِّي

آن نگاه‌های دلسوزانه‌ات به من نگاه کن تا ظلمت پایدار ما، روشن شود. ظلمتی

ظَلَمَةٌ وَاقْفَةٌ مُقِيمَةٌ مِنْ عَاهَةِ جَفَّتْ مِنْهَا الضَّرْعُ وَقَلَفَتْ مِنْهَا

از جنس آفتی که پستان‌های حیواناتمان را خشک و زراعت‌هایمان را از بین برده

الزَّرْعُ وَاشْتَمَلَ بِهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ وَجَرَتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفَاسُ.

است و بر قلب‌هایمان سایه یأس انداخته و نفس‌هایمان را کند کرده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحِفْظاً لِعُرَائِسِ غَرَسْتَهَا

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و درختانی را که با دست رحمانیت کاشته و با آب

يَدِ الرَّحْمَنِ وَشَرَبَهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُجْرُ

حیاتت سیراب کرده‌ای، حفظ کن تا شیطان با دستش در نیارد و با تیشه‌اش، قطع نکند.

وَبِفَأْسِهِ تُقَطِّعُ وَتُحَزُّ. إِلَهِي مَنْ أَوْلَى مِنْكَ أَنْ يَكُونَ عَنْ

خدایا، همه اینها متعلق به توست، کیست که برای حفظ ملکت از خود تو شایسته‌تر

حَمَاكَ حَارِساً وَمَانِعاً إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ وَحَسَنُ

باشد. خدایا، گرفتاری سنگین شده است، آن را آسان کن. خشن شده است، نرم کن. قلب‌ها

فَالِنُّهُ وَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَنَهَا وَالنُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكَّنَهَا.

ترسیده‌اند، آنها را به حرکت در آور. جان‌ها به اضطراب افتاده‌اند، آنها را آرام کن.

إِلَهِي تَدَارَكَ أَقْدَامًا قَدْ زَلَّتْ وَأَفْهَامًا فِي مَهَامِهِ الْخَيْرَةَ ضَلَّتْ

خدایا، قدم‌هایی را که لغزیده و عقل‌هایی را که در گرداب حیرت به اشتباه افتاده بودند،

أَجْحَفَ الضَّرُّ بِالْمَضْرُورِ فِي دَاعِيَةِ الْوَيْلِ وَالْتُبُورِ فَهَلْ يَخْسُنُ

جبران کن. ضرر، صدای مردم را به واویلا درآورده است. آیا شایسته فضل توست که آنها را

مِنْ فَضْلِكَ أَنْ تَجْعَلَهُ فَرِيَسَةً لِلْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ أَمْ هَلْ يُحْمَلُ

در معرض بلا قرار دهی، با اینکه امیدشان به توست؟ آیا در عدل تو می‌گنجد که او در

مِنْ عَدْلِكَ أَنْ يَخُوضَ لُجَّةَ الْغَمِّ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ مَوْلَايَ لِنُنْ

بدبختی و غم فرو رود، در حالی که تو را صدا می‌زند؟ سرورم، اگر در تقوای تو، خودم را

كُنْتُ لِأَشَقُّ عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى وَلَا أَبْلُغُ فِي حَمَلِ أَعْبَاءِ

به مشقت نمی‌اندازم، اگر تا درجه رضای تو، عهده دار اطاعت نیستم، اگر در زمره بندگانی

الطَّاعَةِ مَبْلُغَ الرِّضَا وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سِلْكِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهَمُّ

در نمی‌آیم که از دنیا روی برگردانده‌اند. شکم‌هایشان نازک و چشمانشان از شدت گریه

حُمُصُ الْبُطُونِ عُمُصُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكَاءِ بَلْ أَتَيْتَكَ يَا رَبِّ بِضَعْفٍ

باد کرده است. خدایا، من با عملی ضعیف و پستی سنگین از گناهان و لغزش‌ها با روحی

مِنَ الْعَمَلِ وَظَهَرَ ثَقِيلٍ بِالْخَطَاءِ وَالزَّلَلِ وَنَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٌ

که به راحتی عادت کرده و به امروز و فردا کردن نفسم مطیع شده است. [به سویت آمده‌ام]

وَلِدَوَاعِي التَّسْوِيفِ مُنْقَادَةً أَمْ مَا يَكْفِيكَ يَا رَبِّ وَسِيْلَةً إِلَيْكَ وَذَرِيْعَةً

آیا برای تو کفایت نمی‌کند که اولیایت را دوست دارم و در محبت به تو حدّ و حصری

لَدَيْكَ أَنْبِي لِأَوْلِيَائِكَ مُوَالٍ وَفِي مَحَبَّتِكَ مُغَالٍ أَمْ مَا يَكْفِينِي أَنْ

نمی‌شناسم؟ آیا کفایت نمی‌کند که به خاطر آنها با مظلومیت، شب می‌کنم و با فرو بردن

أَرْوَحَ فِيهِمْ مَظْلُومًا وَأَعْدُو مَكَظُومًا وَأَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا

غیظ، صبح می‌نمایم، گرفتاری‌های فراوان را متحمل می‌شوم و در تیررس آنها قرار

وَبَعْدَ رُجُومٍ رُجُومًا أَمَا عِنْدَكَ يَا رَبِّ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تُضَيِّعُ وَذِمَّةٌ

می‌گیرم؟^۱ آیا اینها نزد تو حرمتی ندارد و کمترین تهدیدی را برای تو ایجاد نمی‌کند؟ اگر

بِأَذْنَاهَا يُفْتَنَعُ فَلِمَ لَا يُمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَلْ أَنَا ذَا غَرِيقٍ وَتَدْعُنِي

اینها ارزش و حرمت دارند، چرا جلوی غرق شدن مرا نمی‌گیری و اجازه می‌دهی که در آتش

بِنَارٍ عَدُوِّكَ حَرِيقٍ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَائِكَ مَصَائِدَ وَتَقْلِدُهُمْ

دشمنانت بسوزم؟! آیا دوستانت را صید دشمنانت قرار می‌دهی و به زنجیر ذلتشان می‌کشی؟

۱. سخن درباره گناهان شیعیانی است که تشییع آنها از روی بصیرت است. کسانی که تاوان آن را شب و روز می‌پردازند، مورد ظلم قرار می‌گیرند، بدبختی‌ها از هر سو آنها را احاطه می‌کند. اما دست از اعتقاد و حمایت از اهل بیت علیهم السلام بر نمی‌دارند. نه کسانی که به تن پروری و ظلم به بندگان خدا عادت کرده‌اند و از تشییع تنها نام علی را یدک می‌کشند. راستی اگر علی زنده می‌شد با این همه آلودگی ما چه می‌کرد؟ آیا آنان را که شب و روز خون بندگان خدا را به شیشه می‌کشند و در مجالس او پول خرج می‌کنند، می‌پذیرفت و آنها را شیعه خود می‌دانست؟

مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدَ وَأَنْتَ مَالِكُ نَفْسِهِمْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا وَفِي

آن هم در حالی که تو مالک جان‌هایشان هستی! اگر تو جان‌هایشان را بگیری، خشک می‌شوند.

قَبَضَتِكَ مَوَادُّ أَنْفَاسِهِمْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُوا وَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْفُفَّ

آری ارواحشان در قبضه توست که اگر بگیری، بی‌جان می‌افتند. خدایا چه چیزی باعث

بَأْسَهُمْ وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِبَاسَهُمْ وَتَغْرِيبَهُمْ مِنْ سَلَامَةِ بِهَا

شده است که آزار واذیتشان را از ما برنگردانی ولباس مصونیت را از تنشان درآوری و آنها را

فِي أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ وَفِي مَيْدَانِ الْبَغِيِّ عَلَى عِبَادِكَ يَغْرَحُونَ.

از سلامت عریان کنی. سلامتی که با آن می‌چرند ودر میدان ظلم بر بندگانت تکبر می‌ورزند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذْرِكُنِي وَلَمَّا يُذْرِكُنِي

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و قبل از اینکه غرق شوم

الْغَرَقُ وَتَذَارِكُنِي وَلَمَّا غُيِّبَ شَمْسِي لِلشَّفَقِ إِلَهِي كَمْ مِنْ خَائِفٍ

وخورشید هدایتم در شفق ناپدید شود، مرا دریاب، خدایا، چه بسیارند

التَّجَأَ إِلَى سُلْطَانٍ فَابَ عَنْهُ مَحْفُوفًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ أَفَأَقْصِدُ يَا رَبِّ

کسانی که به سلاطین پناه برده‌اند ودر پناه او در امان مانده‌اند. آیا به سلطنتی

بِأَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا

غیر از سلطنت تو پناه بیرم؟ یا به سفره‌ای وسیع‌تر از احسان

أَمْ أَكْثَرَ مِنْ اِقْتِدَارِكَ اِقْتِدَاراً أَمْ أَكْرَمَ مِنْ اِنْتِصَارِكَ اِنْتِصَاراً.

تو یا مقتدرتر از اقتدار تو یا فراتر از یاری تو یاوری بجویم؟

اللَّهُمَّ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَعِيثِينَ مِنَ الْأَنَامِ وَأَيْنَ

خدایا، کجاست کفایتی که یاری گر بندگان مستضعفت می‌باشد. کجاست توجیهی که سپر تیر کسانی

عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ لِحُجُورِ الْأَيَّامِ إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ

باشد که مرا آماج هدف ظلم خود قرار داده اند؟ خدایا آن کفایت و عنایت را بر من سرازیر کن

نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

و مرا از شر ظالمان نجات بخش. که ضررها مرا فرا گرفته‌اند در حالی که تو مهربان‌ترین مهربانانی

مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِيرِي فِي أَمْرِي وَتَقْلِبِي فِي ضَرْبِي وَأَنْطَوَايَ عَلَى حُرْقَةِ

خدایا، آیا تحیرم را از یکسو و سرگردانی در بدبختی‌هایم را از سوی دیگر و به خود

قَلْبِي وَحَرَارَةَ صَدْرِي فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ لِي

پیچیدن‌هایم را که از سوز دل و سینه‌ام است، می‌بینی؟ بر محمد و خاندانش درود فرست

يَا رَبِّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَزَجْأً وَمَخْرَجاً وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْيُسْرَى

و به خاطر هر آنچه که شایسته آنی، برای من گشایشی فراهم کن و راهی آسان به

مَنْهَجاً وَاجْعَلْ لِي يَا رَبِّ مَنْ نَصَبَ حِبَالاً لِي لِيَصْرَعَنِي بِهَا صَرِيعَ

سوی مشکلاتم باز کن. خدایا، اگر کسی طنابی گذاشته تا مرا به زمین بزند، با همان او

مَا مَكْرَهُ وَمَنْ حَفَرَ لِي الْبِئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَأَقِعَا فِيمَا حَفَرَهُ وَأَصْرِفِ

را به زمین یزن. اگر چاهی کنده تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن سرنگون ساز.

اللَّهُمَّ عَنِّي شَرَّهُ وَمَكْرَهُ وَفَسَادَهُ وَضَرَّهُ مَا بَصُرْفُهُ عَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِينِ

خدایا، شرّ و نیرنگ و فساد و ضرر او را از من برگردان. همان طور که از کسی که خود را مطیع دین

الدِّيَانِ وَمُنَادٍ يُنَادِي لِلْإِيمَانِ إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ وَضَعِيفُكَ

و منادی ایمان قرار داده است، برمی گردانی. خدایا، بنده، بنده توست. دعای بندها را اجابت کن.

ضَعِيفُكَ فَرِحَ غُمَّتُهُ فَقَدِ انْقَطَعَ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلُكَ وَتَقَلَّصَ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلُّكَ

و ضعیف، ضعیف توست، گرفتاریش را آسان گردان. تمام دستاویزها غیر از دستاویز تو بریده است

مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا أَيْنَ تُصَادِفُ مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ وَيَجْعَلُنِي

و تمام سایهها جمع شده غیر از سایه تو. مولای من، اگر تو دعای مرا برگردانی، چگونه مستجاب

مَخِيلَتِي إِنْ كَذَّبْتَهَا أَيْنَ تُلَاقِي مَوْضِعَ الْإِجَابَةِ فَلَا تَرُدُّ عَنِّي بَابِكَ مَنْ

خواهد شد. اگر آرزوهای مرا قبول نکنی، کجا قبول خواهد شد. کسی را که غیر از در

لَا يَعْرِفُ غَيْرَهُ بَاباً وَلَا يَمْتَنِعُ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْرِفُ سِوَاهُ جِنَاباً

تو، دری نمی شناسد، نران و کسی را که غیر از جوار رحمت تو، پناهی ندارد، محروم نکن.

سجده کرده و می گوید:

إِلَهِي إِنْ وَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ تَوَجَّهْتُ فَالرَّغْبُ خَلِيقٌ بِأَنْ تُجِيبَهُ

خدایا، اگر بنده ای صورتش را با امید به سوی تو متوجه کند، شایسته اجابت خواهد بود

وَإِنَّ جِئْنَا لَكَ بِإِبْتِهَالِهِ سَجْدَ حَقِيقٍ أَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ وَإِنَّ خَدًّا

ویشانی که با تضرع بر خاک بنشیند، شایسته است که به آروزش برسانی و گونه‌ای

إِلَيْكَ بِمَسْأَلَتِهِ يُعْفِرُ جَدِيرٌ بِأَنْ يَقُوزَ بِمُرَادِهِ وَيَظْفَرَ وَ هَا أَنَا

که بر خاک گذاشته شده است، لیاقت آن را دارد که به خواسته‌اش برسد. خدایا، این منم،

ذَا يَا إِلَهِي قَدْ تَرَى تَغْفِيرَ خَدِّي وَإِبْتِهَالِي وَاجْتِهَادِي فِي

بنده تو که در برابر دیدگانت، گونه‌هایم را بر خاک مذلت می‌مالم و ناله می‌کنم و با اصرار،

مَسْأَلَتِكَ وَجِدِّي فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغْبَاتِي بِرَأْفَتِكَ قَبُولًا وَسَهْلًا إِلَيَّ

گدایی می‌کنم پروردگارا، آمال و آرزوهایم را مستجاب کن و به سوی خواسته‌هایم،

طَلِبَاتِي بِرَأْفَتِكَ وَصُورًا وَذَلَّلْ لِي قُطُوفَ ثَمَرَاتِ إِجَابَتِكَ تَذَلِيلًا.

راه وصلی باز کن و شاخه‌های میوه‌های اجابت خود، را برایم پایین بیاور،

إِلَهِي لَا رُكْنَ أَشَدُّ مِنْكَ فَأَوِي إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ وَقَدْ أَوَيْتُ إِلَيْكَ

خدایا، پایه‌ای محکمتر از تو نیست تا به آن پناه ببرم، من به تو پناه آورده‌ام و در برآورده

وَعَوَّلْتُ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي عَلَيْكَ وَلَا قَوْلَ أَشَدُّ مِنْ دُعَائِكَ فَاسْتَظْهِرْ

شدن نیازهایم به تو تکیه نموده‌ام. سخنی محکمتر از حرف تو نیست، آن را با قبولی

بِقَوْلِ سَدِيدٍ وَقَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي بِفَضْلِكَ كَمَا وَعَدْتَ

محکم برایم نشان بده، همان طور که خودت امر به دعا کردی، خود نیز با فضل خود

فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ إِلَّا أَنْ تُجِيبَ وَتَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ وَالنَّحِيبَ يَا

اجابت کن. آیا برای اجابت دعا بهانه‌ای غیر از گریه و فریاد بود، تا نکرده باشم؟

مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ وَيَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ رَبِّ انصُرْنِي

ای آنکه خدایی جز او نیست. ای کسی که دعای مضطربین را به هنگامی که دعا می‌کنند،

عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَافْتَحْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ وَالطُّفُّ بِي

مستجاب می‌کنی. پروردگارا، مرا در برابر ظالمان یاری کن و پیروز نما که تو بهترین پیروز

يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

کنندگانی و بر من و تمام مردان مؤمن و زنان مؤمنه لطف کن. با رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای هفتم

دعای امام زمان علیه السلام برای رفع گرفتاری و دفع شر دشمنان^۱

مرحوم شیخ صالح متقی وزاهد، نقل می‌کند که گرفتار مشکلات و دشمنی‌های فراوانی شدم. تا جایی که کشته شدن را در یک قدمی خودم دیدم. در این اوضاع بود که دعایی را در جیب خودم پیدا کردم. آنچه باعث تعجب من شد، این بود که کسی آن را به من نداده بود. از این رو متحیر شده بودم. تا اینکه در خواب شنیدم که شخصی در قیافه صالحان و زاهدان به من گفت: آن دعا را ما به تو عنایت کردیم. بخوان تا از این گرفتاری نجات پیدا کنی!

گوینده را نشناختم و تعجب بیشتر شد. یک بار دیگر هم حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدم. ایشان فرمودند: با دعایی که داده‌ایم، دعا کن. شیخ صالح نقل می‌کند که من بارها آن دعا را امتحان کردم و خیلی زود از گرفتاری‌ها رهایی یافتم. تا اینکه بعد از مدتی دعا را گم کردم. از این مسأله خیلی متأسف شدم و از گناهانی که ممکن بود، باعث سلب توفیق شده باشم، استغفار کردم. شخصی به خوابم آمد و گفت:

این دعایی که به دنبال آن هستی، در فلان جا افتاده است. آنچه که به خاطر دارم، آن است که به همان آدرس رفتم و دعا را برداشتم و سجده شکر به جای آوردم.

اما متن دعا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تُقْوِي بِهِ قُوَى الْكَلْبَةِ وَالْجُرْئِيَّةِ حَتَّى

خدایا، از تو امدادهای روحانی را درخواست می‌کنم. تا تمام قوای کلی و جزئی را تقویت نماید.

أَقْهَرَ عِبَادِي نَفْسِي كُلُّ نَفْسٍ قَاهِرَةٌ فَتَنْقَبِضَ لِي إِشَارَةٌ رَقَاتِهَا

تا جایی که روح من بر تمام ارواح قوی، غالب شود و یک اشاره کوچک من او را به شدت

انقباضاً تَسْقُطُ بِهِ قُوَاهَا حَتَّى يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارٌ

فشار دهد، به گونه‌ای که تمام قوایش از بین برود. تا آنجا که آتش غضب من، تمام موجودات

قَهْرِي قَدْ أَخْرَقَتْ ظُهُورَهُ يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ

صاحب روح عالم را بسوزاند. ای شدید، ای شدید، ای حمله کننده بسیار نیرومند و تند،

يَا قَهَّارُ أَسْأَلُكَ بِمَا أُوَدِّعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَانْفَعَلْتَ

ای غلبه کننده، از تو می‌خواهم به حرمت آن نامی که به عزرائیل آموختی تا تمام

لَهُ النَّفُوسُ بِالْقَهْرِ أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السِّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ حَتَّى

نفوس عالم در برابر او تسلیم شوند، آن سر را در همین لحظه به من بسپاری تا هر سخنی

أَلَيْنَ بِهِ كُلِّ صَغْبٍ وَأُذِلَّ بِهِ كُلِّ مَنِيْعٍ بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

در برابرم، نرم و هر غیر ممکنی برایم آسان گردد. با نیرویت، ای صاحب قدرت مستحکم،

این دعا را در صورت امکان سه بار به هنگام سحر، سه بار در

صبح و سه بار در شب بخوان.

در صورتی که مشکل خواننده دعا خیلی شدت بیابد، بعد از اینکه آن را خواند، سی بار این دعا را بخواند:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ اللُّطْفَ

ای رحمان وای رحیم، ای مهربان‌ترین مهربانان. از تو می‌خواهم که به هر چیزی که اندازه‌گیری‌ها

بِمَا جَرَّتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ.

در آن جاری می‌شود، اشراف پیدا کنی.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

دعای هشتم

دعای حضرت برای بیماری‌های سخت^۱

محمد بن علی بن بابویه صدوق^ع از اساتید قمی خودش نقل می‌کند که یکی از ایشان تعریف می‌کرد که به بیماری خاصی مبتلا شدم که راه‌های چاره را بر رویم بست. برایم خیلی سخت بود که خانواده و دوستان و برادرانم را در جریان آن بگذارم.

شب هنگام در حالی که از بیماریم غنگین بودم، خوابیدم. در خواب مردی خوش سیما با پوششی جالب و بوی خوش دیدم. خیال کردم که او یکی از استادان قمی من هست که خدمت ایشان روایت می‌خواندم. با خودم گفتم: تا کی باید این بیماری و غم و اندوه را از همه پنهان کنم. این آقا هم از اساتید بزرگوار ما است. بنابراین بهتر است که مشکلم را به او بگویم. شاید گشایشی حاصل شود.

قبل از اینکه من زبان به سخن باز کنم، او گفت: همان عملی را که همیشه انجام می‌دادی، انجام بده و به امام زمانت متوسل شو؛ زیرا او پناهگاه تو و بهترین کمک برای دوستان مؤمن خویش است. بعد دستم را گرفت و آن را با کف دست راستش مسح کرد و گفت: او را زیارت کن و بخواه که برای حاجت تو نزد خدا شفاعت کند.

عرض کردم: هر زیارت و عملی که مورد نظرتان است، یاد بدهید؛ زیرا این بیماری همه چیز را از یادم برده است.

نفس بلندی کشید و گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَسِينَهُ مَرَا بَا
دستش مسح کرد و گفت: خدا تو را کفایت می‌کند، نگران نباش.

وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان، به این ترتیب که:
در رکعت اول بعد از حمد، سوره اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا «فتح»
در رکعت دوم بعد از حمد، سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ «نصر»
بلند شو و در زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ

سلام کامل فراگیر عمومی و صلوات دائمی و برکات پایدار خدا بر حجت

الْقَائِمَةِ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ

خدا و ولی او بر روی زمین و در شهرها و جانشین او در میان خلق

وَعِبَادِهِ سُلَالَةِ النُّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ وَالصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ

و بندگانش. او که از نسل نبوت و باقی مانده عترت و صاحب زمان و مظهر

و مظهرِ الْإِيمَانِ وَمُعْلِنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ

ایمان و آشکار کننده احکام قرآن و پاک کننده زمین و گسترش دهنده عدالت

الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ وَالْعَرْضِ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَالْإِمَامِ

در طول و عرض زمین است. او که حجت قیام کننده و امام مورد انتظار

الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الطَّاهِرِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ أَوْلَادِ

ومورد رضایت و پاک، فرزند ائمه طاهرين، جانشين اولاد جانشينان خدا

الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ.

که مورد رضای خدا، هدایتگر معصوم و فرزند هدایتگران معصوم است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای امام مسلمانان و مؤمنان سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و امانتدار

يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدِعِ حِكْمَةِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

حکمت جانشینان انبیاء. سلام بر تو ای مصونیت دین خدا. سلام بر تو ای

يَا عِضْمَةَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ

عزت بخش مؤمنین مستضعف. سلام بر تو ای ذلیل کننده کافرین متکبر و ظالم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای مولای من، ای صاحب زمان، ای فرزند امیرمؤمنان و فاطمه!

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

سرور زنان عالم. سلام بر تو ای فرزند امامانی که حجتهای خدا در میان بندگان

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا ابْنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ عَلَى

بودند. سلام بر تو ای مولای من، سلام کسی که در ولایت شما خالص شده است.

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوَلَاءِ.

شهادت زبانی و عملی می‌دهم که تو امام هدایت شده‌ای و تو همان کسی هستی که

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا

زمین را پر از عدل و داد می‌کنی. خداوند در فرجت تعجیل کند و قیامت را آسان

وَعَدْلًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَقَرَّبَ زَمَانَكَ وَأَكْثَرَ أَنْصَارَكَ

گرداند و زمان ظهور را نزدیک و یارانت را فراوان و وعده خدایت را محقق گرداند؛

وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ لَكَ مَوْعِدَكَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

زیرا او راستگوترین صادقان است و فرموده است: (از راه کرده‌ایم بر کسانی که بر روی

عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ.

زمین تضعیف شده‌اند، عنایت کنیم و آنها را امامان روی زمین و وارثان آن قرار دهیم.)

يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا - حاجت‌هایش را می‌گوید - فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا.

ای مولای من حاجت من فلان و فلان است. - حاجت‌هایش را می‌گوید -^۱ در نجات از آنها مرا شفاعت کن.

در ادامه هر چه که بخواهی، بخواه.

نقل می‌کند که از خواب بیدار شدم. یقین به راحتی و گشایش وجودم را فرا گرفته بود. هنوز وقت زیادی تا صبح باقی بود. با سرعت بلند شدم و هر آنچه را که یاد گرفته بودم، نوشتم تا نکند که

۱. در این موارد، شخص خواسته‌های خود را به هر زبانی که باشد، به زبان می‌آورد و دعا را ادامه می‌دهد.

از یادم برود. وضو گرفتم وزیر آسمان رفتم. دو رکعت نماز را، همان طور که دستور داده بود، با حضور قلب و حوصله کامل خواندم. وقتی که نماز را خواندم بلند شدم و رو به قبله ایستادم و امام علیه السلام را زیارت کردم و در آخر حاجتم را عرضه کردم و از ایشان یاری طلبیدم. بعد سجده شکر کردم و آن را با دعا طول دادم. آن قدر طول دادم که کم مانده بود نماز شب را قضا بکنم. بعد از آن بلند شدم و نماز شب و بعد نماز صبح را خواندم و در محراب نماز نشستم و دعا خواندم. به خدا قسم که هنوز خورشید در نیامده بود که بیماریم درست شد و هیچ وقت عود نکرد و هیچ کس تا امروز نفهمید که من به چه بیماری در دنیاکی مبتلا شده بودم. نعمت از خداست و ثنای فراوان شنایسته خداست.

دعای نهم

دعای امام زمان جهت گشایش و برطرف شدن خطرها^۱

از ابو الحسین بن ابی البغل کاتب نقل شده است که مدتی در خدمت ابی منصور بن صالحان بودم و برای او کار می‌کردم. تا اینکه اتفاقی افتاد و باعث ایجاد کدورت میان ما شد. من از ترس جانم، خود را از او پنهان کردم. او افرادی را نزد من فرستاد و مرا ترسانید.

با وجودی پر از ترس به حرم ائمه کاظمین پناهنده شدم. شب جمعه بود. تصمیم گرفتم که شب را در آنجا بمانم و مناجات کنم. شب بارانی و طوفانی بود. از ابو جعفر که خادم حرم بود، درخواست کردم تا درها را ببندد و مرا در خلوت رها کند. تا با خیال آسوده مناجات کنم و ترس کسی را نداشته باشم. درها را بست. شب از نصف گذشت و باد و باران مردم را از آمدن به حرم منصرف کرد. در آنجا ماندم و به دعا و نماز و زیارت مشغول شدم. ناگهان صدای پایی را شنیدم. مردی در حال زیارت امام موسی کاظم علیه السلام بود. به آدم و انبیای اولوالعزم سلام کرد. بعد از آن به تک ائمه علیهم السلام سلام کرد. تا اینکه به صاحب الزمان رسید و آن را ذکر نکرد. با خودم گفتم شاید از یادش رفته و یا اعتقادی به ایشان ندارد.

۱. بحار الأنوار / ج ۵۱ / ص ۲۰۲ / باب ۱۵ - ما ظهر من معجزاته؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۶

ص ۱۹ / ۲۰۸ - باب استحباب الصلاة؛ فرج المهموم / ص ۲۲۵.

وقتی که زیارت را تمام کرد، دو رکعت نماز خواند و به طرف من آمد و امام محمد تقی علیه السلام را مانند امام کاظم علیه السلام، زیارت کرد. من از او می ترسیدم؛ زیرا او را نمی شناختم. او جوانی خوش اندام بود. لباس سفید و عمامه ای با تحت الحنک و عبا به تن داشت.

بعد از اینکه زیارت را تمام کرد، به من گفت: ای ابوالحسین چرا دعای گشایش را نمی خوانی؟

عرض کردم: آن دعا کدام است؟!؟

فرمود: دو رکعت نماز بخوان و بگو:



يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ

ای کسی که زیبایی را آشکار و بدی را می پوشانی. ای کسی که به خاطر گناهان نمی گیری

السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

و آبرویمان را نمی بری. ای صاحب نعمت عظیم و گذشت بزرگوارانه، ای صاحب

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى وَيَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى

مغفرت وسیع وای دستان باز رحمت، ای منتهای هر مناجات وای نهایت هر شکایت

يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ يَا مُبْتَدَأَ الْبَالِنِعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا

وای یاور هر یاری خواه وای آغازگر نعمت ها قبل از استحقاق آنها.

ده بار: يَا رَبَّاهُ

ده بار: يَا سَيِّدَاهُ

ده بار: يَا مَوْلَانَاهُ

ده بار: يَا غَايَتَانَاهُ

ده بار: يَا مُنْتَهَى غَايَةِ رَغْبَتَانَاهُ

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عليهم السلام إِلَّا

از تو می‌خواهم به حق این نام‌های مقدس و به حق محمد و خاندان پاکش علیهم السلام تا گرفتاریم

مَا كَشَفْتَ كَرْبِي وَنَفْسِي هَمِّي وَفَرَجْتَ غَمِّي وَأَصْلَحْتَ حَالِي

را برطرف کنی و اندوه و غم را از میان برداری و حال و روزم را اصلاح کنی.

وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ مَا شِئْتَ وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ

بعد نیازهای خودت را به زبان می‌آوری.

بعد از آن، گونه راستت را روی زمین می‌گذاری و صد بار می‌گویی:

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ الْكُفْيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَأَنْصُرَانِي
فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ»

سپس گونه چپت را روی زمین می‌گذاری و صد بار می‌گویی:

«أَذْرِكُنِي» حتی سعی کن آن را بیشتر از صدبار بگویی.

یک نفس تمام هم «الْعَوْثُ الْعَوْثُ الْعَوْثُ» می‌گویی و سرت را

برمی‌داری. خداوند با لطف خود مشکلات را برطرف می‌کند.

وقتی که به نماز و دعا مشغول شدم، رفته بود. بعد از نماز و دعایی که یادم داده بود، پیش ابو جعفر خادم حرم رفتم تا درباره او سؤال کنم که او چگونه وارد شده است. اما دیدم که همه درها قفل هستند. تعجب کردم. با خودم گفتم شاید او هم مثل من قبل از قفل شدن درها آمده و در اینجا مانده است. وقتی که به ابو جعفر رسیدم، او از اتاق بیرون آمد. درباره آن مرد و چگونگی وارد شدنش سؤال کردم. گفت: همان طور که می بینی همه درها بسته است و من در را برای کسی باز نکرده‌ام! همه ماجرا را برایش نقل کردم. گفت: این آقا، امام زمانان است. من بارها ایشان را دیده‌ام که در همچو شب‌های خلوتی برای زیارت تشریف آورده است. من از اینکه ایشان را به موقع نشناخته بودم، خیلی متأسف شدم. نزدیک فجر بود به طرف کرخ به راه افتادم. به همان جایی که خود را پنهان می‌کردم، رفتم. هنوز خورشید کامل درنیامده بود که اصحاب ابن صالحان دنبال من می‌گشتند و مرا از دوستانم می‌پرسیدند. آنها امان نامه‌ای از وزیر به همراه داشتند. که در آن کلی مطالب دلنشین نوشته شده بود. با چند نفر از دوستان مورد اعتمادم پیش او رفتیم. مرا احترام کرد و طوری تحویل گرفت که تا به آن روز بی سابقه بود.

بعد از آن گفت: کارت به جایی رسیده است که از دست من خدمت امام زمان علیه السلام شکایت می‌کنی. گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، امشب آن حضرت را در خواب دیدم. یعنی

شب جمعه، او به من دستور داد که در مورد تو هر کار خوبی که بتوانم انجام دهم و مرا در این مورد تهدید کرد. گفتم: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شهادت می‌دهم که آنها برحق هستند و نهایت آن می‌باشند. من هم امشب در بیداری مولایمان را دیدم. فلان چیزها را به من گفت. همه تعجب کردند. وزیر از آن به بعد کارهای خوبی انجام داد و به واسطه او، خیراتی به من رسید که هیچگاه به فکر نمی‌رسید. همه از برکت امام زمان علیه السلام بود.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

دعاهای صادر شده جهت ارتباط با امام زمان علیه السلام

دعای اول

نامه امام زمان علیه السلام درباره چگونگی زیارت آل یاسین^۱

حمیری رحمته الله نقل می‌کند که بعد از مسائل فقهی که از حضرت سؤال

می‌کردم، نامه‌ای صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

نه درباره اراده خدا اندیشه می‌کنید و نه مطیع اولیای او
هستید! «حکمتی که ابلاغ شده است. اما انذارها
و ترساندن‌ها - برای کسانی که اهل ایمان آوردن نیستند -
سودی ندارد.»^۲ سلام خدا بر ما و تمام بندگان صالح خدا
هر وقت که خواستید با توسل به ما به خدا و ما توجه کنید،
همان طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید:

سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِینَ

سلام بر خاندان یاسین^۱

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

سلام بر تو ای جانشین و فرستاده خدا و مفسر آیات او. سلام بر تو ای دروازه علم الهی

وَدَيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ

واقامه کننده دینش. سلام بر تو ای جانشین خدا و یاریگر حقش. سلام بر تو

يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ

ای حجّت خدا و راهنمای مقاصد او. سلام بر تو ای امتداد کتاب خدا و مفسر آن

السَّلَامُ عَلَیْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای خدا بر روی زمین

فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ السَّلَامُ

سلام بر تو ای عهد و پیمان الهی که گرفته و محکم کرده است. سلام بر تو ای وعده

عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ

تضمینی خدا. سلام بر تو ای علم و پرچم نصب شده. سلام بر تو ای علم مرشار

۱. در روایات متعددی تصریح شده است که پس نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خاندانش نیز

ائمه اطهار علیهم السلام هستند. مانند روایت ذیل:

بإشنادیه عن سُلَيْمَانَ بْنِ قَيْسِ الْعَمَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا رضی الله عنه يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَسُ وَنَحْنُ آلُهُ.

بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۸۶-باب ۶، أسماؤه علیهم السلام ومعنى كونه صلى الله عليه وآله....

وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدُوٌّ غَيْرُ مَكْذُوبٍ.

ویاری کننده و رحمت واسعة الهی و وعدهای که دروغ نخواهد بود.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

سلام بر تو، زمانی که بلند می‌شوی و می‌نشینی. سلام بر تو، زمانی که می‌خوانی

تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

و یا سخن می‌گویی. سلام بر تو، زمانی که نماز می‌خوانی و قنوت می‌گیری. سلام بر تو،

تُزَكِعُ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَسْتَغْفِرُ وَتَحْمَدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

زمانی که رکوع می‌کنی و به سجده می‌روی. سلام بر تو زمانی که استغفار می‌کنی.

تُكَبِّرُ وَتُهَلِّلُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي

سلام بر تو زمانی که الله اکبر و لا اله الا الله می‌گویی. سلام بر تو، زمانی که صبح و یا شب

اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ

می‌کنی. سلام بر تو، در شب تاریک. سلام بر تو، در روز روشن. سلام بر تو ای امام

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ

حفاظت شده. سلام بر تو ای امام پیشرو و آرزو شده. سلام بر تو با کاملترین سلام‌ها.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

مولای من، تو را شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم خدایی جز الله نیست. او که یگانه

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَيِّبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهَدُكَ أَنْ

و بدون شریک است و محمد بنده و رسول او است و دوستی غیر از او و خاندانش وجود ندارد.

عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ

تو را شاهد می‌گیرم که علی امیر مؤمنان و حجّت خداست، و حسن حجّت خداست، حسین نیز حجّت

بَنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ

اوست، علی بن حسین نیز حجّت اوست، محمد بن علی نیز حجّت اوست، جعفر بن محمد نیز

وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

حجّت اوست، موسی بن جعفر نیز حجّت اوست، علی بن موسی نیز حجّت اوست، محمد بن علی

حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

نیز حجّت اوست، علی بن محمد نیز حجّت اوست، حسن بن علی نیز حجّت اوست، شهادت

حُجَّةَ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقَّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ

می‌دهم که تو نیز حجّت خدا هستی، شما آغاز و پایان عبودیت و امامت هستید و رجعت

لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا

شما بی‌شک حقیقت دارد و آن، روزی است که اگر کسی قبلاً ایمان نیاورده باشد، ایمان

خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ

آوردن در آن، فایده‌ای ندارد.^۱ مرگ حق است، ناکر و نکیر حق است، شهادت می‌دهم که

۱. زیرا رجعت ائمه، بزرگترین عذاب الهی برای سرکشان است و سنت خدا بر آن است که

حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ

رستاخیز حق است. صراط حق است. ترازوی اعمال و محاسبه آنها حق است. بهشت و دوزخ

وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيًّا مَنْ خَالَفَكُمُ وَسَعِدَ

حق است. وعده و وعیدهای خدا حق است. مولای من بدبخت کسی است که از شما سرپیچی نمود

مَنْ أَطَاعَكُمْ. فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ

و سعادت مند کسی است که از شما اطاعت کرد. بر آنچه که شهادت دادم، شاهد باش. من دوست شما هستم

مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ

و از دشمنانتان بیزارم. حق همان چیزی است که از آن رضایت دارید. باطل آن چیزی است که از آن

مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَخَدَهُ

غضبتانکند. خوبی همان است که شما امر کرده اید و منکر همان است که از آن نهی کرده اید. روح و جانم

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيكُمْ

به وحدانیت خدای یگانه بدون شریک و فرستاده او و امیرالمؤمنین و به همه شما از ازل تا آخرتان،

< تا حد امکان به بندگان سرکش خود مهلت می دهد. اما اگر باز نگشندند، آنها را به بدترین

شکل ممکن عذاب می کند و بعد از نزول عذاب، توبه آنها را نمی پذیرد. همان طور که

وقتی فرعون غرق شد، خداوند توبه او را نپذیرفت. البته نکته قابل تامل آن است که این

نوع توبه ها فقط برای فرار از عذاب دنیوی است. به همین جهت اگر این افراد دوباره

فرصت پیدا کنند، عهد و پیمان خود را می شکنند. همان طور که خداوند در قرآن

می فرماید که فرعون و خاندان او به نُه بلا گرفتار شدند و هر بار با وعده توبه... بلا از

آنها برداشته شد. اما دوباره توبه را شکستند.

وَأَخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ

ایمان دارد. یاری من برای شما آماده شده است و دوستیم در شما خالص گردیده است. آمین آمین



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دعای دوم

دعای بعد از زیارت آل یاسین^۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ

خدایا، با یافشاری درخواست می‌کنم که بر محمد پیامبر رحمت و مجموعه نورت درود

نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ

فرست و قلبم را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان و فکرم را از نور نیت‌های خیر و اراده‌ام

النِّيَّاتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ

را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور شناخت‌هایی

وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ

که از توست و چشمانم را از نور بینایی و گوش‌هایم را از نور حکمت و دوستی و علائقم را از

الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام حَتَّى أَلْقَاكَ

نور محبت محمد و خاندانش علیهم السلام لبریز و مالا مال گردانی. مرا به گونه‌ای کن که وقتی تو را ملاقات

وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتَسْعِنِي رَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ.

می‌کنم، به عهد خود وفا کرده باشم و در رحمت گسترده‌ات وارد شوم، ای سرپرست وای ستوده.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ

خدایا، بر محمد^۲ که حجت تو بر روی زمین و جانشین تو در مناطق توست؛ او که مردم را

۱. مدرک پیشین.

۲. مقصود از محمد در این بخش از دعا، خود حضرت صاحب الزمان می‌باشد.

وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ

به راه تو دعوت کرده و عدل تو را برپا می‌کند و به او امرت عمل می‌نماید، دوست مؤمنین

وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ

و درهم گویند؛ کافرین و روشنی‌بخش ظلمت‌ها و حقایق، و بیانگر صادقانه حکمت

وَالصِّدْقِ وَكَلِمَتِكَ الثَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ

و مخلوق کامل و برتر در زمین تو، مراقب ترسان و ولی دلسوز و کشتی نجات

النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَعَلَمِ الْهُدَى وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَخَيْرِ

و پرچم هدایت و نور چشمان دیگران و بهترین کسی که لباس و پیراهن پوشید

مَنْ تَقَمَّصَ وَازْتَدَى وَمُجَلِّي الْغَمَاءِ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا

و روشنی‌بخش تاریکی‌ها که زمین را پر از عدل و داد کند. همان طور که قبل از آن

وَقِسْطًا كَمَا مُلِثْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

از ظلم و جور پر شده است. سلام بفرست زیرا تو بر هر چیزی توانایی داری.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ

خدایا، بر جانشین و فرزندان جانشینت، کسانی که اطاعتشان را واجب کردی و حقتشان را لازم

حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا: اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ

دانستی و پلیدی را از آنها دور کردی و آنها را پاک گرداندی، درود فرست. خدایا، او را یاری کن

بِهِ لِدِينِكَ وَأَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

و به واسطه او از دین خود حمایت کن و به یاری اولیا و شیعیانش، بفرست و ما را از آنها قرار بده.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ

خدایا او را از شر ظالمان و سرکشان و تمام مخلوقات، پناه بده و از تمام جوانب او را

بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ

حفظ کن. مراقبت کن تا هیچ نوع بدی به او نرسد و در وجود او فرستاده خود و خاندانش

يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ

را حفظ کن و عدل را با او آشکار کن و با امدادهای خود یاریش کن و یارانش را پیروز

وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ

گردان و دشمنانش را خوار ساز. خدایا به دست او طغیانگران کفر را در هم بکوب و کفار

الْكُفْرِ وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ

و منافقین و تمام منکرین را هلاک کن. چه در بخشهای شرقی زمین باشند و چه در بخشهای

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَظْهِرْ

غربی آن، چه در خشکی و چه در دریا باشند و زمین را از برکت او و از عدل و داد پر کن

بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْأَنْصَارِ وَأَعْوَانِهِ

و دین پیامبرت را غالب گردان. خدایا مرا از یاران و شیعیان و پیروی کنندگان او قرار

وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرْبِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام مَا يَأْمَلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ

بده و خاندان محمد را به تمام آرزوهایشان برسان و دشمنانشان را به آنچه از آن می‌ترسند، مبتلا

مَا يَخْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ. آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

کن، ای معبود حق دعایم را بپذیر، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای مهربان‌ترین مهربانان.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

دعای سوم

زیارت آل یاسین با نقلی دیگر^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نه در اراده خدا اندیشه می‌کنید و نه از اولیا و جانشینانش اطاعت می‌نمایید. «آیات الهی حکمت‌هایی است که ابلاغ شده است. اما آیات و ترساندن‌ها برای کسانی که اهل ایمان نیستند، سودی ندارد.» و سلام خدا بر ما و بندگان صالحش. زمانی که خواستید با توسل به من به خدا و ما اهل بیت، توجه پیدا کنید، همان‌طور که خدا فرموده است، شما نیز بگویید:^۲

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی
سلام بر خاندان یاسین

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ

نبوت و امامت همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که او را به راه

الْمُسْتَقِيمِ التَّوَجُّهُ..

راست هدایت کند. اما توجه:

۱. بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۳۶ / باب ۲۸ - الاستشفاع بمحمد وآل محمد عليهم السلام.

۲. اگر چه این زیارت نیز مانند قبلی زیارت آل یاسین نام دارد و این زیارت تنها یکبار از آن حضرت صادر شده است اما به صورت متفاوت از حمیری رضی الله عنه نقل شده است. که ما به جهت ارائه زیارت، هر دو را می‌آوریم.

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ وَعَلَّمَ مَجَارِي أَمْرِهِ فِيمَا قَضَاهُ

ای آل یاسین خداوند خلافتش را به شما داد و کیفیت جریان اراده خودش را در مورد

وَدَبْرَهُ وَرَزَيْتَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ وَأَتَتْكُمْ

قضا و قدر و اراده‌ای که در ملکوت آسمان‌ها دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما

خَزَنَتَهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمَنَّاؤُهُ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَزْكَانُ الْبِلَادِ

برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان و عالمان و امینان و رهبران و پایه‌های مناطق

وَقُضَاةَ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَمَنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاحِ الْعَطَاءِ بِكُمْ

و قاضیان احکام و درهای ایمان هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که

إِنْفَادَهُ مَخْتُوماً مَقْرُوناً فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ

به صورت حتمی و قطعی حکم کرد در نتیجه هیچ چیزی از خدا نیست، مگر اینکه شما واسطه

السَّبِيلِ خِيَارُهُ لَوْلِيَتِكُمْ نِعْمَةٌ وَإِنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخِطَةٌ فَلَا نَجَاةَ

و راه وصول به آن هستید. خداوند برای دوستانان نعمت و برای دشمنان غضب را برگزیده است.

وَلَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ وَحَمَلَةَ

بنابراین نجات و پناهی غیر از شما وجود ندارد و جای فراری از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا

مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَأَنْتَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ

و حامل معرفت و محل استغرا توحید در زمین و آسمان و تو ای حجت و باقی مانده اولیای الهی.

كَمَالُ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبُ

کمال نعمت او و وارث انبیا و جانشینان او تا به امروز، ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی،

الرَّجْعَةَ لَوْعَدِ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَحُنَا وَنَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا.

که دولت حق و شادی و نصرت خدا و عزت او در آن روز، بر ما تجلی خواهد یافت، سلام بر تو.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغُوثُ

سلام بر تو ای پرچم برافراشته و یاریگر و رحمت واسعه، ای وعده راستین خدا، سلام بر تو

وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ صَاحِبَ الْمَرَأَى

ای بینا و شنوایی که پیمانهایت در برابر دیدگان خدا و عهدهایت در دستان خداست

وَالْمَسْمَعِ الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَاقِفُهُ وَبِيَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ

و سلطنتت یا قدرت خدا محقق می‌شود. تو آن بردباری هستی که تعصبات او را به عجله

سُلْطَانُهُ أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصِيَّةُ وَالْكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبَخِّلُهُ

نمی‌اندازد و تو بزرگواری هستی که ثبت و ضبط مسائل او را به بخل و نمی‌دارد تو آن

الْحَفِيظَةُ وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ مُجَاهَدَتُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ مَسِيَّةِ اللَّهِ

عالمی هستی که تعصبات کور او را به کارهای نادرست مبتلا نمی‌کند. تلاش تو در راه

وَمَقَارَعَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انتِقَامِ اللَّهِ وَصَبْرِكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاةِ اللَّهِ وَشُكْرِكَ لِلَّهِ

خدا همان خواسته خداست. کشتن تو در راه خدا، عین انتقام خداست و صبر تو در راه

ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ

خدا عین فرصت دادن خداست. شکر تو همان زیاد کردن خداست. سلام بر تو ای آنکه

وَيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ يَا مَجْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ نُورُ سَمْعِهِ

نور مقابل، پشت و راست و چپ و پایین و بالایش با اراده خدا، محفوظ است. ای کسی

وَبَصَرِهِ وَيَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ

که نور گوش و چشمش در قلعه قدرت خدا، مصون است. ای وعده‌ای که خدا ضمانت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ

کرده است. ای پیمانی که خدا آن را محکم کرده است. سلام بر تو ای فرستاده خدا و مفسر

وَدَيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

آیات الهی. سلام بر تو ای در رحمت خدا و نگهبان دین او. سلام بر تو ای جانشین خدا

يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ

و یاریگر حق او. سلام بر تو ای حجت خدا و راهنمای مقاصد او. سلام بر تو ای امتداد بخش قرآن

عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

و مفسر آن. سلام بر تو در ساعات شب و روز. سلام بر تو ای باقی مانده اولیای الهی بر روی زمین.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که بلند می‌شوی. سلام بر تو آنگاه که می‌نشینی. سلام بر تو آنگاه که

حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

می‌خوانی و توضیح می‌دهی. سلام بر تو، زمانی که نماز وقتوت می‌خوانی. سلام بر تو،

حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُوذُ وَتُسَبِّحُ السَّلَامُ

زمانی که رکوع می‌کنی و به سجده می‌افتی. سلام بر تو هنگامی که به خدا پناه می‌بری و خدا را

عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ

تسبیح می‌گویی. سلام بر تو، زمانی که اقرار به یگانگی می‌کنی و تکبیر می‌گویی. سلام بر تو، زمانی

عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِّي وَتُصْبِحُ السَّلَامُ

که حمد و استغفار می‌کنی. سلام بر تو هنگامی که خدا را تمجید و حمد می‌کنی. سلام بر تو، زمانی

عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى السَّلَامُ

که شب و یا صبح می‌کنی. سلام بر تو در تاریکی شب و روشنایی روز. سلام بر تو در دنیا و آخرت.

عَلَيْكُمْ يَا حُجَّجَ اللَّهِ وَرُعَاتَنَا وَهُدَاتَنَا وَدُعَاتَنَا وَقَادَتَنَا وَأَيْمَتَنَا وَسَادَتَنَا

سلام بر همه شما ای حجّت‌های خدا، ای مراقبان و هادیان و دعوت‌کنندگان و رهبران و امامان

وَمَوَالِينَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا

و سروران و مولا‌های ما، سلام بر شما که نور ما در ظلمتید. شما که عظمت ما در هنگام نماز هستید.

وَعِظْمَتُنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا.

شما که باعث مصونیت ما در هنگام دعا، نماز، روزه و استغفار و سایر اعمالمان هستید.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

سلام بر تو ای امام امان داده شده. سلام بر تو ای امام

الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

پیشرو و آرزو شده. سلام بر تو با کاملترین سلامها.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ

مولايم تو را شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم، خدایی جز الله نیست. او یگانه،

لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَنَّ

یکتا و تنهاست و شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده او است و حبیبی جز او

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَأَنَّ

و خاندانش نیست و امیرالمؤمنین، حسن، حسین.

عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ

علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد.

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ

موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی.

وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَأَنَّ الْحَسَنَ

علی بن محمد، حسن بن علی همه و همه حجّت‌های خدا هستند

بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَنْتَ حُجَّتُهُ وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةٌ وَهُدَاةٌ رُشِدِكُمْ أَنْتُمْ

و تو نیز حجت خدا هستی و انبیاء به هدایت شما، دعوت و راهنمایی می‌کردند.

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ

شما اول و آخر و خاتمه بخش هدایت هستید. همین طور شهادت می‌دهم که رجعت شما حق است

نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْراً وَأَنَّ

و شکی در آن نیست. روزی که ایمان آوردن در آن، سودی ندارد. اگر قبلاً ایمان نیاورده باشد

الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ نَاكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ وَأَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ

و عمل صالحی مطابق ایمانش انجام ندهد. شهادت می‌دهم که مرگ و ناکر و نکیر و رستاخیز حق هستند.

وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَأَنَّ الْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ

صراط و مرصاد^۱ حق است. ترازوی اعمال و محاسبه آنها حق هستند. بهشت و دوزخ و جزای به آن دو

الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ حَقٌّ وَأَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَةِ

بر اساس وعدهها و وعیدها حق است. شهادت می‌دهم که شما حق شفاعت دارید و شفاعتان رد نمی‌شود.

۱. مرصاد در لغت به معنای کمینگاه است. که در قرآن از آن یاد شده است.

«إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ»؛ همانا پروردگارت در کمینگاه، منتظر ظالمان است. (فجر / ۱۴).

در روایتی از امام صادق علیه السلام، مرصاد، به بخشی از پل صراط تفسیر شده است که خداوند در کمین ظالمان است و به آنها اجازه عبور نمی‌دهد و آنها از آن نقطه به جهنم پرت می‌شوند.

عَنْ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ غَالِبِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمْرٍو ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ قَالَ قَطْرَةٌ عَلَى الصِّرَاطِ لَا يَجُوزُهَا عَبْدٌ بِمُظْلَمَةٍ... الكافي، ج ۲ / ص ۲۳۱ - باب الظلم.

حَقَّ لَا تُرَدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ مَشِيئَةَ اللَّهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ

البته شما نیز از خواسته خدا سبقت نمی‌گیرید و بر طبق آن عمل می‌کنید. شهادت می‌دهم که رحمت

وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى وَحُجَّةُ اللَّهِ الْعُظْمَى خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ

و بالاترین توصیفات برای خداست و خوبی‌ها و حجت‌های عظیم الهی، در دست اوست. او که جن و انس را

لِعِبَادَتِهِ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ قَدْ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكُمْ

برای عبادتش آفرید و از بندگانش چیزی غیر از عبادت نخواسته است. پس عده‌ای بدبخت و برخی سعادتمند شدند.

وَسَعِيدٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ تَخْزُنُهُ

مخالفتان، بدبخت و مطیعان، سعادتمند است. مولای من، به آنچه که تو را بر آن شاهد گرفتم.

وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ أَمُوتُ عَلَيْهِ وَأَنْشُرُ عَلَيْهِ وَأَقِفُ بِهِ وَلِيًّا لَكَ بَرِيئاً

شهادت بده و آن را نزد خود نگهدار تا بر آن عقابد بمیرم و با آنها بیاخیزم و با آن بایستم. من شما را دوست دارم

مِنْ عَدُوِّكَ مَا قَاتَا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَادًّا لِمَنْ أَحَبَّكُمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ

و از دشمنانتان بیزارم، دشمن کسی که شما را دشمن دارد و دوست کسی که شما را دوست داشته باشد، حتم، حق

وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ

آن است که از آن راضی باشید و باطل آن است که بر آن غضب کنید. خوب آن است که به آن امر کنید.

وَالْقَضَاءُ الْمُثْبِتُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مَشِيئَتِكُمْ وَالْمَمْحُوءُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ

بد آن است که از آن نهی کنید. قضای حتمی آن است که طبق خواسته شما باشد و قضای تغییر یافته

سُئْتُمْ فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

آن است که خواسته شما نباشد. پس خدایی غیر از الله نیست او یگانه و یکتاست و شریکی ندارد.

عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ

محمد بنده و فرستاده او، علی امیرالمؤمنین، حسن، حسین، علی،

مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ مُوسَى حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ

محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و تو همگی

حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ أَنْتَ حُجَّتُهُ أَنْتُمْ حُجَّتُهُ وَبَرَاهِينُهُ أَنَا يَا مَوْلَايَ

حجّت‌های خدا هستید. مولایم! من از معامله‌ای که خدا با مجاهدان

مُسْتَبَشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطِهِ قِتَالاً فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ

راه خود انجام داده و در آن جان‌های مؤمنین را خریداری کرده است.

أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَرَسُولُهُ

خوشحالم! زیرا جان من به خدای واحدی که شریکی ندارد، به فرستاده او

وَيَأْمُرُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ

و امیرالمؤمنین و به همه شما ایمان دارد. مولایم! من به همه شما، از اول تا آخرتان

وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ وَبَرَاءَتِي مِنْ أَعْدَانِكُمْ أَهْلِ الْحَرَدَةِ وَالْجِدَالِ

ایمان دارم و یاری‌ام را برایتان مها و دوستیم را خالص و بی‌زاری از دشمنانتان را برای قیامت، آماده کرده‌ام

ثَابِتَةٌ لِثَارِكُمْ أَنَا وَلِيِّ وَحِيدٌ وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ آمِينَ

و دوست یگانه شما هستم و الله معبود حق است. خداوند مرا همان طور که گفتم قرار دهد. آمین آمین.

آمِينَ مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دَنْتَ وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ تَحْرُسُنِي فِيمَا

مولايم! من در اتفاقی که نزدیک شده است، کسی غیر از تو را ندارم و از تو می‌خواهم که مرا در آن، مصونیت بخشی.

تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِرَّهُ وَبَرَكَتَهُ أَغْنِي أَدْنِي أَغْنِي

مرا در کارهایی که به تو نزدیک می‌کند، نگهداری‌های محافظ خدا و پوشش و برکت او، به فریادم برس و به من نزدیک

أَذْرِكُنِي صِلِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرَّبِي

شو و مرا دریاب. مرا با خود متصل کن و جدا نکن. خدایا، به واسطه آنها به تو متوسل می‌شوم و تقرب می‌جویم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ بِيهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي بِحُجَّتِكَ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و به خاطر آنها با من مرتبط باش و از من جدا نشو.

وَاعْصِمْنِي وَسَلَامُكَ عَلَيَّ أَلِيسَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ

به حرمت حجتت مرا مصونیت بخش و سلام و درودت بر خاندان یاسین، مولايم تو سربلندی من نزد

رَبِّكَ وَرَبِّي إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

خدایی هستی که پروردگار من و تو است، تو ستوده و شریف هستی.

دعای چهارم

دعای بعد از زیارت آل یاسین^۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ كَلِمِكَ فَاسْتَقَرَّ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ

خدایا از تو می‌خواهم با آن نامی که آن را از همه وجود خودت آفریدی و از این رودر وجود خودت

مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا يَا كَيُّنُونُ يَا مَكُونُ يَا مُتَعَالُ يَا مُتَقَدِّسُ يَا

مستقر شده است و از وجودت به چیز دیگری خارج نمی‌شود. ای وجود محض و تام. ای پنهان،

مُتَرَاحِمُ يَا مُتَرَتِّفُ يَا مُتَحَنِّنُ أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

ای متعالی، ای مقدس و پاک، ای رحم کننده، ای دلسوز، ای مهربان، از تو می‌خواهم همان طور که

مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَوَالِدِ هُدَاةٍ رَحْمَتِكَ وَأَمْلَأْ قَلْبِي نُورَ

نامت را در یک چشم بهم زدن آفریدی، بر محمد پیامبر رحمت و وجود نورانی و پدر هادیان رحمت

الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ وَعِزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ

درو در فرستی و قلبم را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان و فکرم را از نور ثبات قدم و اراده‌ام

وَذِكَايِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي

را از نور توفیق و هوشم را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور صداقت و دینم را

نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ

از نور بصیرت و معرفت و چشمم را از نور بینایی و گوشم را از نور حکمت و محبتم را از نور

وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام وَيَقِينِي قُوَّةَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ

دوستی محمد و خاندانش، سرشار کنی. یقینم را از نیروی یزاری از دشمنان محمد و خاندانش بر نما،

مُحَمَّدٍ وَأَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى أُلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ

تا تو را در حالی ملاقات کنم که به عهد تو و پیمانم عمل و به فیض رحمت رسیده‌ام. ای ولی و ستوده،

فَيَسِّعْنِي رَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّيْ يَا حَمِيدُ بِمَرَآكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ای حجت‌های الهی، دعای من در برابر دیدگانتان است و شما آن را می‌شنوید. بنابراین مرا به عوامل

دُعَائِي فَوْقِي مُنْجِزَاتِ إِجَابَتِي أُغْتَصِمُ بِكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَائِي.

اجابت آنها موفق کنید. به شما پناه می‌آورم. گوش اطاعت و رضایتم با شماست، باشماست، باشماست.

دعای پنجم

حجاب حضرت بقیة الله^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اخْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي

خدایا مرا از چشم دشمنانم مخفی کن و مرا با دوستانم جمع کن و وعده‌ای را که به من

وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي

داده‌ای، عملی نما و مرا در دوره غیبت تا زمانی که اجازه ظهور بدهی، حفظ کن.

ظُهُورِي وَأَخِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَّكَ وَعَجِّلْ فَرَجِي

فرائض و سنت‌های^۲ پیامال شده‌ات را به دست من زنده کن. ظهورم را سریع و خروجم را

وَسَهِّلْ مَخْرَجِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَافْتَحْ لِي فَتْحًا

آسان نما و با سلطنت و نصرت خود مرا یاری کن و مرا به پیروزی قطعی برسان و به راه

مُبِينًا وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَقِنِي جَمِيعَ مَا أَخَذَرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ

راستت هدایت فرما و از تمام خطرات ظالمان حفظم کن و از چشمان دشمنانی که پایه‌های

۱. المصباح للكفعمي / ص ۲۱۹ / الفصل السادس والعشرون في الحجب؛ بحار الأنوار / ج

۹۱ / ص ۳۷۸ / باب ۵۲ - الاحتجابات المروية؛ مهج الدعوات / ص ۳۰۲ / حجاب مولانا

صاحب الزمان عليه السلام.

۲. در اصطلاح روایات، فرائض به احکام قرآنی و سنت به آنچه پیامبر اسلام و یا حضرات

معصومین علیهم السلام فرموده‌اند، اطلاق می‌شود.

وَاجْبُنِي عَنْ أَعْيُنِ الْبَاغِضِينَ النَّاصِبِينَ الْعَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ

عداوت با خاندان رسولت را محکم کرده‌اند، مخفی نما تا از هیچ یک از آنها، بدی به من

وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ فَإِذَا أَذِنْتَ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي

نرسد. زمانی که اجازه ظهور دادی، مرا با سرهازان خود یاری کن و کسانی را که مرا در

بِجُنُودِكَ وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ وَفِي سَبِيلِكَ

یاری دینت کمک خواهند کرد، تقویت نما و از مجاهدین در راه خودت قرار بده.

مُجَاهِدِينَ وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ وَوَقِّفْنِي

همه ما را بر کسانی که قصد جنگ با ما را دارند، پیروز کن و مرا در برپاداشتن احکام

لِلْإِقَامَةِ حُدُودِكَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَخْدُودَكَ وَأَنْصُرِ الْحَقَّ

وحدودت، موفق نما و مرا در غلبه بر کسی که به حدود و احکامت تعدی کند، یاری کن.

وَأُزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَأُورِدْ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي

خدایا حق را یاری و باطل را از بین ببر؛ چرا که باطل از بین رفتنی است. شیعیان و یاران

وَأَنْصَارِي وَمَنْ تَقَرَّرُ بِهِمُ الْعَيْنُ وَيُشَدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ وَاجْعَلْهُمْ فِي

و کسانی را که دیدارشان مرا شاد و مستحکم می‌کند، به من برسان و آنها را در قلعه حمایت

حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خود وارد کن. با رحمت و کرمات ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای ششم

دعای امام علیؑ برای فرج خودشان^۱

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ

الهی به احترام کسانی که در خشکی و دریا، با تو

فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ

ساجات کردند و دعا خواندند، با ثروت بر قرای مؤمنین، با شفا

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بر بیماران، با لطف و بزرگواری بر زندهها و مردههای ایشان،

بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ

با مغفرت و رحمت بر مردههایشان، با برگشتن همراه با

وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ

سلامتی و موفقیت بر غریبهایشان، تفضل کن به حق

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

محمد و آل ایشان اجمعین.

۱. مهج الدعوات / ص ۲۹۴؛ بحار الأنوار / ج ۹۲ / ص ۴۵۰ / باب ۱۳۰ - فی ذکر بعض الأدعية.

دعاى هفتم

حرز^۱ امام زمان علیه السلام^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ يَا

ای خدای مسلط بر انسانها وای در هم کوبنده حزبها، ای گشاینده درها،

مُسَبِّبِ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ

ای سبب ساز عالم، سببی را بر ایمان درست کن که ما قادر بر آن نبودیم. به حق

إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ

لا إله إلا الله محمد رسول الله که سلام و درودت بر او و خاندانش باد.

۱. حرز در لغت به معنای قلعه‌ای است که جهت ایجاد فضای امن ساخته می‌شود. از این رو به ادعیه‌ای که جهت ایجاد مصونیت در برابر مسائلی چون، بلايا، بیماری‌ها، حیوانات درنده، ساحران واجنه و امثال آنها، صادر شده است. حرز گفته می‌شود.
۲. بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۲۶۵ / باب ۵۰ - بعض ادعیه القائم علیه السلام و أحراره: مهج الدعوات / ص ۴۵ / حرز لمولانا القائم علیه السلام.

دعای هشتم

دعا در زمان غیبت امام علی (ع)

ابوعلی بن همام این دعا را نقل کرد و گفت که شیخ رضی الله عنه آن را برایم خواند و من آن را نوشتم و دستور داد تا در زمان غیبت قائم رضی الله عنه بخوانم:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ

خدایا، خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را نشناسانی، فرستادهات را نخواهم شناخت.

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ

خدایا، فرستادهات را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، حجت بعد از او را نخواهم شناخت.

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

خدایا، حجتت را بشناسان؛ زیرا اگر او را نشناسانی، در دین خود گمراه خواهم شد.

اللَّهُمَّ لَا تُمِثَّنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ

خدایا، مرا به مرگ جاهلیت مبتلا نکن.^۲ دلم را بعد از توفیق هدایت، گمراه نکن.

۱. کمال الدین / ج ۲ / ص ۵۱۲ / الدعاء في غيبة القائم (عج)؛ بحار الأنوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۷ / باب ۳۱ - ما خرج من توقيعاته رضی الله عنه.

۲. روایات زیادی از رسول گرامی اسلام و سایر معصومین رضی الله عنهم صادر شده است که اگر کسی امام خود را نشناسد و بمیرد، با کفر دوران جاهلیت از دنیا رفته است.

احمد بن ادريس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن الفضيل عن الحارث بن المغيرة قال قلت لابي عبد الله رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه و آله من مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية قال نعم قلت جاهلية جهلاء او جاهلية لا يعرف امامه قال جاهلية كفر ونفاق وضلال الكافي / ۱ / ۳۷۷ / باب من مات وليس له امام من ائمة.

فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ

خدایا، همان طور که مرا به ولایت کسانی که اطاعتشان بر من واجب بود،

رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

هدایت کردی، آنان که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله والیان تو بودند تا اینکه ولایت

وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعَفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا

امیرالمؤمنین و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد

وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

و علی و حسن و حجت قائم مهدی که درود و سلامت بر همه آنان باد، پذیرفتم.

اللَّهُمَّ فَتَبِّسْنِي عَلَى دِينِكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَلَيْتَ قَلْبِي لَوْلِي أَمْرِكَ

خدایا، همان طور مرا در دینت ثابت قدم کن و مرا به اطاعت خود مشغول کن و دلم را

وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَتَبِّسْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي

برای ولایت والیان امرت، نرم کن و مرا از امتحانات خلقت، عافیت بخش و در اطاعت

سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ فَبِإِذْنِكَ غَابَ عَنِ بَرِيَّتِكَ وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ

ولی امری که او را پوشانده‌ای، ثابت قدم کن. او که با اراده تو از مخلوقاتت، غایب شده

غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلَيْتَكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ

و منتظر امر تو هست و تو بهتر از همه می‌دانی که مناسب‌ترین وقت برای ظهور ولیات چه زمانی است.

أَمْرِهِ وَكَشَفِ سِرِّهِ وَصَبْرِنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ

تا امامتش را آشکار و سرش را روشن کنی. در این انتظار به من صبر بده تا مقدم شدن آنچه به تأخیر

وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أُبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ

انداختی و تأخیر آنچه را که مقدم داشتی، نخواهم. آنچه را که پوشانیدی باز نکنم و درباره آنچه که

وَلَا أَنْزِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ

کتمان کردی، جستجو نکنم و در تدبیرت مخالفت نکنم و از چرا و چگونگی آنها و اینکه چرا ولّیات

لَا يَظْهَرُ وَقَدْ اِمْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوِضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

ظهور نمی‌کند با اینکه زمین پر از ظلم شده است، سؤال نکنم و تدبیر تمام امورم را به تو بسپارم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا لِأَمْرِكَ مَعَ

خدایا، درخواست می‌کنم که ولی خود را در زمان ظهور و اجرا شدن احکامش،

عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ

نشانی بدهی. البته با اعتقاد به اینکه سلطنت و قدرت و دلیل و حجت و اراده و ممانعت

وَالْإِرَادَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى

وقوت، همه و همه از توست. این لطف را در حق من و همه مؤمنین بکن، تا ولّیات را

نَنْظُرَ إِلَيَّ وَلِيَّكَ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ وَاضِحَ الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا

در حالی که سخنرانی آشکار، راهنمایی واضح، هدایتگر از تاریکی و شفا دهنده از جهالت

مِنَ الْجَهَالَةِ اُبْرِزْ يَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ

است بینیم. دیدنی‌هایش را آشکار و پایه‌هایش را محکم کن و ما را از کسانی که توفیق

عَيْنُنَا بِرُؤْيَيْهِ وَاَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوَقَّفْنَا عَلَىٰ مِلَّتِهِ وَاخْشَرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.

دیدار و خدمت او را می‌یابند، قرار بده و ما را بر مکتب او بمیران و در محضر و همراه او محشور کن.

اللَّهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَذَرَأْتَ وَاَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ

خدایا، او را از شر تمام مخلوقات بناه بده و او را از تمام جوانب،

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ

جلو و عقب، راست و چپ، پایین و بالا حفظ کن. با آن حفظی که در آن چیزی

تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِنْ حِفْظَتِهِ بِهِ وَاَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ.

از بین نمی‌رود. با حفظ او در واقع رسول و جانشینی رسول را حفظ کن.

اللَّهُمَّ وَاَمُدَّهُ فِي عُمُرِهِ وَزِدْ فِي اَجَلِهِ وَاَعِنُّهُ عَلَىٰ مَا اَوْلَيْتَهُ

خدایا، عمرش را طولانی کن و او را در جنگ کسانی که بر آنها برتری و سروری دادی.

وَاسْتَرْعَيْتَهُ وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَاِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الْقَائِمُ الْمُهْتَدِي

کمک کن و لطف و کرمی که بر او داری، زیادت‌تر کن؛ زیرا او هدایتگر هدایت شده، قیام کننده

الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّكِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّكُورُ.

هدایت شده، پاک با تقوای خالص و زلال، پسندیده راضی شده و صابر تلاشگر شاکر است.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبِهِ وَأَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ

خدایا! یقین ما را به خاطر طولانی شدن مدت غیبت و بریده شدن

عنا وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي

اخبار او از ما، سلب نکن. یاد و انتظار و ایمان و شدت یقین

ظُهُورِهِ وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُفَنِّطَنَا طَوْلُ غَيْبِهِ مِنْ

در ظهور و دعا و صلوات بر او را از یاد ما نبرد. تا طولانی شدن

ظُهُورِهِ وَقِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْفِينُنَا فِي قِيَامِ

غیبتش ما را از ظهورش مایوس نکند و یقین ما در قیام او مانند

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ قُوَّةَ

یقین ما در قیام رسول خدا و نزول قرآن باشد. دلهایمان را در ایمان

قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى

به او قوی کن تا ما را به دست او در راه روشن هدایت و راه وسط

وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَسُّنَا عَلَى

واعتدال صراط مستقیم، به حرکت بیاوری و ما را در اطاعتش تقویت

مُشَايَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ

و در همراهیاش ثابت قدم کن و ما را از گروه و یاران و راضیان به

وَلَا تَسَلِّبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وِفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَقَّأَنَا وَتَحْنُ

كارهايش قرار بده. اين توفيق را در زمان حيات و هنگام وفات از ما نگیر.

عَلَى ذَلِكَ غَيْرُ شَاكِينٍ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكْذِبِينَ.

تا در نتیجه ما در هنگامه مرگ، در آن تردید و تکذیب نکنیم و عهد نشکنیم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَدَمْدِمْ

خدایا، در فرجش تعجیل کن، او را با یاریت تقویت و یارانش را یاری و دشمنانش

عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ وَأَمِثَ بِهِ الْجَوْرَ وَاسْتَنْقِذْ

را خوار گردان. بر کسانی که دشمنی و تکذیب او را بکنند، غضب کن. حق را با او

بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ وَاقْتُلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ

آشکار و ستم را بعیبان و پندگان صالح را از ذلت و آوارگی در شهرها، نجات بده

الْكَفْرَةَ وَأَقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّالَّةِ وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ

و ستمکاران کافر را به دست او قتل عام و بزرگان سیاهی را قلع و قمع و متکبران

وَأَبْرِزْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالتَّائِبِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ

و کافران را ذلیل کن و به واسطه او در مناطق شرقی و غربی، آبی و خشکی

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَحْرِهَا وَبَرِّهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ

و صحراى و کوهستانى، منافقین و بیمان شکنان و مخالفین و ملحدین را ناپود کن تا

دَيَّاراً وَلَا تُبْقِي لَهُمْ آثَاراً وَتُطَهِّرَ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ

جایی که هیچ مکان و اثری از آنها باقی نماند. شهرهایت را از لوس وجودشان پاک

عِبَادِكَ وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ

و دل‌های بندگانت را شفا بده. به وسیله او بخش‌هایی از دین که معو شده‌اند، تجدید

و غَيْرَ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدِهِ غَضّاً جَدِيداً صَحِيحاً

و احکام و سنتی را که تغییر کرده‌اند، اصلاح کن. تا اینکه دین به او برگردد و در یک

لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ فَإِنَّهُ

چشم به هم زدن، در دست او قرار گیرد و تازه و سالم و بدون انحراف باشد. در نتیجه

عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَرْتَضِيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ

آتش کفار را با عدل او خاموش کنی؛ زیرا او همان بنده‌ای است که او را برای خودت

يَعْلَمُكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبِرَّاتِهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى

خالص کرده‌ای و برای یاری دین و علمت انتخاب کرده‌ای و از تمام گناهان و عیب‌ها معصوم

الْعُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

ویر غیب آگاه نمودی و بر او نعمت دادی و از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها پاک و پیراسته کردی.

اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى شَيْعَتِهِمُ الْمُتَتَجِبِينَ

خدایا، بر او و پدران‌ش ائمه معصومین علیهم‌السلام و شیعیان بزرگوارشان سلام و درود

وَبَلَّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ

فرست و آنها را به بهترین آرزوهایشان برسان و این ارادت را از هر نوع شک

وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

و شبهه و ریا خالص کن تا جایی که تنها مقصودمان از آن جلب رضایت تو باشد.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَغَيْبَتَنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ

خدایا، ما در پیشگاه تو از نبودن پیامبران از یک سو و غیبت ولی خودمان از سوی دیگر وسخت گیری

عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرِ الْأَعْدَاءِ وَكَثْرَةِ عَدُوِّنَا

زمانه با ما و بروز و ظهور فتنه‌های گوناگون و تسلط و فراوانی دشمنان و کسی تعداد خود،

وَقِلَّةَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرَجْ ذَلِكَ بِفَتْحِ رِيٍّ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِصَبْرِ

شکایت می‌کنیم، خدایا، همه این گرفتاری‌ها را با پیروزی سریعی از جانب خودت و صبری از تو که

مِنْكَ تُبَسِّرُهُ وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

آن را برایمان آسان کنی و امام عادل‌لی که آشکار کنی، بر طرف کن، معبود حق، پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ

خدایا، از تو می‌خواهیم تا اجازه دهی جان‌شینت، عدل خود را برای بندگان و قتل عمومی‌اش را برای

أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بَيِّنَةً

دشمنانت آشکار کند، تا برای ستم پایگاهی نماند، مگر آنکه در هم بکوبی و ساختمان‌ی نماند، مگر اینکه

إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنَآ إِلَّا هَدَدْتَهُ وَلَا حَدًّا إِلَّا

خراب کنی و نیرویی نماند، الا اینکه سست کرده باشی و ستونی نماند الا اینکه قطع کرده باشی

فَلَلْتَهُ وَلَا سِلَاحًا إِلَّا كَلَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ

و بُرْشَى نماند الا اینکه کُند کرده باشی و سلاحی نماند، مگر اینکه از کار انداخته باشی و پرچمی

وَلَا حَيًّا إِلَّا خَذَلْتَهُ إِزْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ

نماند الا اینکه انداخته باشی و شجاعی باقی نماند، مگر اینکه کشته باشی و زنده ای نماند، الا اینکه خوار

الْقَاطِعِ وَبِبَأْسِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ عَنِ الْقَوْمِ الْمَجْرِمِينَ وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ

و ذلیل کرده باشی. پروردگار با سنگ شکننده و شمشیر برنده و سختگیریت که مجرمین را جانمی اندازد،

وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

آنها را بزن و دشمنان خود و دینت و دشمنان رسولت را به دست ولیات و به دست مؤمنین عذاب کن.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ

خدایا، ولی خودت را از خطرات دشمنانش حفظ کن و با مکر کننده اش. مگر کن

وَأَمْرًا بِمَنْ مَكَرَ بِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا

و کسی که قصد توطئه دارد، مبتلا به بدی نما. آنها را ریشه کن کن و دلهایشان

وَاقْطَعْ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ وَأَزْعِبْ بِهِ قُلُوبَهُمْ وَزَلْزِلْ لَهُ أَقْدَامَهُمْ

را مالا مال از ترس کن و با این ترس قدمهایشان را به لرزش بیانداز. آنها را

وَخَذَهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً شَدَّ عَلَيْهِمْ عِقَابَكَ وَأَخْرَجَهُمْ فِي عِبَادِكَ

آشکارا و ناگهانی بگیر. در عذاب خود بر آنها سخت بگیر و در میان بندگانت ذلیل

وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَأَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ

و از شهرها دور کن و در پایین‌ترین درکات دوزخ ساکن و با بدترین عذابت آنها را

عَذَابِكَ وَأَصْلِهِمْ نَاراً وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَأَصْلِهِمْ حَرّاً

احاطه کن و در دوزخ بینداز و قبرهای مرده‌هایشان را بر از آتش کرده و حرارتش را

نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَذِلُّوا عِبَادَكَ.

به آنها بیجان؛ زیرا آنها نماز را ضایع و شهوات را تبعیت و بندگانت را ذلیل کردند.

اللَّهُمَّ وَأَخِي بُولِيكَ الْقُرْآنَ وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمِداً لَا ظُلْمَةَ فِيهِ وَأَخِي

خدایا، قرآن را به دست ولّیات زنده کن و نور آن را همیشگی نما، که در آن تاریکی نباشد،

بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِيرَةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ

به ما نشان بده و دل‌های مرده را با آن زنده و سینه‌های داغ دیده را شفا بخش.

الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى

به دست او افکار پراکنده را بر راه حق جمع کن و حدود و احکام معطل مانده را اجرا کن.

لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ

تا اینکه هیچ حقی مخفی نماند و تمام عدل‌ها شکفته گردد. پروردگارا، ما را از یاران

وَمِمَّنْ يَقْوِي سُلْطَانَهُ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَالْمُسْلِمِينَ

و تقویت کنندگان سلطنتش و اطاعت کنندگان او امرش و راضیان به اعمال و قبول کنندگان احکامش

لِأَحْكَامِهِ وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي

و از کسانی که مجبور به تقیه نیستند، قرار بده. پروردگارا تو کسی هستی که بدی‌ها را بر می‌داری

تَكْشِفُ السُّوءَ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

و افراد مضطر را جواب می‌دهی و از گرفتاری‌های بزرگ نجات می‌دهی. بنابراین همان طور که

فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَوَلِيَّكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

ضمانت کرده بودی، گرفتاری را از ولی خودت بردار و او را جانشین خودت در روی زمین قرار بده.

اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ أَعْدَاءِ

خدایا، ما را از دشمنان ^{دشمنان} آل محمد قرار نده.

آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

مرا از کسانی که از خاندان محمد خشمگین

فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي.

هستند نکن و مرا از این بدبختی پناه بده.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود و سلام فرست و مرا در دنیا و آخرت به برکت

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

آنها از نجات یافتگان و مقربان قرار بده.

دعاى نهم

دعاى امام زمان علیه السلام براى فرج خودشان^۱

حمیری نقل می‌کند که از محمد بن عثمان عمری پرسیدم که آیا آن حضرت را دیده‌ای؟ گفت: بله آخرین بار ایشان را در کنار خانه خدا دیدم که می‌گفت:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي

خدایا! وعده‌ای را که داده‌ای، عملی کن.

محمد بن عثمان در جای دیگری نقل می‌کند که ایشان را دیدم که در بخش مستجار پردد کعبه را گرفته و می‌گوید:

اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ

خدایا! به دست من از دشمنانت انتقام بگیر.

دعای دهم

نماز توجّه به حضرت حجّت در زمان غیبت^۱

احمد بن ابراهیم نقل می‌کند که:

خدمت محمّد بن عثمان رضی الله عنه گلايه کردم و گفتم از شوق دیدار حضرت لبریز شده‌ام.

با شوق خاصی گفتم: خیلی دوست داری او را ببینی؟

گفتم: بله

گفت: خداوند به خاطر این همه شوق، جزای خیر بدهد و توفیق دیدار ایشان را در آسودگی و عافیت عنایت کند. اما تو نباید در این شرایط خفقان به دنبال دیدار ایشان باشی؛ زیرا در ایام غیبت اگر چه شوق دیدار لبریز است، اما نباید تلاش کنی که با ایشان باشی؛ زیرا این از گناهان کبیره است.^۲ به همین جهت تسلیم امر خدا بودن بهتر است.

با این حال هر وقت که خواستی با ایشان درد و دلی کنی، با این زیارت انجام بده.

۱. بحار الأنوار / ج ۵۲ / ص ۱۷۴ / باب ۳۱ - ما خرج من توقيعاته رضی الله عنه؛ مستدرک الوسائل / ج ۱۰ / ص ۲۶۵ / ۷۰ - باب استحباب زیارة الهادي.

۲. زیرا در دوره غیبت صغری آن حضرت تحت تعقیب دشمنان بود. به همین خاطر کسانی که به دنبال حضرت بودند، زمینه را برای شناسایی مکان زندگی آن حضرت که غالباً در حوالی سامرا بوده است، فراهم می‌کردند. این مطلب در نامه حضرت بقیة الله به خجندی که تلاش فراوانی برای دیدار با ایشان انجام داد، آمده است. در آن دوره، خفقان به اندازه‌ای بود که حتی اسم بردن از حضرت تحریم شده بود.

البته در شرایط کنونی هیچ کدام از اینها حرام نیست. نه نام بردن از ایشان و نه تلاش برای دیدار ایشان.

این زیارت بعد از دوازده رکعت نماز یا شش نماز دو رکعتی می‌باشد. که در هر رکعت یک حمد و یک توحید خوانده می‌شود. بعد از اتمام نمازها، صلوات می‌فرستی و می‌گویی:

سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِینَ

سلام بر خاندان یاسین

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ إِمَامُهُ

نیوت و امامت همان عنایت روشن است و خدا صاحب احسان عظیم است برای کسی که

مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ

او را به راه راست هدایت کند. اما توجه: ای آل یاسین، خداوند خلافتش را به شما داده

ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ

و کیفیت جریان اراده خودش را در مورد قضا و قدر و اراده‌ای که در ملکوت آسمانها

الْمُسْتَقِيمَ التَّوَجُّهُ قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ وَعَلَّمَ مَجَارِي

دارد، به شما نشان داده است. پرده از شما برداشته شده و شما خزانه داران و شاهدان

أَمْرِهِ فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ فَكَشَفَ لَكُمْ

و عالمان و امینان و رهبران و پایه‌های مناطق و قاضیان احکام و درهای ایمان،

الْغِطَاءَ وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ وَعُلَمَاؤُهُ وَأُمَنَاؤُهُ سَاسَةُ الْعِبَادِ

هستید. از جمله تقدیرات الهی در عنایت به شما، این بود که به صورت حتمی

وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاحُ

وقلمی حکم کرد در نتیجه هیچ چیزی از خدا نیست. مگر اینکه شما واسطه

الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ

وراء وصول به آن هستید. خداوند برای دوستانان نعمت و برای دشمنانان غضب را

السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ خِيَارُهُ لَوْلِيكُمْ نِعْمَةٌ وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ

برگزیده است. بنابراین نجات و پناهی غیر از شما وجود ندارد و جای فراری

سَخِطَةٌ فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَجَ إِلَّا أَنْتُمْ وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ يَا أَعْيُنَ اللَّهِ

از آن نیست. ای چشمان ناظر خدا و حامل معرفت و محل استقرار توحید در زمین

النَّاظِرَةَ وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَأَنْتَ

وآسمان و تو ای حجّت و باقی مانده اولیای الهی، کمال نعمت او و وارث انبیا

يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ وَخُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ

و جانشینان او تا به امروز هستی. ای آن که طبق وعده خدا، صاحب رجعتی

مِنْ دَهْرِنَا وَصَاحِبُ الرَّجْعَةِ لَوْعَدِ رَبِّنَا الَّذِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَحُنَا.

که دولت حق و شادی و نصرت خدا و عزّت او در آن روز، بر ما تجلّی خواهد یافت.

این دعا همان زیارت آل یاسین با نقل دیگر آن است که بعد از آن

نیز دعای پشت سر آن خوانده می‌شود.

دعای یازدهم

دعای امام علیه السلام برای ترس از دشمنان، مشهور به دعای فرج^۱
شیخ جلیل القدر امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی^۲ صاحب
تفسیر، در کتاب کنوز النجاح آورده است که ابوالحسن محمد بن ابی
اللیث رضی الله عنه در شهر بغداد، از ترس دشمنان به مقابر قریش^۳ پناه برده
بود. آن حضرت در آنجا دعایی را به او یاد داد تا از دشمنان نجات
یابد. او نیز خواند و نجات یافت.

اما متن دعا عبارت است از:

۱. بحار الأنوار / ج ۵۲ / ص ۲۷۵ / الحکایة الأربعة.

۲. ولادت ابو علی، فضل بن حسن بن فضل طبرسی، معروف به امین الاسلام طبرسی در
حدود سال‌های ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری در مشهد مقدس به دنیا آمد.
نسب طبرسی را بسیاری از بزرگان، منسوب به طبرستان دانسته‌اند که در این صورت
طبرسی خوانده می‌شود. مؤلفان بزرگی چون بیهقی وقتی سخن از تألیفات طبرسی به
میان آورده‌اند تألیفات او را «کثیر» دانسته‌اند، که طبرسی دارای تألیفات زیادی است.
اما آنچه به دست ما رسیده به ۲۰ عنوان نمی‌رسد و قطعاً تألیفات او بیشتر از این مقدار
بوده است.

وفات:

مفسر بزرگ قرآن و عالم ربّانی، امین الاسلام طبرسی پس از حدود ۹۰ سال زندگی
سراسر تلاش و مجاهده در سال ۵۴۸ هجری در بیهق از دنیا رفت. بنا بر نقل بزرگانی
چون علامه سید محسن امین، طبرسی به مرگ طبیعی از دنیا نرفت؛ بلکه به دست
دشمنان به شهادت رسید. اما از جزئیات شهادت او اطلاعی در دست نیست. بدن مطهر
او را از بیهق به مشهد مقدس انتقال داده و در جوار مرقد امام هشتم شیعیان علیه السلام به
خاک سپردند. به نقل از نرم‌افزار جامع الاحادیث نور ۲

۳. مقصود از مقابر قریش، کاظمین و حرم مطهر امام موسی کاظم علیه السلام و امام محمد
تقی علیه السلام است.

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَبَرَحَ الْخَفَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَانْكَشَفَ

خدایا، بلا شدت یافته و مخفیگاهها از دست رفته و امیدها به یأس میزدل و پوشش از

الْغِطَاءِ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنَعَتِ السَّمَاءُ وَإِلَيْكَ يَا

میان برداشته و زمین با همه وسعتش برایم تنگ و آسمان از باریدن منع گردیده است.

رَبِّ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ

پروردگارا، به تو شکایت می‌کنم و در گرفتاری‌ها و راحتی‌ها به تو تکیه می‌نمایم.

اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ

خدایا بر محمد و خاندانش، آنان که ولی امر ما هستند و اطاعتشان را بر ما واجب کردی

عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا

و با این کار جایگاهشان را بر ایمان بیان نمودی. به حق ایشان، بر ایمان گشایشی ایجاد کن.

عَاجِلًا كَلِمَاحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اكَفِيَانِي

گشایش سریعی مانند چشم بر هم زدن یا حتی سریعتر از آن. ای محمد ای علی شما مرا

فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِي وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِي يَا مَوْلَايَ

کفایت کنید؛ زیرا شما کافی هستید و مرا یاری کنید؛ زیرا شما یاران من هستید. ای مولایم،

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي

ای صاحب عصر به دادم برس، به دادم برس، به دادم برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب.

راوی نقل می‌کند وقتی که ایشان این دعا را به من یاد می‌داد، زمانی

که به کلمه یا صاحب الزمان رسید، به سینه خودش اشاره کرد.

دعای دوازدهم

خبر دادن حضرت علی علیه السلام از دعای حضرت حجت در هنگام

عبور از وادی السلام^۱

حضرت علی علیه السلام فرمود: گویا قائم آل محمد علیهم السلام را می بینم که از وادی السلام به سوی سهله حرکت می کند و بر اسبی پیشانی سفید سوار است و این دعا را می خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا

نیست خدایی غیر از الله، قطعاً قطعاً نیست خدایی غیر از الله، من ایمان می آورم و تصدیق می کنم.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا.

نیست خدایی غیر از الله، من بندگی و اطاعت او را می کنم.

اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَمِيدٌ وَمُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عِنْدِي أَنْتَ

ای خدایی که عزت بخش هر مؤمن تنها مانده هستی و ذلیل کننده هر متکبر سرسخت هستی. زمانی

كُنْفِي حِينَ تُغِينِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحِبَتْ

که تمام راهها بر رویم بسته می شود و زمین با تمام وسعتش بر من تنگ می گردد، تو همراه من هستی.

اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَن خَلْقِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ

خدایا، مرا آفریدی در حالی که از آن بی نیاز بودی. اگر یاری تو نبود، شکست می خوردم.

۱. بحار الأنوار / ص ۲۶۵ / ج ۹۱ / باب ۵۰ - بعضی ادعیه القائم علیه السلام و أحراره، العدد القویة /

ص ۷۳ / نبذة من أحوال الإمام الحجة علیه السلام.

مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ

ای منتشر کننده رحمت از مواضع آن و خارج کننده برکات از معادن آن وای کسی که

مَعَادِنِهَا وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ وَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ

اوج رفعت را به خود اختصاص داده و دوستانش با عزت او احساس عزت می‌کنند.

يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهُمْ مِنْ سَطَوْتِهِ

ای کسی که تمام سلاطین در برابر او غبار مذلت به گردن دارند و از سیطره قدرت او خوفناکند.

خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَهُ مُدْعِنُونَ

درخواست می‌کنم به حرمت اسمی که موجودات را آفریدی و همه به آن اقرار می‌کنند.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي

درخواست می‌کنم که به محمد و خاندان او درود و سلام فرستی و کار مرا محقق کنی و در

أَمْرِي وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي وَتَقْضِي

فرجم تعجیل نمایی و مرا کفایت کنی و از شر دشمنان عاقبت بخشی و نیازهایم را برآورده سازی.

حَوَائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همین الآن، همین الآن، همین امشب، همین امشب زیرا تو بر هر کاری را توانایی.

دعای سیزدهم

صلوات مخصوصه‌ای که از امام زمان علیه السلام صادر شده است^۱

یعقوب بن یوسف ضراب غسانی در بازگشت از اصفهان نقل می‌کرد که در سال دویست و هشتاد و یک با عده‌ای از اهل سنت از مردمان شهرمان، به زیارت خانه خدا خارج شدیم. وقتی که به مکه رسیدیم. عده‌ای از آنها رفتند و خانه‌ای را که بر سر راه و در میان بازار مشهور به سوق اللیل بود، کرایه کردند. آنجا مشهور به خانه حضرت خدیجه بود. به آن دارالرضا هم می‌گفتند. پیرزنی گندمگون در آنجا زندگی می‌کرد. درباره خانه سؤال کردم که چرا به آنجا خانه امام رضا می‌گویند و چه مدتی است که در آنجا ساکن است؟ جواب داد: «من از دوستداران ایشان هستم و این خانه متعلق به امام رضا علیه السلام بود. امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه جای داد؛ زیرا من از خدمتکاران آن حضرت بودم.»

وقتی که اینها را شنیدم، با او مأنوس شدم و سر آن را از دوستان سنی خود، پنهان کردم. شب‌ها که از طواف برمی‌گشتم، با آنها در ایوان خانه می‌خوابیدیم. ما شب‌ها در را می‌بستیم و سنگ بزرگی را پشت آن می‌گذاشتیم.

تا اینکه شبی از شب‌ها متوجه روشنایی چراغی شدم که درون رواق ما روشن شده است. روشنایی شبیه مشعل بود. متوجه شدم

که در، باز است. اما کسی از اهل خانه را ندیدم که در را باز کند. مردی گندمگون ولاغر را دیدم که بر پیشانی خود آثار سجده داشت. دو پیراهن به تن داشت که از روی آنها هم عبای نازکی را بر سرش انداخته بود. در پایش کفشی داشت. از پله‌ها بالا رفت و وارد اتاقی که پیرزن در آنجا بود، شد. او قبلاً به ما گفته بود که دخترش در آنجا زندگی می‌کند و اجازه نمی‌دهد که کسی به آنجا برود.

روشنایی در هنگام بالا رفتن او، در پله‌ها بود. اما وقتی که وارد اتاق شد، روشنایی را در اتاق دیدم. اما خبری از مشعل و امثال آن نبود. دوستان سنی من، شاهد ماجرا بودند. آنها گمان می‌کردند که این مرد دختر آن زن را صیغه کرده است؛ زیرا شیعیان متعه را جایز می‌دانند. در حالی که اهل سنت آن را حرام می‌دانند. ما شاهد آمدن و رفتن او بودیم. وقتی که بیرون می‌رفت، ما دنبالش کردیم. دیدیم که در بسته است و سنگ در پشت آن قرار دارد! همان طور که ما گذاشته بودیم و بسته بودیم؛ زیرا از دارایی‌های خودمان می‌ترسیدیم. احدی را ندیدیم که در را برای او باز کند و یا ببندد. مادامی که ما در آنجا بودیم، آن مرد جوان رفت و آمد می‌کرد و سنگ هم سر جای خودش بود. وقتی که همه اینها را دیدم، کنجکاو عجیبی در جانم ریشه دواند. از این رو سعی کردم که ارتباطم را با پیر زن صمیمی‌تر کنم؛ زیرا خیلی دوست داشتم که از سر آن مرد باخبر شوم.

روزی به پیرزن گفتم سؤالاتی دارم که می‌خواستم از شما

بپرسم. البته نمی‌خواهم دوستانم حضور داشته باشند. هر وقت که مرا تنها دیدی، پایین بیا تا سوالاتم را بپرسم. با عجله گفت: اتفاقاً من هم می‌خواستم مطالبی را به تو بگویم. اما وقت مناسبی را پیدا نمی‌کردم؛ زیرا همیشه آنها با تو هستند. گفتم: چه می‌خواستی بگویی؟

گفت: می‌گویند - البته او اسم کسی را نیاورد - با نزدیکان جنگ وجدل نکن؛ زیرا آنها دشمنان تو هستند، باید با آنها مدارا کنی. گفتم: چه کسی این حرف‌ها را گفته است؟ گفت: من می‌گویم! خیلی دوست داشتم که دوباره سؤال را تکرار کنم. اما هیبت آن زن اجازه نداد. عرض کردم: کدام اصحاب و نزدیکان مورد نظرت هست؟ گفت: همان‌ها که در شهرت هستند و الآن در خانه با تو می‌باشند.

گفتم: بله میان من و آنها در شهرمان بر سر دین و عقاید مذهبی درگیری پیش آمد. آنها پشت سر من توطئه کردند. تا جایی که من مدت‌ها مجبور به اختفا شدم. در ادامه از او سؤال کردم چه نسبتی با امام رضا علیه السلام داری؟ گفت: من خادمه امام عسکری علیه السلام بودم. وقتی که از او مطمئن شدم، تصمیم گرفتم که درباره امام زمان علیه السلام سؤال کنم. قسم دادم که آیا او را با چشم خودت دیده‌ای؟ گفت: ای برادر من او را ندیده‌ام. وقتی که من از خانه امام علیه السلام خارج شدم، خواهرم^۱ به او حامله بود. البته امام عسکری علیه السلام به من بشارت داد که در آخر

۱. تعبیر به خواهر از جهت محبت و نزدیکی است نه نسبت خونی و فامیلی.

عمرم او را خواهم دید و نسبت تو به او مانند من خواهد بود. تا اینکه من در فلان تاریخ در مصر بودم. امام زمان علیه السلام نامه‌ای را به همراه مخرج سفر توسط مردی خراسانی که عربی را خوب نمی‌دانست، برایم فرستاد. مبلغی که فرستاده بود، سی دینار بود. از من خواسته بود تا به حج مشرف شوم. دینارها را گرفتم و با امید دیدار ایشان عازم سفر حج شدم.

بعد از شنیدن این ماجرا، به دلم افتاد همان مردی که هر شب می‌آید و می‌رود، امام زمان علیه السلام است. نذر کرده بودم که ده درهم در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم. ده دینار که شش تایی آنها سکه امام رضا علیه السلام بود، به آن زن دادم و گفتم که اینها را به اولاد فاطمه علیه السلام بده. با خودم گفتم: اگر آنها را به فرزندان فاطمه بدهم، ثوابش بیشتر است. از طرفی امیدوار بودم که آنها را به حضرت بقیة الله خواهد داد.

پیرزن درهم‌ها را از من گرفت و به اتاق خودش رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می‌گویم ما در این پول‌ها سهمی نداریم. آنها را به همان جایی که نذر کردی بینداز. اما سکه‌های رضوی را به ما بده و به جای آنها پول معمولی بگیر. من نیز همان طور کردم. پیش من یکی از نامه‌های امام زمان علیه السلام بود که حضرت به قاسم بن علاز وکلای خود در آذربایجان نوشته بود. آن را به پیر زن نشان دادم و گفتم: این را به کسی نشان بده که توقیعات را دیده باشد. گفت: آن

را بده به من. من توقیعات ایشان را می‌شناسم. گمان کردم که او می‌تواند توقیع را بخواند. اما گفت: اینجا ممکن نیست که آن را بخوانم. باید بالا ببرم. بالا رفت و بعد از لحظاتی برگشت و گفت: می‌گویند این توقیع صحّت دارد و در آن نوشته است که شما را به چیزی بشارت می‌دهم که کسی را به آن بشارت نداده‌ام...

بعد گفت: می‌گویند تو چگونه صلوات می‌فرستی؟ گفتم: خدایا بر محمد و خاندان محمد صلوات بفرست و بر محمد و خاندانش برکت را نازل کن. مانند بهترین صلوات و برکات و ترحماتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم نازل فرمودی. تو ستوده و جواد هستی.

گفت: نه وقتی که صلوات فرستادی نام تک تک ائمه را ببر و بر همه آنها صلوات بفرست. گفتم: چشم.

فردای آن روز وقتی که از اتاقش پایین می‌آمد، دفتری کوچک به همراه داشت. به من گفت: هر وقت که خواستی به پیامبر و جانشینانش صلوات بفرستی مانند آنچه که در این دفتر نوشته شده است، بفرست. دفتر را گرفتم و از آن به بعد طبق آن صلوات فرستادم.

چند شب پی در پی آن مرد از اتاق پایین می‌آمد و نور چراغ به همراه او بود. من در را باز می‌کردم و دنبال چراغ می‌رفتم. اما کسی را نمی‌دیدم. تا اینکه آن شخص با چراغ وارد مسجد الحرام می‌شد. همین طور مردان زیادی را می‌دیدم که از شهرهای مختلفی

می آمدند و نامه هایی را به پیر زن می دادند و او نیز نامه هایی را به آنها می داد و با همدیگر سخن می گفتند. البته من متوجه حرفهایشان نمی شدم. عده ای از آنها را در بازگشت از حج و در مسیر بغداد، دیدم.

متن صلوات خاصه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ

خدایا، بر محمد سرور رسولان و پایان بخش انبیاء و حجت پروردگار عالمان درود

الْعَالَمِينَ الْمُتَجَبِّ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ

وسلام فرست. او که در میثاق فطرت، نجابت یافته و در میان ظلمت ها او را برگزید.

كُلِّ آفَةِ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبِ الْمُؤْمَلِ لِلنَّجَاةِ الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ

او که از هر آفتی پاک و از هر عیبی دور است. امید نجات و شفاعت، کسی که دین

الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ

به او سپرده شده است. خدایا، ارکانش را شرافت و برهانش را عظمت و حجتش را

وَأَرْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِيءْ نُورَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ

راست و درجه اش را ترفیع و نورش را روشنی بخش و صورتش را روسفید کرده

۱. مقصود عالم قبل از تولد و ذریه است که در پشت حضرت آدم عليه السلام وجود داشته اند.

وَالْوَسِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيبُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

واز فضل و فضیلت و درجه و وسیله بلند به او عطا کن و او را به مقام ستوده شده‌ای

وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ

که اولین و آخرین به آن غیبه بخوردند، برسان، خدایا، بر امیر مؤمنان و وارث مرسلان

الْمُحَجَّلِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

و رهبر روسفیدان عالم و سرور جانشینان و حجت پروردگار عالمیان درود فرست.

بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

خدایا، بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست.

وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ

خدایا، بر حسین بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ

عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن حسین امام مؤمنان و وارث مرسلان

وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر محمد بن علی امام مؤمنان

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر جعفر بن محمد

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست.

وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ

خدایا، بر موسی بن جعفر امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار

رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ

عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن موسی امام مؤمنان و وارث مرسلان

الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ إِمَامِ

و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر محمد بن علی امام مؤمنان

الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ

و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست. خدایا، بر علی بن محمد

بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست.

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ

خدایا، بر حسن بن علی امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي

عالمیان، درود فرست. خدایا، بر جانشین صالح، هدایتگر هدایت شده،

الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

امام مؤمنان و وارث مرسلان و حجت پروردگار عالمیان، درود فرست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيَّمَةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ

خدایا، بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر شده، عالمان راستگوی

الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَأَرْكَانِ

خوش کردار با تقوایی که پایه‌های دین و توحید و مفسران وحی و حجت‌های

تَوْحِيدِكَ وَتَرَاجِمَةِ وَخِيكَ وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ

در میان خلق و جانشینان بر روی زمین هستد. کسانی که آنها را برای خودت

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَأَرْضَيْتَهُمْ

انتخاب کردی و بر سایر بندگانت برگزیدی و از دینت خوشنود و به معرفت مخصوص

لِدِينِكَ وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَّلْتَهُمْ بِكِرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ

نمودی و با کرامت خود به آنها جلالت دادی و با رحمت پوشاندی و با نعمت خود

وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَغَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ

تربیت کردی و با حکمت خود تغذیه نمودی و با نور خود پوشاندی و در ملکوت

وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ.

رفعت دادی و با ملائکه احاطه نمودی و با پیامبرت آنها را شرافت بخشیدی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ

خدایا، بر محمد و آنان صلوات فراوان و دائمی و گوارایی نثار کن. به اندازه‌ای که تنها

بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

خود بر آن احاطه داشته باشی و غیر از تو کسی قدرت شمارش و احاطه نداشته باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحِبِّي سُنَّتِكَ الثَّاقِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ

خدایا، بر ولی‌ی که سنتت را با امرت، زنده می‌کند و راهنما و دلیل به سوی تو، حجت

عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

بر خلق و جانشین در زمین و شاهد بر اعمال بندگانت می‌باشد، سلام و درود فرست.

اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا نَصْرَهُ وَمُدِّ فِي عُمْرِهِ وَزَيَّنْ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

خدایا، با قدرت خود، او را یاری کرده و بر طول عمرش بیفزای و زمین را با طول بقای او مزین کن.

اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَأَزْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ

خدایا، او را از تجاوز حسودان حفظ و از شر حيله گران پناه بده و اراده ظالمان را

الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

از او دفع و از دست متکبران رها کن. خدایا، در خود و نسل و شیعیان و خاصان

وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَعَدُوِّهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرُّ بِهِ

و عامان و دشمنان و همه اهل دنیا برای او چشم روشنی و خیری قرار بده تا شاد شود

عَيْنُهُ وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَبَلَغَهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى

واو را به اوج آرزوهایش در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر کاری توانا هستی.

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُحِيَّ مِنْ دِينِكَ وَأَخِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ

خدایا، به وسیله او بخش‌های از بین رفته دین را تجدید و آنچه از قرآن تفسیر به رأی شده،

كِتَابِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ

زنده و بخش‌های تغییر یافته احکامات را آشکار کن تا دینت به سبب او و به دست او

غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَأَشْكُ فِيهِ وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ

به صفا و پاکی و طراوت اولیه خود باز گردد و شک و شبهه‌ای در آن و همراه آن نباشد.

وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورَهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَهُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَاهْدِمِ

خدایا، تمام ظلمت‌ها را با نور او روشن و تمام بدعت‌ها و گمراهی‌ها را از برکت او متلاشی

بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمِ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَأَهْلِكْ

کن و تمام متکبران را در هم بکوب و آتش فتنه‌ها را با شمشیر او خاموش و با عدلش همه

بِعَدْلِهِ كُلَّ جَائِرٍ وَأَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

ظالمان را هلاک و حکم او را بر تمام احکام جاری و سلطنتش را بر همه سلاطین مسلط گردان.

اللَّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَاهُ

خدایا، هر کسی که نسبت به او قصد بد کند، خوار و دشمنانش را هلاک

وَاسْتَأْصِلْ بِمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ

و مکارانش را مکر و منکرین و تعقیر کنندگان و تلاشگران برای خاموش کردن

وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى

نور و یادش را خاموش و آواره کن. خدایا، بر محمد مصطفی و علی مرتضی

وَقَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَالْحَسَنِ الرَّضَا وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى وَجَمِيعِ

و فاطمه تابان و حسن راضی و حسین برگزیده و همه جانشینان و چراغ‌های

الْأَوْصِيَاءِ وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ التَّقَى وَالْعُرْوَةِ

تابان هدایت و پرچم‌های هدایت و مناره‌های تقوا و دستاورهای مستحکم

الْوُثْقَى وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ. وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ

و ریسان‌های هدایت و راه مستقیم درود و سلام فرست. خدایا، بر ولیات و والیان

عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ وَمُدَّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ

عهد و امامان از فرزندان درود فرست و بر عمرهایشان بیفزای و به بزرگترین

أَقْصَى آمَالِهِمْ دِيناً وَدُنْيَا وَآخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.

دو قنوت از امام زمان علیه السلام

دعای چهاردهم

قنوت مولانا صاحب الزمان علیه السلام ۱

قزوینی و بغدادی نقل می‌کنند که روزی در خدمت استادمان بودیم. که سخن از امام حسن بن علی علیه السلام پیش آمد. یکی از شاگردها گفت: مردم از او ناراحت و عصبانی هستند؛ زیرا حکومت را به آل ابوسفیان واگذار کرد! استادمان فرمود: من مولایمان حسن بن علی را بالاتر از آن می‌دانم که کاری از او سربرزند که برای اندیشمندان و خرده گیران و شکاکان جای اشکال کردن باقی بماند.^۲ ایشان ادامه دادند زمانی که شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان علیه السلام وفات کرد، شیخ

۱. بحار الأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۱۱ / باب ۲۳ - فی القنوتات الطویلة المرویة؛ مهج الدعوات / ص ۲۵ / ذکر قنوتات الأئمة الطاهرين علیهم السلام.

۲. امام حسن علیه السلام از شجاعتی بی نظیر برخوردار بود. او کسی بود که در جنگ جمل، از میان باران تیرها عبور کرد و شتر عایشه را پی کرد و ضربه‌ای کاری بر آنها وارد ساخت. او کسی بود که در جنگ صفین بیشترین و خطرناکترین حمله‌ها را انجام داد. در برخی از تاریخ‌های معتبر آمده است که حضرت امیر علیه السلام می‌فرمود: جلوی حسن را بگیرید و نگذارید تا این حد بی پروا حمله کند. ممکن است که به او آسیبی برسد.

در یک ارزیابی منصفانه از صلح امام علیه السلام باید گفت: صلح امام در شرایط خاص زمانی و مکانی خود، بهترین کاری بود که ممکن بود انجام بگیرد. جفا و خیانت دوستان و عموزادگان، بی وفایی مردم در جنگ‌ها، نفوذ فراوان امویان، عدم حمایت بزرگان، خطر حمله روم در اثر تضعیف حکومت مرکزی همه و همه از دلایلی بودند که در تصمیم امام علیه السلام موثر بودند. گذشته از این که صلح گزینه‌ای نبود که امام انتخاب کند. بلکه مردم از جنگ خسته شده بودند و خود خواستار صلح شدند.

برای مطالعه بیشتر به کتب مربوطه مراجعه شود.

ابوالقاسم حسین بن روح در جای او نشست و بقیه آن روز را در خانه محمد بن عثمان به امورات رسیدگی کرد. ذکاء خادم، سه چیز را که عبارتند از: کاغذی نوشته شده، عصا و ظرف چوبی تراشیده و روغن مالی شده، خارج کرد. ایشان آنها را گرفتند و عصا را در میان ران‌های خود گذاشتند و کاغذ را در دست راست و ظرف چوبی را در دست چپشان گرفتند و به ورثه محمد بن عثمان رضی الله عنه گفتند: در این نامه امانت‌هایی آمده است. بعد آن را باز کرد. دیدند که در آن دعاها و قنوت‌هایی از حضرات معصومین آمده است. از آن دست برداشتند و گفتند: حتماً در این ظرف چوبی اشیائی گرانبها وجود دارد. حسین بن روح گفت: آیا آن را می‌فروشید؟ گفتند: به چه قیمتی؟ حسین بن روح رضی الله عنه گفت: ای ابوالحسن کوثری ده دینار به آنها بده. اما آنها نپذیرفتند. تا اینکه قیمت به صد دینار رسید. خطاب به آنها گفت: اگر این صد دینار را قبول نکنید، پشیمان می‌شوید. آنها هم قبول کردند و صد دینار را گرفتند. حسین بن روح نامه و عصا را از اول استثناء کرده بود که در قبال این معامله، این دو نیز مال او باشند.

وقتی که معامله تمام شد، گفت: این عصای مولایمان امام عسکری رضی الله عنه است. ایشان در روزی که سرورم محمد بن عثمان را به وکالتشان نصب می‌کردند، این عصا را به دست داشتند. این ظرف چوبی هم که می‌بینید، حاوی انگشترهای ائمه است. درش را باز کرد و آنها را درآورد. همان طور که می‌گفت از جواهر و نقش‌ها

وتعدادشان روشن بود که آنها متعلق به ائمه است. در کاغذ نیز قنوت‌های ائمه نوشته شده بود....

و اما قنوت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنْجَارٍ وَعَدِكَ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و اولیایت را با محقق کردن وعده خودت، گرامی دار و به نصرت

و بَلِّغْهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ نَصَبَ

و غلبه‌ای که آرزو می‌کنند، برسان و گرفتاری کسانی را که بنای تخلف از تو را گذاشتند و از نوامی تو نترسد

الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَاسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ

کردند و به مخالفتت پرداختند، از ایشان بردار. کسانی که از نعمت‌های تو برای شکستن حدودت کمک گرفتند

عَلَى فَلْ حَدِّكَ وَقَصِدْ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ وَوَسِعْتَهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى

و با دست تو قصد مکر کردن با تو را کردند. تو نیز با وسعت حلمت با آنها برخورد کردی تا اینکه با آشکارا

جَهْرَةً أَوْ تَسْتَأْصِلُهُ عَلَى عِزَّةٍ فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ حَتَّى

او را بگیری و عذاب کنی، یا اینکه به او مهلت دهی و به تدریج او را نابود کنی. خدایا، تو خود

إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ

گفتی و سخن تو نیز حق است: «تا جایی که زمین زیبا شد و خود را زینت کرد و اهل دنیا گمان کردند

عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَنَ

که آنها قادر بر نگه داشتن آن هستند. عذاب ما شب یا روز آمد و همه آنها را درو کرد. گویا همان‌ها نبودند

بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نَفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَقُلْتَ فَلَمَّا آسَفُونَا

که تا دیشب مدعی بی‌نیازی از خدا بودند. ما نشانه‌های خود را به این صورت برای اهل فکر و اندیشه

اِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْعَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لِنَغْضِبُكَ غَاضِبُونَ

بیان می‌کنیم»^۱ همین‌طور گفتی: «زمانی که ما را به غضب آوردند، از آنها انتقام گرفتیم.»^۲ پایان کار نزد

وَأِنَّا عَلَىٰ نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَإِلَىٰ وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ

ماست و ما با غضب تو، به غضب می‌آیم. ما بر باری حق پافشاری می‌کنیم و به ورود امر تو در جنگ با آنان،

وَلِإِنبَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحَوْلِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

مشتاقیم و منتظر تحقق وعده تو هستیم و توقع آن را داریم تا دشمنانت را در احاطه وعیدت قرار دهی.^۳

اللَّهُمَّ قَادِنِ بِذَلِكَ وَافْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّئْ مَسَالِكَهُ

خدایا، آن را ازاده کن و راه‌هایش را بگشا و خروجش را آسان کن و راه‌هایش را بگشا و هموار

وَاشْرَعْ شَرَائِعَهُ وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ وَبَادِرْ بِأَسْكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

گردان واو و یارانش را با سربازانت یاری کن و غضبت را به سرعت بر ظالمان نازل کن و شمشیر

وَإِسْطِ سَيْفِ نَقِمَتِكَ عَلَىٰ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ وَخُذْ بِالنَّارِ إِنَّكَ جَوَادُ مَكَارٍ

انتقامت را بر دشمنان لجوجت بکش و انتقام خون‌های مظلومان را بگیر. تو اهل جود و مکر هستی.

۱. یونس / ۲۴.

۲. زخرف / ۵۵.

۳. وعده زمانی به کار برده می‌شود که چیز خوبی در انتظار باشد. اما اگر اتفاق بدی در

انتظار باشد، به آن وعید گفته می‌شود.

دعای پانزدهم

دعای دیگری از امام علیه السلام در قنوت نماز^۱

اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ

خدایا، تو مالک عالم هستی و ملک خود را به هر که خواهی واگذار می‌کنی و از هر که خواهی می‌گیری.

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر که را بخواهی عزت می‌بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می‌کنی. تمام خیرها به دست توست. تو بر هر

يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ

چیزی توانا هستی. ای باشکوه، ای بخشنده، ای صاحب جلال و بزرگواری، ای حمله کننده، ای قادر

يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ يَا رَعُوفٌ يَا رَحِيمٌ يَا لَطِيفٌ يَا حَيُّ

بر حمله‌های شدید، ای انجام دهنده هر کاری که بخواهد، ای صاحب نیروی خلل‌ناپذیر، ای دلسوز

حِينَ لَا حَيٍّ. اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ

و مهربان، ای بخشنده، ای زنده، زمانی که زندگای نبود. خدایا، از تو می‌خواهم با نام‌های پنهان و زنده

الَّذِي اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَلَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ.

و قوام بخش، که تنها تو در علم غیبت بر آنها آگاهی یافتی و کسی غیر از خودت بر آنها واقف نیست.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ وَبِهِ

و از تو می‌خواهم با نامی که مخلوقات را در ارحام مادران، آن طور که خواهی، صورت می‌بندی

۱. بحار الأنوار / ج ۸۲ / ص ۲۲۲ / باب ۲۳ - في القنوتات الطويلة المروية: مهج الدعوات /

تَسُوْقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ العُرُوقِ وَالْعِظَامِ.

و با آن نام روزی‌هایشان را در طبقات تاریکی‌ها و از میان رگ‌ها و استخوان‌ها می‌رسانی.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتَ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْفَتَ بَيْنَ الثَّلْجِ

و از تو می‌خواهم با اسمی که با آن، دل‌های دوستانت را به هم پیوند زدی و برف

والتَّارِ لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

و آتش را مانوس گرداندی. که هیچ کدام مانع از دیگری نمی‌شوند. و از تو می‌خواهم

كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ المِيَاهِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ المَاءَ فِي

با نامی که با آن، طعم آب‌ها را به وجود آوردی و از تو می‌خواهم با نامی که با آن،

عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَسُقَّتِ المَاءَ إِلَى عُرُوقِ الأشْجَارِ بَيْنَ

آب را در رگ‌های ریشه درختان در زیر زمین به حرکت در آوردی و آب را به ریشه‌های درختانی

الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَاللَّوَانِهَا.

که میان صخره‌های سخت هستند، سوق دادی. و از تو می‌خواهم با نامی که با آن، طعم و رنگ

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَتُعِيدُ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ

میوه‌ها را پدید آوردی. و از تو می‌خواهم با نامی که با آن، خلق می‌کنی و بعد از مرگ، باز می‌گردانی.

المُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و از تو می‌خواهم با نامی که فرد و واحد و متفرد به یگانگی است. و از تو می‌خواهم با نامی که با

الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَسُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ.

آن آب را از میان صخره‌های سخت منفجر کردی و آن را از هر جا که خواستی تأمین کردی.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ

واز تو می‌خواهم با آن نامی که با آن، موجودات را آفریدی و هر طور که خواستی و خواستند. روزیشان را داد.

شَاءُوا يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ

ای کسی که روزگار در او تغییری ایجاد نمی‌کند. تو را با آن نامی می‌خوانم که نوح خواند. آنگاه که ندا کرد

نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَ قَوْمَهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ

و تو نیز او را به همراه دوستانش نجات دادی و قومش را هلاک کردی. تو را با نامی می‌خوانم که ابراهیم خلیل

خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَأَدْعُوكَ

تو را با آن خواند و تو نیز او را نجات دادی و آتش را سرد و خنک کردی. تو را با نامی می‌خوانم که موسی

بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ فَفَرَّقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي

کلیم تو را با آن خواند. تو نیز دریا را از هم باز کردی و او را به همراه بنی اسرائیل نجات دادی و فرعون و قومش

إِسْرَائِيلَ وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى

را غرق نمودی. تو را با نامی می‌خوانم که عیسی روح‌تو را با آن خواند و تو او را از دست دشمنانش

رُوحَكَ حِينَ نَادَاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ

نجات دادی و به سوی خود بالا بردی. تو را با آن نامی می‌خوانم که دوست و برگزیده و پیامبرت

بِهِ حَبِيبِكَ وَصَفِيكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجِيَّتَهُ

محمد ﷺ، تو را با آن خواند. تو نیز دعایش را مستجاب کردی و از جنگ قبایل مختلف نجات دادی و بر

وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ

دشمنانت علیه دادی. و از تو می‌خواهم با آن نامی که اگر با آن نام خوانده شوی، اجابت می‌کنی. ای کسی

يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَأَخْصَى كُلَّ

که خلق و اراده امور به دست اوست. ای کسی که علمش بر هر چیزی احاطه پیدا کرده است و تعداد

شَيْءٍ عَدَدًا يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ

همه چیز را شمارش کرده است. ای کسی که تغییر شب و روز تغییری در او ایجاد نمی‌کند و صداها بر او

الْأَصْوَاتُ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاتُ وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِحِينَ.

مشبه نمی‌شود و زبان‌های مختلف برایش مجهول نمی‌ماند و اصرار اصرار کنندگان او را خسته نمی‌کند.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ فَصَلِّ

می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی؛ آنان که بهترین خلق تو هستند. بنابراین

عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ

بهترین صلوات‌هایت را برایشان فرست و بر تمام پیامبران و مرسلین که به هدایت رسیدند

بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى وَعَقَّدُوا لَكَ الْمَوَاقِيقَ بِالطَّاعَةِ وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادَكَ

و عهد و پیمان‌هایی برای اطاعتت بستند و بر بندگان صالحت درود فرست. ای کسی که

الصَّالِحِينَ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي

در وعده‌هايت تخلف نمى‌كنى وعده‌اى را كه به من داده‌اى محقق كن. اصحابم را

أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ وَأَنْصُرْنِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ

جمع كن وصبرشان را بيشتر نما و مرا بر دشمنانم و دشمنان پيامبرت يارى كن و دعايم

دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ سَيِّدِي أَنْتَ

را برنگردان؛ زيرا من بنده و فرزند بنده و كنيز تو، در برابر اراده‌ات اسير هستم.

الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ.

سرورم تو بودى كه مرا به اين مقام مخصوص كردى و بر اكثر مخلوقات فضيلت دادى.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي

از تو مى‌خواهم كه بر محمد و خاندانش درود فرستى و وعده‌ام را محقق گردانى؛

إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

زيرا تو در گفتارت صادق و در وعده‌ات استوارى و تو بر هر چيزى تواناى دارى.

امام زمان و زیارت شهدای کربلا

دعای شانزدهم

زیارت ناحیه مقدسه یا زیارت امام زمان علیه السلام از امام حسین علیه السلام^۱
هرگاه خواستی که در روز عاشورا آن حضرت را زیارت کنی،
کنار قبر شریفشان بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ السَّلَامُ عَلَى شِيثٍ وَلِيِّ اللَّهِ

سلام بر آدم، برگزیده خدا از میان مخلوقاتش. سلام بر شیث، ولی و منتخب خدا.

خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ

سلام بر ادريس که برای خدا اقامه دلیل کرده است. سلام بر نوحی که مستجاب الدعوت

الْمَجَابِ فِي دَعْوَتِهِ السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ

است. سلام بر هودی که از سوی خدا یاری شد. سلام بر صالح که از لطف خدا،

السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ لِلَّهِ بِكِرَامَتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي

متوجه او شد. سلام بر ابراهیمی که خداوند لباس دوستی خود را به تنش کرد.

حَبَّاهُ اللَّهُ بِخَلَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ

سلام بر اسماعیل که خداوند او را با قربانی بهشتی، از قربانی شدن، نجات داد.

جَنَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ السَّلَامُ

سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در نسل او قرار داد. سلام بر یعقوبی که خداوند

عَلَى يَغُثِّبِ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ

از سر رحمت، بینایی چشمانش را به او برگرداند. سلام بر یوسفی که خداوند

الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ

با عظمت خود او را از چاه بیرون آورد. سلام بر موسی که خدا با قدرتش دریا را

الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ السَّلَامُ

برایش شکافت. سلام بر هارون که او را به نبوتش مخصوص کرد. سلام بر شعیب

عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي

که خدا او را در برابر قومش یاری کرد. سلام بر داود که خداوند خطایش را

تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ

بخشید. سلام بر سلیمان که با عزت خدا، اجنه در برابرش خوار شدند. سلام بر

الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَّاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ السَّلَامُ

ایوبی که خداوند او را شفا داد. سلام بر یونس که خدا وعده تضمینی خود

عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَرَ اللَّهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ السَّلَامُ عَلَى عَزْرِيْرٍ

را در مورد او عملی کرد. سلام بر عزیر که خدا او را بعد از مرگش زنده کرد.

الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتِهِ السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ

سلام بر زکریایی که در سختی‌ها صبور بود. سلام بر یحیی که خدا او را با

السَّلَامَ عَلَىٰ يَحْيَىٰ الَّذِي أَرْزَلَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ عِيسَىٰ

شهادتش زینت داد سلام بر عیسی روح خدا و مخلوق او سلام بر محمد.

رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ

دوست خدا ومنتخب او سلام بر امیر المؤمنین، علی بن ابیطالب که برای

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأَخُوَّتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ

برادری پیامبر انتخاب شد. سلام بر فاطمه زهرا دخترش سلام بر ابی محمد حسن

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ

وصی و جانشین پدرش سلام بر حسین که سخاوتمندانه خوش را

وَخَلِيفَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ السَّلَامَ

تقدیم کرد سلام بر کسی که در پنهان و بی‌دعا از خدا اطاعت کرد.

عَلَىٰ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ

سلام بر کسی که شفا در تربش قرار داده شد. سلام بر کسی که اجابت

فِي تَرْبَتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ مَنْ الْأَنْعَمَةُ

دعا در زیر قبه او قرار داده شد. سلام بر امامانی که از نسل او هستند.

مِنَ ذُرِّيَّتِهِ السَّلَامَ عَلَىٰ ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامَ عَلَىٰ ابْنِ سَيِّدِ

سلام بر فرزند خاتم الانبیاء، سلام بر فرزند سرور اوصیاء الهی^۱

۱. مقصود از سرور اوصیای الهی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد.

الأَوْصِيَاءِ السَّلَامِ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامِ عَلَى ابْنِ خَدِيجَةَ

سلام بر فرزند فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری.

الْكُبْرَى السَّلَامِ عَلَى ابْنِ سِدْرَةَ الْمُنتَهَى السَّلَامِ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَاوَى

سلام بر فرزند سدره المنتهی^۱ سلام بر فرزند جنت‌الماوی.

السَّلَامِ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا السَّلَامِ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدِّمَاءِ السَّلَامِ

سلام بر فرزند زمزم و صفا، سلام بر آغشته به خون، سلام بر کسی

عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ السَّلَامِ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ

که خیمه‌هایش هتک حرمت شدند. سلام بر پنجمین از اهل کساء.^۲

السَّلَامِ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ السَّلَامِ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ السَّلَامِ عَلَى

سلام بر غریب‌ترین، سلام بر مظلوم‌ترین شهید، سلام بر کشته شده توسط

قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ السَّلَامِ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءِ السَّلَامِ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ

دعوت کنندگان، سلام بر ساکن کربلا، سلام بر کسی که ملائکه آسمان برایش

۱. سدره المنتهی نام محلی است که در آسمان چهارم قرار دارد. آنجا همان محلی است

که جبرئیل از همراهی پیامبر در شب معراج عاجز ماند و نتوانست داخل آن شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام دلیل این نام‌گذاری چنین بیان شده است که نامه‌های اعمال بندگان در منطقه‌ای پایین‌تر از آن توسط ملائکه الهی ثبت و ضبط می‌شود. از این رو به آن سدره المنتهی گفته می‌شود؛ زیرا اعمال انسان به آن منتهی می‌گردد.

۲. پنج تن آل کساء یا آل عبا رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت صدیقه

کبری و حسنین می‌باشند.

مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ السَّلَامِ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ السَّلَامِ عَلَى يَغْسُوبِ

گریستند، سلام بر کسی که نسل او انسان‌های طاهر هستند، سلام بر پناه دین،

الدِّينِ السَّلَامِ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ السَّلَامِ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ

سلام بر محل نزول برهان و دلیل، سلام بر ائمه بزرگوار،

السَّلَامِ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضْرَجَاتِ السَّلَامِ عَلَى الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ

سلام بر گریبان‌های چاک خورده و غرق در خون، سلام بر لب‌های خشک،

السَّلَامِ عَلَى النَّفُوسِ الْمُضْطَلَّمَاتِ السَّلَامِ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ

سلام بر اشخاص تکه تکه شده، سلام بر ارواح ربوده شده،

السَّلَامِ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ السَّلَامِ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاجِبَاتِ

سلام بر اجساد عریان، سلام بر اجسام متغیر و رنگ پریده،

السَّلَامِ عَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ السَّلَامِ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقْطَعَاتِ

سلام بر خون‌های جاری، سلام بر اعضای قطعه قطعه شده،

السَّلَامِ عَلَى الرُّءُوسِ الْمُشَالَاتِ السَّلَامِ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ

سلام بر سرهای بریده شده، سلام بر زن‌های بدون حرم و پوشش،

السَّلَامِ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

سلام بر حجّت پروردگار عالمیان، سلام بر تو و بر پدران پاکت،

الطَّاهِرِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أبنَائِكَ الْمُشْتَشَهَدِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ

سلام بر تو و بر پسران شهیدت، سلام بر تو بر نسل یاریگرت،

وَعَلَىٰ ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ

سلام بر تو و ملائکه‌ای که در حرم تو مستقر شده‌اند.

السَّلَامَ عَلَى الْقَبِيلِ الْمَظْلُومِ السَّلَامَ عَلَىٰ أَخِيهِ الْمَسْمُومِ السَّلَامَ

سلام بر تو ای کشته مظلوم، سلام بر کسی که برادرش مسموم شد،

عَلَىٰ عَلِيِّ الْكَبِيرِ السَّلَامَ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ السَّلَامَ عَلَى الْأَبْدَانِ

سلام بر تو ای بزرگ من، سلام بر طفل شیرخوار، سلام بر بدن‌های ربوده شده،

السَّلَامَ عَلَى الْعُرَّةِ الْقَرِيبَةِ السَّلَامَ عَلَى الْمَجْدَلِينَ فِي

سلام بر خاندان نزدیک، سلام بر به خاک افتادگان در صحرا،

الْقَلَوَاتِ السَّلَامَ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ السَّلَامَ عَلَى الْمَدْفُونِينَ

سلام بر آواره شدگان از وطن‌ها، سلام بر دفن شدگان بدون کفن،

بِلا أَكْفَانِ السَّلَامَ عَلَى الرُّءُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ السَّلَامَ عَلَى

سلام بر سرهای جدا از تن، سلام بر امیدوار به رحمت و صابر در بلا،

الْمُخْتَسِبِ الصَّابِرِ السَّلَامَ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلا نَاصِرِ السَّلَامَ عَلَى سَاكِنِ

سلام بر مظلوم بدون یاور، سلام بر ساکن در خاک یاک،

التُّرْبَةُ الزَّائِكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَّةِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ

سلام بر کسی که صاحب گنبد نامدار است، سلام بر کسی که خدا او را طهارت داد،

طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جِبْرَيْلُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ

سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار کرد، سلام بر کسی که میکائیل

نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ نُكِثَتْ ذِمَّتُهُ السَّلَامُ عَلَى

در گهواره برایش لایلی خواند، سلام بر کسی که پیمانش شکسته شد،

مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که حرمتش شکسته شد، سلام بر کسی که مظلومانه خونش ریخته شد،

الْمُعْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ بِكَاسَاتِ الرِّمَاحِ السَّلَامُ

سلام بر کسی که با خون جراحاتش غسل داده شد، سلام بر کسی که با کاسه‌های

عَلَى الْمَضَامِ الْمُسْتَبَاحِ السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى السَّلَامُ

جراحاتش آبیاری شد، سلام بر کسی که خونش مباح شد، سلام بر کسی که از

عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ السَّلَامُ عَلَى

پشت سر بریده شد، سلام بر کسی که او را اهل روستا دفن کردند، سلام بر کسی

الْمَحَامِي بِلَا مُعِينِ السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ

که رگ قلبش بریده شد، سلام بر حامی بدون یاور دین، سلام بر محاسن آغشته به خون،

التَّرِيبِ السَّلَامِ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيمِ السَّلَامِ عَلَى الشَّعْرِ الْمَقْرُوعِ

سلام بر گونه‌های خاک آلود، سلام بر بدن بریده بریده، سلام بر زیر دندان‌های کوبیده

بِالْقَضِيبِ السَّلَامِ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ السَّلَامِ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ

شده با چوب، سلام بر سر بلند شده بر فراز نیزه‌ها، سلام بر اجسام عریان در صحراها

فِي الْفَلَوَاتِ تَنْهَشُهَا الذَّنَابُ الْعَادِيَاتُ وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ

که گرگ‌های درنده^۱ آن را به دندان گرفتند و درندگان خونخوار در میان آنها رفت

الضَّارِيَاتُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ

وآمد کردند، سلام بر تو ای مولا و سرور من و بر ملائکه، که بال‌ها را گشوده و در

قُبَّتِكَ الْحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ

اطراف گنبدت حرکت می‌کنند و حریم تو را طواف می‌نمایند و برای زیارتت وارد می‌شوند.

السَّلَامَ عَلَيْكَ فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَرَجَوْتُ الْقَوْزَ لَدَيْكَ

سلام بر تو، من به پیشگاه تو آمدم و امیدوارم که در نزد تو به موفقیت برسم.

السَّلَامَ عَلَيْكَ سَلَامَ الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ الْمُخْلِصِ فِي وَلَايَتِكَ الْمُتَقَرِّبِ

سلام بر تو، سلام کسی که حرمت تو را می‌شناسد و در ولایتت خالص شده است و با محبت تو به خدا

۱. مقصود از آن لشکریان دشمن است، نه گرگ‌های واقعی؛ زیرا اجسام انبیاء و اولیا بر آنان حرام است.

إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ

تقرّب می‌جوید و از دشمنانت بیزار است. سلام کسی که قلبش در مصیبت تو مجروح و اشکش به هنگام

وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ سَلَامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ

یاد تو جاری است. سلام داغداری که محزون و دلداغه و برجای مانده است. سلام کسی که اگر در

سَلَامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْكَ أَنْفُسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ وَبَدَلَ

میدان جنگ با تو بود، تو را با سپر کردن خود در برابر شمشیرها محافظت می‌کرد و جانش را برای

حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحَتُوفِ وَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى

تو فدا می‌کرد و در مقابلت مجاهدت می‌نمود و در برابر متجاوزان، تو را یاری می‌کرد و جان

عَلَيْكَ وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً

و جسم و مال و فرزند را فدای تو می‌کرد. آری روحش را فدای روح، خانواده‌اش را فدای خانواده‌ات

وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً فَلَيْتُنِي أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ وَعَاقِبِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ

می‌نمود. اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری در حدّ مقدور، محروم کرد. در نتیجه نتوانستم

وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً

با دشمنانت، دشمنی و با کسانی که پایه‌گذاران خصومت با تو بودند، خصومت نمایم. در مقابل صبح

فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَالْأَبْكِينَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا حَسِرَةً عَلَيْكَ

و شام برایت ندبه و مرثیه می‌خوانم و به جای اشک، خون حسرت می‌گیرم. حسرت و تاسف بر

وَتَأْسُفًا عَلَىٰ مَا دَهَاكَ وَتَلَهْفًا حَتَّىٰ أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَغَضَبِ الْإِكْتِيَابِ

فاجعه‌ای که برایت رخ داد و غم و غصه تا زمانی که از شدت مصیبت تو بسوزم و بمیرم.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ

شهادت می‌دهم که: تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی و امر به معروف

عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانَ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا عَصَيْتَهُ وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ

و نهی از منکر نمودی و مطیع خدا بودی و معصیتش را نکردی و به او دستاویزش

فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشِيْتَهُ وَرَاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ وَسَنَّتَ السُّنْنَ وَأَطَقَاتَ الْفِتْنَ

چسبیدی، در نتیجه او را از خود راضی کردی و ترسیدی و مراقب اطاعتش بودی

وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقًّا

و اوامرش را اجابت کردی و سنت‌هایش را سنت کردی و فتنه‌ها را خاموش نمودی

الْجِهَادِ وَكُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا

و به سوی رشد و بالندگی هدایت کرده و راه‌های پایداری را روشن و در مسیر او

وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا وَإِلَىٰ وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا وَلِعِمَادِ الدِّينِ رَافِعًا

جهاد نمودی، مطیع خدا و پیرو جدت و تابع پدرت و عمل کننده به وصیت برادرت

وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحًا وَفِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ

و بلند کننده ستون‌های دین و قلع و قمع کننده طغیان کنندگان و درهم کوبنده

سَابِحاً وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحاً وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً وَلِلْمُسْلِمِينَ

سرکشان و خیرخواه امت و شناور در تنگنای مرگ و مجازات کننده فاسقان

رَاحِماً وَلِلْحَقِّ نَاصِراً وَعِنْدَ الْبَلَاءِ صَابِراً وَلِلدِّينِ كَالْتَأْتِ وَعَنْ حَوَزَتِهِ

و قیام کننده با ادله الهی و دلسوز برای اسلام و مسلمانان و یاریگر حق و صبور در بلا

مُرَامِياً تَحُوطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ وَتَنْصُرُ الدِّينَ

و یاور دین و محافظت کننده از محدوده آن و یاریگر هدایت و گسترش دهنده

و تَنْظِرُهُ وَتَكْفُ الْعَابِثَ وَتَزْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ وَتُسَاوِي

عدالت و پشیمان دین و نهی کننده از بیهودگیها و جلوگیری از پستیها در

فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِي وَالضَّعِيفِ كُنْتَ رَبِيعَ الْاَيْتَامِ وَعِصْمَةَ الْاَنْامِ

تعرض به شریفها و عادل در حکم میان قوی و ضعیف. تو پناه یتیمها و نگهدار

وَعِزَّةَ الْاِسْلَامِ وَمَعْدِنَ الْاَحْكَامِ وَحَلِيفَةَ الْاِنْعَامِ سَالِكاً طَرَاتِقَ جَدِّكَ

انسانها و عزت اسلام و معدن احکام و مهمان نواز، ادامه دهنده راه جد و پدرب،

وَأَيْبِكَ مُشَبَّهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ وَفِي الدِّمَمِ رَضِيَ الشِّيمِ ظَاهِرَ

عمل کننده به وصیت برادر، خوش عهد، خوش رفتار، بزرگووار، شب زنده دار،

الْكَرَمِ مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ قَوِيمَ الطَّرَاتِقِ كَرِيمَ الْخَلَائِقِ عَظِيمَ السَّوَابِقِ

سالك راههای مطئن، بخشنده به بندگان خدا، سابقه دار بزرگ، با نسب شریف.

شَرِيفَ النَّسَبِ مُنِيفَ الْحَسَبِ رَفِيعَ الرَّتَبِ كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ مَحْمُوداً

بلند مرتبه، صاحب فضائل فراوان، نیک سرشت، بسیار بخشنده، بردبار، جوانمرد،

الضَّرَائِبِ جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ إِمَامٌ

نیک رفتار، بخشنده دانای مستحکم، امام شهید متضرع، اناهی کننده و دوست

شَهِيدٌ أَوَاهُ مُنِيبٌ حَبِيبٌ مَهِيبٌ كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدًا

با هیت، تو برای رسول خدا، فرزند و برای قرآن، تابع و برای امت، بازو بودی.

وَلِلْقُرْآنِ مُنْقِداً وَلِلْأُمَّةِ عَضُداً وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِداً حَافِظاً لِلْعَهْدِ

در اطاعت خدا تلاشگری مراقب و در وعده و پیمان عمل کننده، تو اهل رکوع

وَالْمِيثَاقِ نَاكِباً عَنِ سُبُلِ الْفُسَاقِ وَبِأَذْلَى لِلْمَجْهُودِ طَوِيلَ الرُّكُوعِ

و سجده های طولانی بودی، در دنیا مانند کسی که به زودی عبور می کند،

وَالسُّجُودِ زَاهِداً فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا نَاطِراً إِلَيْهَا بِعَيْنِ

زهد می ورزیدی، از آن وحشت داشتی، برای آن آرزویی نداشتی و برای ترنین

الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا آمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ

آن تلاش نمی کردی و چشمانت از خوشی های آن بسته شده و علاقهات برای

وَالْحَاطِظَكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ وَرَغْبَتِكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ حَتَّى إِذَا

آخرت معروف است، حتی زمانی که ظلم دستش را گشود و نیزه اش را برهنه کرد

الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنَاعَهُ وَدَعَا الْغِيَّ أَتْبَاعَهُ وَأَنْتَ فِي حَرَمِ

ویارانش را جمع کرد. تو در حرم جدّت نشسته بودی و از آنها فاصله گرفته

جَدِّكَ قَاطِنٌ وَلِلظَّالِمِينَ مُبَايِنٌ جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ مُعْتَزِلٌ عَنِ

بودی. در محراب از لذتها و شهوات دنیا کناره گرفته بودی. منکر را با قلب

اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ عَلَى حَسْبِ طَاقَتِكَ

و زیانت، در حد توانت، نهی می‌کردی. بعد از آن علم، باعث انکار شد و واجب شد

وَإِمْكَانِكَ ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ فَسِرْتَ

که با ظالمان جهاد کنی. در نزد خانواده و شیعیان و دوستان رفتی و ظالمان را

فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيكَ وَشِيعَتِكَ وَمَوَالِيكَ وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيْتَةَ

با حکمت و موعظه نیکو، به سوی خدا دعوت کردی و از آنها خواستی تا

وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ

احکامات را عملی کنند و از معبودشان تبعیت نمایند و از بدی‌ها

وَالطَّاعَةَ لِلْمَعْبُودِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ وَوَاجَهُوكَ بِالظُّلْمِ

و طغیانگری نهی کردی. آنها در مقابل با ظلم و دشمنی با تو روبرو شدند.

وَالْعُدْوَانَ فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيْعَازِ لَهُمْ وَتَأَكِيدُ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ.

در نهایت نیز بعد از موعظه و اتمام حجّت با آنها جنگیدی.

فَنَكْتُوْا ذِمَامَكَ وَبَيْعَتَكَ وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ وَبَدَّءُوكَ بِالْحَرْبِ

آنان پیمان و بیعت خود را شکسته و خدا و جدت را به غضب آورده

فَتَبَّتْ لِلظُّعْنِ وَالضُّرْبِ وَطَحْنَتْ جُنُودَ الْفَجَّارِ وَاقْتَحَمَتْ قَسْطَلَ الْغُبَارِ

و جنگ را شروع کردند. تو نیز ضربات خود را آغاز کردی و سربازان دشمن را

مُجَالِدًا بِذِي الْفَقَارِ كَأَنَّكَ عَلَيَّ الْمُخْتَارُ فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ غَيْرِ

در هم کوبیدی و با ذوالفقار در گرد و غبار فرو رفتی گویا تو علی برگزیده هستی!

خَائِفٍ وَلَا خَاشٍ نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ

زمانی که ثبات قدم و بی باکی تو را دیدند، از در مکر و خدعه وارد شدند

وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرَّوَدَهُ وَنَاجَزُوكَ الْفِتَالَ وَعَاجَلُوكَ

و با مکر جنگیدند. آن ملعون دستور داد تا راه فرات را ببندند و برای زمین گیر کردن

النُّزَالِ وَرَشَقُوكَ بِالسِّهَامِ وَالنَّبَالِ وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكْفَ الْأِضْطِلَامِ

تو از هیچ اقدامی کوتاهی نکردند و تیرها را به سویت روانه ساخته و دست تعرض

وَلَمْ يَزْعُوا لَكَ ذِمَامًا وَلَا رَاقِبُوا فِيكَ أَثَامًا فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ وَنَهَبِهِمْ

به حریمت گشودند و هیچ حرمت و حریمی را محترم ندانستند چه در کشتن نزدیکان

رِحَالِكَ وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ وَمُخْتَمِلٌ لِلذَّيَّاتِ قَدْ عَجِبْتَ مِنْ

و به غارت بردن دار و نداشتن آری تو در گرد و غبار فرو رفتی و اذیتها را

صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ فَأَخَذُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَأُخْتُوكَ

تحمل نمودی تا جایی که ملائکه آسمانها از صبر تو به شگفت آمدند. تا این که

بِالْجِرَاحِ وَحَالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرِّوَّاحِ وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ

آنها از هر سو متوجه تو شدند و جراحتهای زیادی وارد کردند و تمام راههای رهایی را

صَابِرٌ تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ فَهَوَيْتَ

بر تو بستند و یابوری برایت نگذاشتند. تو بر همه اینها صبر کردی. تو آنها را از خانواده

إِلَى الْأَرْضِ جَرِيحاً تَطُّوكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا أَوْ تَعْلُوكَ الطُّغَاةُ

خود میرانندی تا این که تو را با تن زخمی از اسبست به زمین انداختند و اسبها با سمهایشان

بِبَوَاتِرِهَا قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِبَاضِ وَالْإِنْبِسَاطِ

تو را زیر پای خود کوبیدند و فاسقان بی مقدار بر بالای سرت ایستادند. پیشانی ت برای

شِمَالِكَ وَيَمِينِكَ تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ وَقَدْ شُغِلَتْ

مرگ عرق کرده بود و راست و چپ تنت از شدت درد منقبض و منبسط می شد. به آرامی چشمانت

بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهْلِيكَ وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِداً إِلَى خِيَامِكَ قاصِداً

را به سمت خیمه گاه و خاندانت چرخاندی؛ زیرا نگرانیشان بودی. اسب ت با سرعت به

مُحَمِّمًا بِأَكْبَا فَلَمَّا رَأَيْنِ النِّسَاءَ جَوَادِكَ مَخْزِياً وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ

سوی خیمه گاه برگشت. شبهه می کشید و گریه می کرد! زمانی که زنان حرم اسب ت

مَلُوبِيًّا بَرَزَنَ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لَا طِمَاتٍ

را پریشان وزین آن را خالی از تو دیدند. از خیمه‌ها بیرون ریختند. موهایشان را

لِلْوُجُوهِ سَافِرَاتٍ وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتٍ وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتٍ وَإِلَى مَصْرَعِكَ

پریشان کرده و بر صورتشان زدند. نقاب از چهره‌هایشان انداخته و فریاد و اویلا

مِبَادِرَاتٍ وَالشَّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ وَمَوْلَعٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ قَابِضٌ

سر دادند. آری بعد از عزت به ذلت افتادند و به سمت گودال قتلگاه می‌دویدند.

عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ قَدْ سَكَنْتَ حَوَاشِكَ وَخَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ

شمر بر روی سینه‌ات نشسته بود و شمشیرش را به گلوی مبارکت می‌کشید و با دستی

وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاءِ رَأْسُكَ وَسَبِيَّ أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ وَصَفِدُوا فِي الْحَدِيدِ

محاسنت را گرفته بود و سرت را می‌پرید. تمام حواشت از کار افتاد و نفس‌هایت آرام شد

فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ تَلْفَعُ وَجُوهُهُمْ حَرًّا الْهَاجِرَاتِ يُسَاقُونَ فِي

و سرت بر بالای نیزه‌ها رفته و خاندانت مانند بردگان به اسیری برده شدند. آنها را بر روی

الْبَرَاري وَالْفَلَوَاتِ أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ يُطَافُ بِهِمْ فِي

جهاز شتران به زنجیرهای آهنین بستند. گرمای سوزان صورتشان را می‌سوزاند و در بیابان‌ها

الْأَسْوَاقِ فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفُسَّاقِ. لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ وَعَطَّلُوا

حرکت داده می‌شدند. دستانشان را به گردن بسته بودند و در کوچه و بازار حرکت می‌دادند.

الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ

وای بر عصبان گران فاسق. آنها با قتل تو اسلام را کشتند و نماز و روزه را تعطیل کرده

وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ لَقَدْ أَصْبَحَ

وسنتها و احکام الهی را پایمال و پایه‌های ایمان را منهدم و محتوای آیات قرآن را

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُوراً وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

تحریف و در ستم و دشمنی شما تاختند. تا این که کار به جایی رسید که رسول خدا تنها

مَهْجُوراً وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قَهَزَتْ مَقْهُوراً وَفَقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ

ماند و کتاب خدا فراموش شد و حق و حقیقت با مکر و فریب منزوی گردید. با فقدان تو،

وَالْتَحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ وَظَهَرَ بِغَدَاكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ

الله اکبر و لا اله الا الله و حلال و حرام و تفسیر و تاویل قرآن، از یادها رفت و بعد از تو تغییر

وَالْإِلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ وَالأَهْوَاءُ وَالأَضَالِيلُ وَالفِتْنُ وَالأَبَاطِيلُ فَقَامَ نَاعِيكَ

و تبدل و شرک و تعطیلی احکام و هواها و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطلها آشکار شدند.

عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ

پیک مرگ در کنار قبر رسول خدا ﷺ ایستاد و با اشک‌ریزان گفت: ای رسول خدا

قَاتِلاً يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سِبْطُكَ وَفَتَاكَ وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحَمَاكَ وَسُبِيَتْ

فرزند و جوانانت کشته شدند و حرمت خاندانت مباح شد و بعد از تو ذریه‌ات

بَعْدَكَ ذَرَارِيكَ وَوَقَعَ الْمُخْذَرُ بِعِزَّتِكَ وَذَوِيكَ فَانزَعَجَ الرَّسُولُ وَبَكَى

به اسيرى گرفته شدند و اتفاقات ناگوار بر خاندانت واقع شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله

قَلْبُهُ الْمَهُولُ وَعَزَّاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزَّهْرَاءُ

با شنیدن این خیر پریشان شده و دل شکسته‌اش، گریه کرد و ملائکه و انبیاء به او

وَاخْتَلَفَ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَقِيَمَتْ لَكَ

تسلیمت گفتند و مادرت زهرا به سوگ نشست. دسته‌های ملائکه مقرب خدا به تعزیت پدرت

الْمَاتَمُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ وَبَكَتِ السَّمَاءُ

امیرالمؤمنین رفتند و ماتم و عزا در اعلیٰ عیلىین برایت گرفته شد. حورالعین بر صورتشان

وَسُكَّانُهَا وَالْجِنَانُ وَخُرَّانُهَا وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا وَالْبِحَارُ وَحِيَتَانُهَا

زدند و آسمان و بهشت و مأموران آن و کوهها و کوهپایه‌ها و دریاها و ماهی آنها و بهشت

وَالْجِنَانُ وَوِلْدَانُهَا وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ وَالْمَشْعَرُ الْحَرَامُ وَالْحِلُّ وَالْإِحْرَامُ.

و جوانان آن و کعبه و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حیل و حرم همه و همه برایت گریه کردند.

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُنِيفِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا، به حرمت این مکان رفیع بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در

وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي

زمره ایشان محشور کرده و با شفاعتشان وارد بهشت کن. خدایا، ای سریع‌ترین

أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا أَحْكَمَ

حسابرس وای بزرگوارترین بزرگواران وای حکم‌کننده‌ترین حکم‌کنندگان،

الْحَاكِمِينَ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ

به واسطه محمد که پایان بخش انبیاء و فرستاده تو به سوی تمام عالمیان

وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ الْعَالِمِ الْمَكِينِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

است و برادر و پسرعمویش، آن پیشانی بلند خوش اندام، آن عالم مقتدر

وَبِقَاطِعَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ وَبِأَبِي

علی امیر مؤمنان و قاطعه سرور زنان عالم و حسن پاک و پناهگاه متقین

عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ وَبِعِزَّتِهِ

و ابا عبدالله الحسین، گرامی‌ترین شهدا و فرزندان شهید و به خاندان مظلومش

الْمَظْلُومِينَ وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةَ

وعلی بن الحسین زیور عابدان و محمد بن علی، محل توجه توبه‌کنندگان

الْأَوَّابِينَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ

و جعفر بن محمد راستگوترین راستگویان و موسی بن جعفر، آشکار کننده

الْبَرَاهِينِ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةَ

ادله وعلی بن موسی، یاری‌گر دین و محمد بن علی، مقتدای هدایت‌یافتگان

الْمُهْتَدِينَ وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزَّاهِدِينَ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

وعلی بن محمد، زاهدترین زاهدان و حسن بن علی، وارث جانشینان قبلی

وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و محمد بن حسن، حجت خدا بر تمام مخلوقات، به تو متصل می‌شوم تا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَرِينَ آلِ طَهٍ وَبِسِّمِ اللَّهِ وَتَجْعَلَنِي

محمد و خاندان راستگو و نیکو، آل طاه و یاسین درود فرستی و مرا

فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبَشِّرِينَ

در قیامت از امان یافتگان آسوده خاطر و نجات یافتگان شادمان قرار دهی.

اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ وَالْحَقَنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ

خدایا، مرا از مسلمانان بنویس و به صالحین ملحق کرده ویرایم زبانی

صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ وَاكْفِنِي كَيْدَ الْحَاسِدِينَ

راستگو در امت آخرین قرار بده و مرا در مقابل ظالمان یاری و از مکر

وَاصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ الظَّالِمِينَ وَاجْمَعْ

حسدان امان بده و دستان ظلم را از من بازدار و مرا با سروران بزرگوام

بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمُيَامِينِ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

در اعلی علیین همراه با کسانی که نعمت بخشیدی اعم از انبیاء و صدیقین

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و شهدا و صالحین، قرار بده به واسطه رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ وَبِحُكْمِكَ الْمَخْتُومِ وَنَهْيِكَ

خدایا، تو را به پیامبر معصوم از گناه و حکم حتی و نهی ینهایت و به

الْمَكْتُومِ وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلُومِ الْمَوْسَدِ فِي كَنَفِهِ الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ

این قبر پر از دردی که امام معصوم و شهید مظلوم در آن خفته است، قسم

الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُومِ وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ

می‌دهم که تمام گرفتاری‌هایم را برطرف کرده و شرّ تقدیرات حتی را از

الْقَدْرِ الْمَخْتُومِ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ اللَّهُمَّ جَلِّلِي بِنِعْمَتِكَ

من بازدارای و از آتش سوزان امان دهی، خدایا، مرا با نعمت‌هایت تجلیل

وَرَضْنِي بِقِسْمِكَ وَتَعَمَّدَنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنَقِمَتِكَ.

و به قسمتت راضی و در احسانت غوطه ور و از مکر و انتقامت دور کن.

اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ وَأَفْسَحْ لِي فِي

خدایا، از لغزش نگه دار و در سخن و رفتار محکم و زمان مرگم را به تأخیر

مُدَّةِ الْأَجَلِ وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالْعِلَلِ وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيَّ وَبِفَضْلِكَ

بینداز و از بیماری‌ها عافیت داده و به واسطه فضل و کرمت مرا به سروران

أَفْضَلَ الْأَمَلِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَارْحَمْ

برسان. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه‌ام را بپذیر و بر

عَبْرَتِي وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي وَنَفْسِ كُرْبَتِي وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَأَصْلِحْ لِي

اشک دیدگانم ترحم کرده و از لغزش حفظ کن و از سر خطاهایم بگذر

فِي ذُرِّيَّتِي. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكْرَمِ

و نسلم را اصلاح کن. خدایا، مبادا در این قتلگاه با عظمت و محل محترم گناهی را

ذَنْباً إِلَّا عَفَرْتَهُ وَلَا عَيْباً إِلَّا سَوَّرْتَهُ وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ وَلَا رِزْقاً إِلَّا

بخشیده و عیبی را نبوشیده و غمی را از بین نرفته و رزقی را گسترش نیافته

بَسَطْتَهُ وَلَا جَاهاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلَا فِسَاداً إِلَّا أَصْلَحْتَهُ وَلَا أَمْلاً إِلَّا بَلَّغْتَهُ

و جاهی را آباد نشده و فساد را اصلاح نشده و آرزویی را نرسیده و دعایی را

وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ وَلَا مُضِيْقاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا شَمَلاً إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا أَمْراً

اجابت نشده و تنگنایی را باز نکرده و پراکندگی را جمع نکرده و کاری را تمام نشده

إِلَّا أَتَمَمْتَهُ وَلَا مَالاً إِلَّا كَثَّرْتَهُ وَلَا خُلُقاً إِلَّا حَسَّنْتَهُ وَلَا إِتْفَاقاً إِلَّا أَخْلَفْتَهُ

و مالی را افزایش نیافته و خلقی را نیکو نشده و اتفاق را جایگزین نشده

وَلَا حَالاً إِلَّا عَمَّرْتَهُ وَلَا حَسُوداً إِلَّا قَمَعْتَهُ وَلَا عَدُوّاً إِلَّا أَرَدَيْتَهُ

و حالی را نیکو نکرده و حسود و دشمنی را هلاک نکرده و شری را مانع نشده

وَلَا شَرًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ وَلَا شِعْثًا إِلَّا

و مرضی را شفا نیافته و دوری را نزدیک نکرده و خواسته‌ای را عطا نکرده،

لَمَعْتَهُ وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ وَتَوَابَ الْأَجَلَةِ

رها کنی. خدایا، بهترین خیرات دنیا و ثواب آخرت را درخواست می‌کنم.

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنْامِ

خدایا، با روزی حلال، از حرام و با فضل، از تمام خلق بی‌نیازم گردان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَيَقِينًا شَافِيًا وَعَمَلًا

خدایا، علم نافع و دل خاشع و یقین شفا بخش و عمل پاک و صبر نیکو

زَاكِيًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَأَجْرًا جَزِيلًا.

و اجر فراوان درخواست می‌کنم.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَرِزْدٌ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ

خدایا، شکر نعمت‌هایت را روزیم گردان و بر احسان و کرمت اضافه کن

إِلَيَّ وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا

و سختم را در میان مردم اطاعت شده و عملم را نزد خودت مقبول

وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَثْبُوعًا وَعَدُوِّي مَقْمُوعًا. اللَّهُمَّ صَلِّ

و روشم را در خیرات مورد تبعیت و دشمنم را هلاک کن. خدایا،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ فِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

بر محمد و خاندان برگزیده‌اش در تمام لحظات شب و روز درود

وَإَكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ وَأَجِرْنِي

فرست واز شرّ اشرار حفظ کرده واز گناهان پاک واز آتش

مِنَ النَّارِ وَأَجِلْنِي دَارَ الْقَرَارِ وَأَغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ

امانم بده ودر وادی آرامش واردم کن و مرا و تمام برادران و خواهران

وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مؤمن و مؤمنه‌ام را یا رحمت واسعه خود ببخش. ای مهربان‌ترین

سپس به سوی قبله بایست و دو رکعت نماز بخوان. به این ترتیب که

در رکعت اول بعد از حمد سوره انبیاء و در رکعت دوم بعد از حمد

سوره حشر را بخوان و در رکعت دوم قنوت گرفته و این دعا را بخوان:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

هیچ خدایی جز معبود بردبار و بزرگوار نیست. هیچ معبودی جز معبود والا و با عظمت نیست.

رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ خِلَافاً

هیچ معبودی جز پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه که در آنها و میان

لَأَعْدَائِهِ وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ وَإِقْرَاراً لِرُبُوبِيَّتِهِ وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ الْأَوَّلِ

آنهاست، نیست. این اعتقاد بر خلاف دشمنان و تکذیب کسانی است که از او عدول کردند و به

بَغَيْرِ أَوَّلٍ وَالْآخِرِ إِلَى غَيْرِ آخِرِ الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ الْبَاطِنُ

خاطر اقرار به ربوبیت و خضوع در برابر عزتش می‌باشد. کسی که اولین و آخرین است. با قدرتش

دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ وَلَا تُدْرِكُ

بر همه چیز ظهور و غلبه یافته و با علمش در باطن هر چیزی نفوذ کرده است. عقل‌ها از درک کنه

الْأَوْهَامِ حَقِيقَةَ مَا هِيَهِ وَلَا تَتَّصِرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفِيَّتِهِ مُطَّلِعًا

عظمتش بازمانده و اوهام از درک حقیقت چستی‌اش عاجزند. او که جان‌ها از درک چگونگی‌اش

عَلَى الضَّمَائِرِ عَارِفًا بِالسَّرَائِرِ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

و مانده و بر نیت‌ها آگاه است و از نگاه‌های مخفیانه و تمام آنچه در سینه‌ها است خبر دارد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصْدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِيمَانِي

خدایا، تو را شاهد می‌گیرم که من رسولت را تصدیق کرده و به او ایمان دارم

بِهِ وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ

و از جایگاه ایشان آگاهم و شاهد می‌گیرم که او پیامبری است که حکمت از فضل او

وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ وَدَعَّتْ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ وَحَشَّتْ عَلَى تَصْدِيقِهِ

سخن گفت و تمام انبیاء به او بشارت داده شدند و مردم را به آنچه که او آورده است،

بِقَوْلِهِ تَعَالَى الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

فرا خواندند تا او را تصدیق کنند. به دلیل فرمایش خداوند که می‌فرماید: «کسی که

يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ

رسالت او را در تورات و انجیل نوشته دیده‌اند او که امر به معروف کرده و نهی از منکر

عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ.

می‌کند. طیبیات را حلال و خبائث را حرام و غل و زنجیرهای طاغوت را از آنها باز می‌کند.»

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ وَعَلَى

پس بر محمد فرستاده تو به جن و انس و سرور انبیای برگزیده و بر علی برادر

أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَعَلَى فَاطِمَةَ

و پسر عمویش، کسانی که حتی یک چشم بر هم زدنی مشرک نشدند و بر فاطمه

الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ

تابان، سرور زنان عالم و سروران جوانان اهل بهشت حسن و حسین،

وَالْحُسَيْنِ صَلَاةٌ خَالِدَةٌ الدَّوَامِ عِدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ وَزِينَةُ الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ

درودی پایدار به تعداد قطره‌های باران و هموزن کوهها و تپه‌ها و مادامی که

وَمَا أَوْزَقَ السَّلَامِ وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

درخت‌ها برگ می‌دهند و شب و روز در رفت و آمدند و بر خاندان پاکش انمه

الْأَيْمَةَ الْمُهْتَدِينَ الذَّائِدِينَ عَنِ الدِّينِ عَلَيَّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى

هدایت یافته و مدافع از دین علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن

وَعَلَيْ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ الْقَوَامِ بِالْقِسْطِ وَسُلَالَةِ السَّبْطِ.

وَحِجَّتِ كِه یرپا دارندگان عدالت و نسل نوه پیامبرند سلام و درود فرست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ فَرَجاً قَرِيباً وَصَبْرًا جَمِلاً

خدایا، از تو درخواست می‌کنم به حق این امام، گشایش نزدیک و صبر نیکو و یاری

وَتَصْراً عَزِيزاً وَغِنًى عَنِ الْخَلْقِ وَثَبَاتاً فِي الْهُدَى وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

شکست ناپذیر و بی نیاز از خلق و ثبات در هدایت و موفقیت به آنچه که

تُحِبُّ وَتَرْضَى وَرِزْقاً وَاسِعاً حَلالاً طَيِّباً مَرِيئاً دَاراً سَائِغاً فَاضِلاً

دوست داری و راضی هستی و رزق وسیع حلال پاک و گوارا و پایدار و لذت بخش

مُفْضِلاً صَباً صَباً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ وَعَافِيَةً مِنْ

وزیاد و مفضل بدون زحمت و مشقت و خالی از منت و همراه با عافیت از هر بلا

كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ وَالشُّكْرِ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالتَّعْمَاءِ وَإِذَا جَاءَ

و بیماری و شکر بر عافیت و نعمت را بر ما عطا فرمایی. زمانی که مرگ برسد،

الْمَوْتُ فَأَقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ لَكَ طَاعَةً عَلَى مَا أَمَرْتَنَا

روح ما را در بهترین حالات بندگی بگیر در حالی که به اطاعت او امرت مشغولیم

مُحَافِظِينَ حَتَّى تُؤَدِّيَنَا إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بر آنها محافظت می‌کنیم تا این که ما را وارد بهشت کنی با رحمتت ای مهربان‌ترین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَانْسِنِي بِالْآخِرَةِ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از دنیا دور و با آخرت مأنوس گردان. تنها

فَأَنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا رَجَاؤُكَ.

خوف تو انسان را از دنیا دور می‌کند و تنها امید ثوابت انسان را با آخرت مأنوس می‌نماید.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى لَا مِنْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

خدایا، تمام حجت‌ها به نفع توست، نه بر علیه تو. شکایت‌ها به سوی توست، نه از خود تو. پس بر محمد و خاندانش

وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ العَاصِيَةِ وَشَهْوَتِي الغَالِبَةِ وَاخْتِمِ بِالْعَافِيَةِ.

درود فرست و مراد مبارزه با نفس معصیت‌کار منجاور و غلبه‌کننده در شهوت، یاری کن و عاقبت به خیرم گردان.

اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِتِّكَ وَأَنَا مُصْرٌّ عَلَى مَا نُهَيْتُ قَلَّةً حَيَاءٍ

خدایا، همانا نزد تو استغفار می‌کنم در حالی که از سر بی‌حیایی دست از معصیت

وَتَرْكِي الاسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعُ لِحَقِّ الرَّجَاءِ.

نمی‌کنم و ترک استغفار با وجود علم به وسعت حلمت تو تضييع حق امیدواری است.

اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤْسِنِي أَنْ أَرْجُوكَ وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ

خدایا، گناهانم مرا از امیدواری مأیوس می‌کنند و علم به وسعت بردباریت از ترسیدن

يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ

مانع می‌گرداند. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و امیدم را برآورده ساز

وَكَذَّبَ خَوْفِي مِنْكَ وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

و خوفم را محقق نکن و با من مطابق بهترین گمان‌هایم رفتار کن ای بزرگوارترین بزرگواران.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ وَأَنْطِقْ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا با پاکدامنی یاری و زبانم را به حکمت گویا

لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدُمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ

گردان و مرا از کسانی قرار بده که برای کارهای زشت گذشته پشیمانند و امروزشان را از دست

وَلَا يَغْتَبُنْ حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ وَلَا يَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنْ

نمی‌دهد و برای روزی فردا، تلاش نمی‌کند. خدایا، غنی کسی است که با تو مستغنی شود

اسْتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ وَالْفَقِيرُ مَنْ اسْتَعْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ فَصَلِّ عَلَى

و نیازمند تو باشد و فقیر کسی است که با مخلوقت از تو بی‌نیازی جوید. پس بر محمد و خاندانش

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ.

درود فرست و از خلقت بی‌نیازم گردان و از کسانی قرار بده که جز به درگاهت دست دراز نمی‌کنند.

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَأَمَامَهُ التَّوْبَةُ وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ

خدایا، بدبخت کسی است که مأیوس شود درحالی‌که توبه از پیش و رحمتت از پس، او را احاطه کرده است. اگرچه

الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي.

در عمل ضعیف هستم، اما در امیدواری به رحمتت قوی هستم. پس ضعف عملم را با قوت امیدواریم جبران کن.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي وَأَعْظَمُ

خدايا، اگر می‌دانی که در میان بندگانت کسی القلب‌تر و گناه‌کارتر از من نیست.

مِنِّي ذَنْبًا فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَى أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا وَأَوْسَعُ رَحْمَةً

من هم می‌دانم که مولایی که به اندازه تو بخشنده و رحیم و غفار باشد، وجود ندارد.

وَعَفْوًا فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَى أَغْفِرُ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ.

ای کسی که در رحمتش یگانه است، بر کسی که در خطاکاری‌اش یگانه نیست، ببخش.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا وَنَهَيْتَ فَمَا اتَّهَيْتَنَا وَذَكَرْتَ فَتَنَّا سَيْنَا

خدايا، تو امرمان کردی، ولی ما معصیت نمودیم و نهی کردی، دست نکشیدیم و یادآوری کردی

وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ

و فراموش نمودیم و نشانمان دادی و چشمانمان را بستیم و برحذر داشتی و تعدی کردیم، در حالی که این رفتار

إِلَيْنَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَأَخْفَيْنَا وَأَخْبَرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا

ما، جزای احسان تو نبود. تو از همه آنچه آشکار و پنهان کرده‌ایم، آگاهی و از آن چه انجام می‌دهیم.

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَتَسِينَا

باخبری. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را به خاطر خطاها و فراموش کاریمان مؤاخذه نکن

وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَدَيْنَا وَأَتِمِّ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا

و حقوقی را که نزد ما داری ببخش و احسانی را که کرده‌ای، تمام کن و رحمتت را سرازیر ساز.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْإِمَامِ وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي

خدایا، ما به واسطه این امام صدیق، به تو متوسل می‌شویم و به حرمت حق که برایش

جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ وَلِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ

قرار دادی و به حرمت رسول خدا و پدر و مادرش علی و فاطمه و اهل بیت رحمت،

إِذْرَارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا وَصَلَاحُ أَحْوَالِ عِيَالِنَا فَأَنْتَ الْكَرِيمُ

از تو می‌خواهیم تا روزیمان را که قوام زندگیمان و صلاح احوال خانواده‌مان به آن است،

الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ

ادامه دهی، تو آن کریمی که از وسعت خود می‌بخشی و با قدرتت منع می‌کنی

مَا يَكُونُ صَلاَحًا لِلدُّنْيَا وَبِلاَغًا لِلْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و ما از روزی، آنچه که برای صلاح دنیا و رسیدن به آخرت لازم است، می‌خواهیم.

وآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما و والدین و تمام مؤمنین و مؤمنات

وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

و مسلمین و مسلمات چه زنده باشند و چه مرده، همه را ببخش و بیامرز

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و حسنات دنیا و آخرت را عنایت کرده و از آتش دوزخ ننگه دار.

بعد از قنوت نماز را تمام کرده و سبحان الله می‌گویی. بعد از آن، هر یک از گونه راست و چپ خود را به زمین گذاشته و چهل بار می‌گویی:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

بعد از آن سر از خاک برداشته و از خداوند متعال نجات و توفیق طلب می‌کنی. در پایان بالای سر امام علیه السلام ایستاده و دو رکعت دیگر مانند دو رکعت قبلی خوانده و قبر شریف را در آغوش می‌گیری و می‌گویی:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و در نهایت برای خود، والدین و نزدیکان و تمام کسانی که می‌خواهی دعا می‌کنی که انشاء الله مستجاب است.

دعای هفدهم

زیارت حضرت علی اکبر علیه السلام ۱

بغدادی نقل می‌کند که در سال دویست و پنجاه و دو^۲ توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی توقیعی از امام علیه السلام دستم رسید. در آن زمان جوان بودم و پدرم را تازه از دست داده بودم. از ایشان خواستم تا اذن دخول برای زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا را برایم بیان نمایند. نامه‌ای از ایشان به دستم رسید:

بسم الله الرحمن الرحيم

زمانی که قصد زیارت شهدای کربلا را کردی، در طرف پای قبر امام حسین علیه السلام که محل قبر علی بن حسین صلوات الله علیهما است، رو به قبله بایست. آنجا محل استقرار عمده شهدای کربلا است. خطاب به علی بن الحسین بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ

سلام بر تو ای اولین شهید از نسل بهترین سلاله ابراهیم خلیل، صلوات خدا بر تو

۱. بحار الأنوار / ج ۱۰۱ / ص ۲۷۰ / باب ۲ - کراهة تولي الخصومة: إقبال الأعمال / ص ۵۷۳

/ فصل فیما نذکره من زیارة الشهداء.

۲. از آنجا که تاریخ تولد حضرت بقیة الله دویست و پنجاه و پنج می‌باشد. این توقیع یا از آن حضرت نیست و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است و یا اینکه در تاریخ توقیع اشتباهی پیش آمده است.

الْخَلِيلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ إِذْ قَالَ فِيكَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ

ویدرت باد. زمانی که در مورد تو گفت: خداوند قومی را که تو را کشتند، هلاک کند.

يَا بُنَيَّ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَى

آنها چقدر نسبت به حريم خدا و رسول او جسور شده‌اند. اف بر دنياى بعد از تو.

الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا كَأَنِّي بِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَائِلًا وَلِلْكَافِرِينَ قَانِلًا:

گویا می‌بینم که در پیش پدرت ایستاده‌ای و خطاب به کفار می‌گویی:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ

من علی بن الحسین بن علی هستم. ما و خانه خدا از همه به رسول خدا نزدیک‌تریم.

أَطْعَمَكُمْ بِالرَّمْحِ حَتَّى يَسْتَيْبِي أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمِي عَنْ أَبِي

با نیزه شما را پاره پاره می‌کنم و با شمشیر بر شما می‌کوبم و از پدرم حمایت می‌کنم.

ضَرَبَ غُلَامٌ هَاشِمِيٌّ عَرَبِيٌّ وَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِي

مانند جوان هاشمی عربی می‌جنگم و اجازه نمی‌دهم که فرزند پسر خوانده^۱ در میان ما قضاوت کند.

۱. مقصود از پسر خوانده زیاد است. زیرا مادر زیاد مرجانه، زنی فاحشه بود و طبق نقل تواریخ از زنای با ابوسفیان زاده شد. به همین جهت معاویه او را برادر خود می‌خواند. از این جهت آن حضرت زیاد را فرزند خوانده می‌نامند که کنایه از ولد الزنا بودن آن است. به یقین فرزند این فرزند خوانده کسی غیر از ابن زیاد نخواهد بود که کاروان کربلا را به خاک و خون کشید.

حَتَّى قَضَيْتَ نَحْبَكَ وَلَقِيتَ رَبَّكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَنَّكَ

تا اینکه جانت را فدا کردی و بہ دیدار خدایت شناختی. شہادت می دہم کہ تو نزدیک ترین افراد بہ خدا

ابْنُ رَسُولِهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَمِينِهِ حَكَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى قَاتِلِكَ مُرَّةَ بَنِ مُنْقِذِ بْنِ

و رسول او هستی و تو فرزند رسول خدا و فرزند حجت خدا و امین او هستی. خداوند خود، در بارہ تو بر

النُّعْمَانَ الْعَبْدِيَّ لَعْنَهُ اللَّهُ وَأَخْزَاهُ وَمَنْ شَرِكُهُ فِي قَتْلِكَ وَكَانُوا عَلَيْكَ

قاتلت مرہ بن منقذ بن النعمان العبدی و تمام کسانی کہ او را در قتل تو کمک کردند، قضاوت کند و او را از

ظَهِيْرًا وَأَضْلَاهُمْ اللَّهُ جَهَنَّمَ.

رحمتش دور و دلیل کند و در دوزخ وارد کند.

مرکز تحقیقات کلمہ پیر علوم اسلامی

دعای هجدهم

دعای امام علیه السلام برای شفا گرفتن از تربت امام حسین علیه السلام^۱

شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب بلد الامین از امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند:
هرکسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در کاسه نو،
بنویسد و آن را بشوید و بخورد، بیماریش بهبود می‌یابد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ هُوَ الشَّافِي شِفَاءٌ

«بسم الله دواي درد و الحمد لله شفای آن است و لا اله الا الله کفایت کننده است.» آری آن ذکر کفایت کننده

وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً أَذْهَبُ الْبَأْسَ يَرْبِ النَّاسِ شِفَاءً لَا يُعَادِرُهُ سُقْمٌ

عجیبی است. گرفتاری را با پروردگار مردم، از بین می‌برم. شفایی که هیچ بیماری در آن نماند.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ.

درود خدا بر محمد و خاندان برگزیده‌اش.

سید زین الدین علی بن الحسین الحسینی علیه السلام با خط خود نوشته است
که مردی از اهل کربلا که نزدیک حرم زندگی می‌کرد، گرفتار
بیماری خاصی شده بود. در خواب حضرت قائم علیه السلام را دید و از
بیماری خود خدمت حضرت گلایه کرد. ایشان این دعا را به او آموخت. او
نیز به آن عمل کرد و بلافاصله بعد از نوشیدن آب، شفا پیدا کرد.

مناجات سایر ائمه از زبان امام زمان علیه السلام

دعای نوزدهم

دعاهای امیرالمؤمنین، امام سجاد و امام صادق علیهم السلام

از زبان امام زمان علیه السلام^۱

محمد بن احمد انصاری نقل می‌کند که نزدیک مستجار در اطراف کعبه نشسته بودم. جماعتی از مردان که حدود سی نفر می‌شدند، در آنجا حاضر بودند. در میان آنها تنها محمد بن قاسم علوی آدم مخلصی بود. روز ششم ذی الحجة سال دویست و نود و سه، در آنجا نشسته بودیم که جوانی از طواف خارج شد و به طرف ما آمد. دو پیراهن احرام به تن کرده و نعلین‌هایش را به دست گرفته بود. زمانی که او را دیدیم، هیبتش ما را گرفت و بدون استثناء همگی به پایش بلند شدیم. به ما سلام کرد و در وسط جمعیت نشست. بعد به راست و چپش که ما قرار داشتیم، نگاه کرد و گفت: آیا می‌دانید که امام صادق علیه السلام دعای الحاح را چگونه می‌خواند؟ گفتیم: چگونه می‌خواندند: گفت این طور:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ

«خدایا، از تو درخواست می‌کنم با آن اسمی که آسمان و زمین با آن پایرجا است و با آن

۱. الغيبة للطوسي / ص ۲۶۰؛ دلائل الإمامة / ص ۲۹۸ / معرفة من شاهد صاحب الزمان علیه السلام؛ بحار الأنوار / ج ۹۱ / ص ۱۸۷ / باب ۳۵ - الأدعية المختصرة المختصة؛ كمال الدين / ج ۲ / ص ۴۷۰ / ۴۳ - باب ذكر من شاهد للقائم علیه السلام وراه.

تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ

حق و باطل از هم جدا می‌شوند و با آن پراکنده‌ها را جمع و جمع‌ها را پراکنده می‌کنی

الْمُجْتَمِعِ وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ أَنْ

و با آن تعداد رمل‌ها و وزن کوه‌ها و اندازه دریاها را محاسبه می‌کنی، بر محمد و خاندانش

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً.

درود فرست و در این گرفتاری برایم گشایش و معالی برای بیرون آمدن از آن قرار بده.»

سپس بلند شد و مشغول طواف شد. با بلند شدنش، ما نیز به احترام

ایشان بلند شدیم تا اینکه حضرت از ما برگشتند. همگی از یاد بردیم

که در مورد او سؤال کنیم که مثلاً او کیست و چه کسی است؟ تا

اینکه فردا رسید و در همان وقت، باز هم ایشان از طواف خارج

شدند و به طرف ما آمدند. مانند دیروز بلند شدیم و ایشان در میان

ما نشستند و به راست و چپ نگاه کردند و فرمودند: آیا می‌دانید که

امیرالمؤمنین بعد از نمازهای واجب کدام دعا را می‌خواندند؟ گفتیم:

کدام دعا را می‌خواندند؟ فرمود: این دعا را:

إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ وَلَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَلَكَ

خدایا، صداها و دعاها، به سوی تو بلند می‌شوند و برای تو چهره‌ها خاضع می‌گردد و در برابر تو گردن‌ها

خَضَعَتِ الرِّقَابُ وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا خَيْرَ

می‌افتند و تو در مورد اعمال قضاوت می‌کنی. ای بهترین کسی که از او سؤال می‌شود و ای بهترین

مَنْ أَعْطَىٰ يَا صَادِقُ يَا بَارِيُّ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ أَمَرَ

کسی که عطا می‌کند. ای راستگو و ای خالق، ای کسی که در وعده خود تخلف نمی‌کند. ای کسی که به

بِالدُّعَاءِ وَوَعَدَ بِالْإِجَابَةِ يَا مَنْ قَالَ ادْعُونِي أُسْتَجِبْ لَكُمْ يَا مَنْ قَالَ

دعا کردن امر کرده و وعده اجابت داده است، ای کسی که گفته است: «دعا کنید تا مستجاب کنم.»^۱

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

ای کسی که گفته است: «زمانی که بندگانم درباره من سؤال کنند، بگو که من به شما خیلی نزدیک هستم

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ وَيَا مَنْ قَالَ يَا عِبَادِي

و دعای مناجات کنندگان را اجابت می‌کنم. بنابراین شما نیز دعوت مرا اجابت کنید و به من ایمان بیاورید

الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

تا هدایت شوید و رشد کنید.»^۲ و ای کسی که گفته است: «ای بندگانی که به خودتان ظلم کرده‌اید،

الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ لِيُنكَرَ وَسَعْدَيْكَ هَا أَنَا

از رحمت من ناامید نباشید؛ زیرا اگر خدا اراده کند، همه گناهان را یکجا می‌بخشد. همانا او بخشنده

ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ الْمُسْرِفُ وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ

و مهربان است.»^۳ خدایا، دعوتت را اجابت می‌کنم و به سویت می‌شتابم. آری این منم. بنده‌ای که به

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً.

خودش ظلم کرده است و تو گفته‌ای از رحمتم ناامید نشوید؛ زیرا همه گناهان را یکجا می‌بخشی.

دوباره به راست و چپ نگاهی کرد و گفت: آیا می‌دانید که حضرت امیر علیه السلام در سجده شکر کدام دعا را می‌خواندند؟ گفتیم: کدام دعا را می‌خواندند؟ گفت: این دعا را:

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا سَعَةً وَعَطَاءٍ يَا مَنْ لَا يَنْفَدُ خَزَائِنُهُ

ای کسی که بخشش‌های فراوان تنها بخشایشش را بیشتر می‌کند و ای کسی که خزائنش تمام نمی‌شود.

يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلَ

ای کسی که خزائن آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست. ای کسی که خزائن کوچک و بزرگ

لَا يَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَنْتَ تَفْعَلُ بِي الَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ

مخصوص اوست. ای کسی که بدی من مانع از احسانش نمی‌شود. و تو با من آن طور رفتار می‌کنی

فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ لَا تَفْعَلْ

که شایسته آن هستی؛ زیرا تو اهل جود کردن و بزرگواری و عفو و گذشت هستی. پروردگارا،

بِي الَّذِي أَنَا أَهْلُهُ فَإِنِّي أَهْلُ الْعُقُوبَةِ وَقَدْ اسْتَحَقَّقْتُهَا لَا حُجَّةَ لِي

خدایا، با من آن طور نباش که من شایسته آن هستم؛ زیرا من شایسته عقوبتم. آری من مستحق

وَلَا عُدْرَ لِي عِنْدَكَ أَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا وَأَعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَعْفُو

آن هستم و هیچ عذری ندارم. با همه گناهانم به سوی تو می‌آیم و به همه آنها اعتراف می‌کنم.

عَنِّي وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي أَبُوءُ لَكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ

تا شاید عفو کنی و تو از همه به اعمال من آگاهی. برمی‌گردم با همه گناهانی که انجام داده‌ام

اِحْتَمَلْتُهَا وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَلِمْتُهَا [عَمِلْتُهَا] رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ

وتمام اشتباهاتی که مرتکب شده و تمام معصیت‌هایی که می‌دانم. پروردگارا، مرا ببخش و رحم کن

عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

واز همه گناهانی که می‌دانی، بگذرد؛ زیرا تو شکست ناپذیرترین و بزرگوارترینی.

بلند شد و مشغول طواف شد. ما نیز به احترامشان بلند شدیم. فردا

در همان موقع دوباره آمد و ما برای آمدنش بلند شدیم. در میان ما

نشست و به راست و چپ خود نگاه کرد و گفت: علی بن حسین علیه السلام در

محل سجده خود در این مکان - با دستشان به سنگ زیر ناودان

اشاره کرد - می‌گفت:

عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ مِسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ

خدایا، بنده خواریت در جوارت قرار گرفته. مسکین و بیچاره‌ات در کنار توست. فقیر و نیازمندت

يَسْأَلُكَ مَالًا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ.

در جوار توست. گدای در خانه‌ات از تو چیزهایی را می‌خواهد که غیر تو از انجام آنها عاجز هستند.

سپس به راست و چپ نگاهی کرد و در میان همه به محمد بن قاسم

نگاه کرد و فرمود: محمد بن قاسم تو در مسیر خیر قرار داری ان

شاء الله. محمد بن قاسم کسی بود که معتقد به امامت ایشان بود. بعد

بلند شد و داخل طواف شد. کسی در میان ما نبود که دعاهای ایشان

به او الهام نشود. اما با این حال از یاد می‌بردیم درباره او حرف

بزنیم. تا این که در روز آخر سر صحبت باز شد.

ابوعلی محمودی گفت: دوستان می‌دانید که این آقا کی بود؟ به خدا قسم که او امام زمانان بود! گفتیم: از کجا متوجه شدی؟ ذکر کرد که هفت سال بود از خدا می‌خواستم تا امام زمانم را مشاهده کنم. روزی از روزها که غروب را در عرفه بودیم. مردی را با همین شکل و شمایل مشاهده کردم که دعا می‌خواند. پیشش رفتم و گفتم که کیستی؟ گفت: از همین مردم. گفتم: از کدام مردم؟ گفت: از عرب‌ها. گفتم: از کدام عرب‌ها؟ گفت: از اشرف اعراب. گفتم: آنها کدام طایفه هستند؟ گفت: بنی‌هاشم. گفتم: از کدام بنی‌هاشم؟ گفت: از بالاترین طبقه آن. گفت: کسی که سختی‌ها را شکافت، غذا را خوراند و نماز را در حالی که هم در خواب بودند، خواند. فهمیدم که او علوی است. به همین خاطر نیز به او علاقه‌مند شدم. اما ناگهان ایشان را گم کردم. متوجه نشدم که چطور رفت. از افرادی که در اطرفش بودند، سؤال کردم او را می‌شناسید؟ گفتند: بله او هر سال با پای پیاده، با ما به حج می‌آید. گفتم: سبحان الله به خدا قسم که رد پای او نمی‌بینم!

با دنیایی از اندوه و غصه، به منزلگاهم برگشتم و خوابیدم. ناگهان رسول خدا (ص) را دیدم. فرمود: ای احمد آیا کسی را که به دنبالش بودی، دیدی؟ عرض کردم: او که بود سرورم؟ فرمود: کسی که دیدی امام زمانت بود.

راوی می‌گوید: وقتی که این حرف را شنیدیم. او را سرزنش کردیم که چرا قبلاً به ما نگفتی. گفت که این اتفاق را از یاد برده بود. همین الآن به یادش آمده است.

زیارت امیرالمؤمنین در روز یکشنبه^۱

این زیارت به نقل از کسی است که آن شخص حضرت حجّت علیه السلام را در بیداری دیده است. آن حضرت در روز یکشنبه که روز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد ایشان را چنین زیارت می کردند.

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالِدَوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ

سلام بر درخت نبوت و عظمت، هاشمی تابان، که ثمره اش

المُثْمِرَةِ بِالنَّبُوَّةِ الْمُونِعَةِ بِالْإِمَامَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعِكَ

از نبوت و رسیدگی آن از امامت است.^۲ سلام بر تو و بر دو پیامبری

آدَمَ وَنُوحٍ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

که در کنارت خوابیده اند. یعنی آدم و نوح علیهم السلام سلام بر تو

السَّلَامِ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَاقِقِينَ بِقَبْرِكَ

واهل بیت پاکت. سلام بر تو و بر ملائکه گرداگرد و زائر تو.

يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ

ای مولای من، ای امیرمؤمنان، این روز، روز یکشنبه است و آن روز تو و به نام تو است. من نیز در این روز مهمان

۱. بحار الأنوار / ج ۹۹ / ص ۲۱۲ / زیارة امیرالمؤمنین علیه السلام؛ جمال الأسبوع / ص ۳۶ / زیارة

امیرالمؤمنین علیه السلام

۲. به این معنا که میوه درخت ریشه می گیرد و کمال و رسیدگی آن میوه از امامت است

و بدون امامت نارس خواهد بود.

وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ فَأَضِيفْنِي يَا مَوْلَايَ وَأَجِرْنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ

و پناه آورده به شما هستم. بنابراین از من مهمان نوازی کنید. ای مولای من، اجر و پاداش بده. شما بزرگواری و بخشنده

تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ فافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ

هستی و مهمان دوست هستی. از سویی هم مأمور به پناه دادن ما شده‌ای. بنابراین کاری را که به شوق آن خدمت

وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَآلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَبِحَقِّ

رسیده‌ام انجام بده. کاری که امید آن را از تو داشتم. به حرمت ارزش و جایگاهی که نزد خدا دارید و به حرمت

ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.

جایگاهی که خدا پیش شما دارد. همین طور به حرمت پسر عمومت، فرستاده خدا که سلام و درود خدا بر او و خاندانش باد.

دعا برای شیعیان

دعای بیستم

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان در سامرا^۱

سید بن طاووس رحمه الله^۲ نقل می‌کند که در سامرا بودم. به هنگام سحر

۱. بحار الأنوار ج ۵۲/ص ۶۱/باب ۱۸ - ذکر من راه صلوات الله علیه: مهج الدعوات/ص ۲۹۶.

۲. سید ابن طاووس

ولادت:

سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد علیهم السلام در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر حله به دنیا آمد.

تحصیلات:

ابتدای تحصیلات سید ابن طاووس در شهر حله بود که از محضر پدر وجد خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت.

سید با درکی قوی و هوشی سرشار قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام هم‌شاگردی‌های خود سبقت گرفت. وی در کشف المحجبه می‌گوید:

«وقتی من وارد کلاس شدم آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم.»

او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی‌نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود.

شخصیت اجتماعی:

سید بن طاووس در بین علما و مردم زمان خویش از احترام خاصی برخوردار بود. او علاوه بر این که فقیهی نام آور بود ادیبی گرانقدر و شاعری توانا شمرده می‌شد، گرچه شهرت اصلی او در زهد و تقوی و عرفان است و اکثر تألیفات او در موضوع ادعیه و زیارات می‌باشد.

سید کتابخانه بزرگ و بی‌نظیری داشت که از جدش به ارث برده بود و به گفته خودش تمام آن کتابها را مطالعه کرده یا درس گرفته بود.

دعای امام (عج) را شنیدم. بخشی از دعا که برای زنده‌ها
ومرده‌هایشان می‌کرد، این جملات بودند:

«وَأَبْقِهِمْ أَوْ قَالَ وَأَخِيهِمْ فِي عِزَّتِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَدَوْلَتِنَا»

«خدایا، آنها را در دوران عزت و حکومت ما، نگهدار یا فرمودند: زنده کن.»

ایسن اتفاق در تاریخ شب چهارشنبه، سیزدهم ذی القعدة سال
ششصد و سی و هشت رخ داد.



== نقابت سادات:

در دوران اقامت ابن طاووس در بغداد از سوی خلیفه عباسی، المستنصر، پیشنهادهایی
مانند وزارت، سفارت و... به او شد؛ اما سید هیچک را نپذیرفت و استدلالش برای خلیفه
چنین بود که: «اگر من طبق مصلحت شما عمل کنم، رابطه خویش را با خداوند قطع
می‌نمایم و اگر طبق اوامر الهی و عدل و انصاف حرکت کنم، خاندان تو و بقیهٔ وزرا و سفرا
و فرماندهان تو آن را تحمل نخواهند کرد و چنین خواهند گفت که علی بن طاووس با این
رویه می‌خواهد بگوید، اگر حکومت به ما برسد اینچنین عمل می‌کنیم و این روشی است
بر خلاف سیره حکمرانان قبل از تو و مردود دانستن حکومت‌های آنهاست.»

سید در سال ۶۶۱ هجری نقابت علویان را پذیرفت. نقیب بزرگترین شخصیت علمی و دینی
سادات بود که کلیهٔ امور مربوط به سادات را عهده دار می‌شد. این وظایف شامل
قضاوت مشاجرات، رسیدگی به مساکین و مستمندان، سرپرستی یتام و... می‌شد.
البته ایشان تأکید دارد که تنها به خاطر حفظ جان دوستان و شیعیانی که در معرض قتل
و غارت مغول قرار داشتند این منصب را پذیرفته است.
وفات:

سید علی بن طاووس در سال ۶۶۴ هجری در سن ۷۵ سالگی و در شهر بغداد وفات نمود.
بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل نموده و در حرم امیر المؤمنین (عج) به خاک
سپردند.

دعای بیست و یکم

دعای امام زمان علیه السلام برای شیعیان آلوده^۱

از سید بن طاووس نقل شده است که در سحرگاه و در سرداب
سامرا مناجات حضرت را شنیده است که ایشان چنین دعا
می‌کردند:

اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا

خدایا، شیعیان از شعاع نور ما و باقی مانده طینت ما آفریده شده‌اند. از طرفی با تکیه

كثِيرَةً اتَّكَلَا عَلَى حُبِّنَا وَوَلَا يَتَّبِعُنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ

بر محبت و ولایت ما، مرتکب گناهان زیادی شده‌اند.^۲ اگر این گناهان میان آنها

مراجعه کنید به: *مراجعه کنید به: علوم اسلامی*

۱. بحار الأنوار / ج ۵۲ / ص ۳۰۲ / الحکایة الخامسة والخمسون.

۲. البته مقصود برداشته شدن تکلیف از شیعیان نیست؛ زیرا در روایات متعددی آمده است که ما خدا را با ورع عبادت می‌کنیم، شما نیز با ورع عبادت کنید و به امید شفاعت به دنبال ما نیفتید. به قطع اعتقاد به اینکه ولایت اهل بیت انسان را از عمل بی‌نیاز می‌کند، مطابق با عقاید غلات است. ایشان در موارد بی‌شماری تأکید کرده‌اند، کسی که عمل صالح انجام ندهد، به عذاب الهی مبتلا خواهد شد.

نکته عقلی که دلیل قطعی بر این مطلب می‌باشد، آن است که اگر ولایت اهل بیت علیهم السلام انسان را از عمل بی‌نیاز می‌کند، در این صورت خود ائمه برای چه از سوی خدا انتخاب شده‌اند؟! آیا غیر از این است که آنها برای هدایت سایر انسان‌ها قرار داده شده‌اند؟ آیا غیر از این است که امام حسین علیه السلام برای بر پایی دین به شهادت رسید؟ راستی اگر حبّ صوری ایشان کافی بود، نیازی به دین باقی می‌ماند؟ آیا کسی با اهل بیت علیهم السلام دشمنی می‌کرد؟

بنابراین مقصود از این ادعیه کسانی هستند که اهل عبادت و تلاش در دین هستند، اما با این حال گاه و بی‌گاه لغزش‌هایی نیز برایشان رخ می‌دهد، که در این صورت با شفاعت

عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأُضْلِحَ بَيْنَهُمْ وَقَاصَّ بِهَا

و خود شماست، آنها را به خاطر رضایت ما، ببخش. اگر میان خودشان است، ببخش و از

عَنْ خُمْسِنَا وَأَدْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ وَزَخِرْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

خمس ما حساب کن و در بهشت وارد کن و از آتش دوزخ نجات بده و آنها را با

أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.

دشمنان ما در آتش غضبت نسوزان.

این دعا در بسیاری از کتاب‌های متأخرین و علمایی که به زمان

ما نزدیک هستند و یا معاصر ما می‌باشند، به صورت دیگری نقل شده است که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا مِنَّا خُلِقُوا مِن قَاضِلٍ طِينَتِنَا وَعُجِنُوا بِمَاءٍ وَلَا يَتَنَا

خدایا، شیعیان ما از ما خلق شده‌اند. از باقی مانده طینت و گل ما با آب ولایت ما عجین و مخلوط شده‌اند.

=> و دعای اهل بیت علیهم السلام وارد بهشت خواهند شد.

مؤید مطلب آن است که امام از این گناهکاران با عنوان شیعه یاد می‌کند. در حالی که در روایتی امام باقر به جابر جعفی می‌فرمایند: کسانی که اهل معاصی هستند و مدعیند که ما را دوست دارند، دروغگویانی بیش نیستند.

نکته پایانی آن است که این مسأله غیر از مقامات والایی است که انسان تنها باید با تلاش خود به آن دست یابد؛ زیرا این نوع از دعاها که از اهل بیت علیهم السلام صادر شده است، برای نجات دادن از آتش است، نه برای مقام قرب؛ زیرا مقامات مقربین و ابرار بر اهل معصیت حرام است.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فَعَلُوهُ اِتِّكَالاً عَلَى حُبِّنَا وَوِلَاتِنَا يَوْمَ

خدایا، آن عده از گناهانی را که به خاطر تکیه بر محبت و ولایت ما انجام داده‌اند، در روز قیامت

الْقِيَامَةِ وَلَا تُؤَاخِذْهُمْ بِمَا اقْتَرَفُوهُ مِنَ السَّيِّئَاتِ اِكْرَاماً لَنَا وَلَا تُقَاصِبِهِمْ

بیخش و به احترام ما، آنها را برای گناهانی که انجام داده‌اند، نگیر و عذاب نکن و در مقابل

يَوْمِ الْقِيَامَةِ مُقَابِلَ اَعْدَائِنَا فَاِنْ خَفَّفَتْ مَوَازِينَهُمْ فَثَقَّلْهَا بِفَاضِلِ حَسَنَاتِنَا.

دشمنانمان، آنها را قصاص نکن. اگر هم ترازوی اعمالشان سبک شد، از حسنات ما جبران کن.



مرکز تحقیقات علوم دینی

دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک رجب

دعای بیست و دوم

دعای امام زمان علیه السلام در هر روز از ماه رجب^۱

خیر بن عبدالله نقل می‌کند که از جمله نامه‌های امام زمان علیه السلام که به دست محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه رسید دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود. من آن توقیع را نوشته‌ام.

متن توقیع:

در هر روز از رجب این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةُ أَمْرِكَ الْمَأْمُونُونَ

خدایا، به جدّ از تو درخواست می‌کنم با تمام نام‌ها و معنایی که والیان امورت که مورد اعتماد

عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَسِرُّونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُغْلَبُونَ لِعَظَمَتِكَ

تو در حفظ اسرار تو می‌باشند، تو را می‌خوانند، آنان که قدرت تو را توصیف و آشکار می‌کنند.

أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَأَرْكَاناً

خدایا، درخواست می‌کنم با آن اراده‌ای که در میان ایشان جاری شد و تو آنها را معادن علم و پایه‌های

۱. إقبال الأعمال / ص ۶۴۶ / فصل فیما نذکره من الدعوات: البلد الأمين / ص ۱۷۹ / شهر

رجب: المصباح للكفعمي / ص ۵۲۹ / الفصل الثالث والأربعون: بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص

۳۹۲ / باب ۲۳ - أعمال مطلق أيام شهر رجب.

لَتَوْحِيدِكَ وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَغْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ

توحید و نشانه‌ها و مقامات خود قرار دادی، مقاماتی که در هیچ جایی، اگر کسی بخواهد تو را با آن

بها من عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقْهَأَ

مقامات بشناسد، معطل نخواهد ماند. میان تو و آنها هیچ فرقی نیست. مگر اینکه آنها بنده

وَرَتْقُهَا بِبَيْدِكَ بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمَنَاةٌ وَأَرْوَادٌ

و مخلوق تو هستند. امور زندگی و آغاز و بازگشت آنها به سوی توست. آنها یاوران و شاهدان

وَحَفِظَةٌ وَرُودٌ فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا

و هادیان و ذخایر و حافظان و رهبران هستند. تو زمین و آسمان را از آنها پر کردی تا روشن شود

أَنْتَ فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ.

که خدایی جز تو نیست.^۱ درخواست می‌کنم به موقعیت غیر قابل شکست تو و به مقامات و نشانه‌هایت.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتُشِيئًا يَا بَاطِنًا فِي

که بر محمد و خاندانش درود فرستی و ایمان و ثبات قدم مرا افزایش دهی.

۱. مقصود آن است که اهل بیت علیهم‌السلام در اثر عبادت و استعدادهای ذاتی، تجسم صفات خدا شده‌اند. از این رو توحید مجسم هستند؛ یعنی توحید خدا با وجود آنها آشکار شده است. معنای این سخن که میان شما و خدا تفاوتی غیر از این نیست که شما بندگان او و مخلوق او هستید؛ آن است که شما هیچ چیزتان از خودتان نیست. همه چیزتان از خداست. اما به جهت عبادت و بندگی، تبلور صفات او شده‌اید. خدا با چشمان شما می‌بیند و با دستانتان کار می‌کند و با پاهایتان قدم بر می‌دارد. همان جمله معروف که عمر درباره علی علیه‌السلام به آن جوان گناهکار گفته بود: چشم خدا تو را دید و دست خدا تو را زد!

ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِرًا فِي بُطُونِهِ وَمَكْتُونِهِ يَا مُفَرِّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذَّيْجُورِ

ای باطن در ظهورش وای ظاهر در باطنش، ای جدا کننده نور از تاریکی،

يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِ حَادِّ كُلِّ مَحْدُودٍ وَشَاهِدَ كُلِّ

ای توصیف شده به غیر باطن وشناخته شده بدون شبیه، ای محدود کننده

مَشْهُودٍ وَمَوْجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ وَمُخْصِيَّ كُلِّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ

هر محدود و شاهد هر دیدنی و ایجاد کننده هر موجود و شمارنده هر سردنی و معدوم کننده

لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ

هر معدوم، معبودی غیر از تو که شایسته برتری وجود باشد، وجود ندارد.

وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنٍ يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ يَا دَائِمُومٌ يَا قَيُّومٌ وَعَالِمَ كُلِّ

ای کسی که با چگونگی و کجایی سوال نمی‌شود، ای پنهان از چشمان، ای دائمی و پایدار

مَعْلُومٍ صَلَّى عَلَى عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ وَمَلَائِكَتِكَ

و عالم از هر چیزی، بر بندگان برگزیده و انسان‌های پنهان و ملائکه مقرب و حیوانات

الْمُقَرَّبِينَ وَبُهُمْ (بُهُمْ) الصَّافِينَ الْحَاقِينَ وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا

بالدار و پیاده و در این ماه گرمی داشته شده و ماه‌های حرام بعد از آن، برکت را

الرَّجَبِ الْمُكْرَمِ وَمَا بَعْدَهُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ

نازل کن و نعمتت را بر ما کامل نما و قسمت ما را از آن زیاد و قسم ما را خوب گردان.

وَأَجْزِلُ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ وَأَبْرَزُ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ

قسم به اسم اعظم جلیل واکرمی که بر روز قرار دادی، روشن شد، بر شب قرار دادی،

الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَاعْفِرْ لَنَا

تاریک شد. هر گناهی را که از ما می‌دانی و خود ما از آن خیر نداریم، ببخش و ما

مَا تَعَلَّمُ مِنَّا وَلَا نَعْلَمُ وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعِصْمِ وَاكْفِنَا كَوَافِي

را از گناهان و معاصی حفظ کن. ما را با قدرت خود کفایت کن و به خاطر حسن توجهات،

قَدْرِكَ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ

ما را مورد عنایت قرار بده و ما را به دیگری وانگذار و از خیرات، محروم نگردان

خَيْرِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا

و در بقیه عمری که برای ما در نظر گرفته‌ای، زندگی ما را پر برکت و اسرار پنهانی ما را

وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وَمَا

حفظ و امنیت عطا کن و ما را در راستای بهترین ایمان‌ها به کار بگیر و به ماه روزه‌داری

بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و ماه‌های بعد از آن، برسان. ای صاحب جلال و اکرام.

دعای بیست و سوم

دعای دیگری از حضرت در ایام ماه رجب^۱

از جمله دعاهایی که بنابه نقل عیاشی از حضرت بقیة الله صادر شده است و به دست حسین بن روح علیه السلام رسیده است، دعایی است که در روزهای ماه رجب خوانده می شود.

متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ

خدایا از تو می خواهم به احترام دو مولود این ماه: محمد تقی علیه السلام و فرزندش علی النقی علیه السلام.

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ

برگزیده ترین و بهترین قرب ها را بواسطه آنها بر من عطا کنی ای کسی که خوبی ها به خاطر او درخواست

طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ الْمُتَجَبِّ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقَرَّرٍ مُذْنِبٍ قَدْ

و به پاداشی که در نزد اوست، رغبت می شود. درخواست می کنم، مانند درخواست کسی که آلوده به

أَوْبَقْتُهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْثَقْتُهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُءُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا

گناهان است و گناهانش او را هلاک و عیوبش او را به زنجیر بسته است. در خطاها ماندگار و در

خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأُوبَةِ وَالتَّزْوَعَ عَنِ الْحُوبَةِ وَمِنَ النَّارِ

آلودگی ها زمین گیر شده است. او از تو درخواست بازگشت و رجوع و فاصله گرفتن از معصیت و آزادی

۱. اقبال الأعمال / ص ۶۴۷ / فصل فیما نذکره من الدعوات: البلد الامین / ص ۱۸۰ / شهر

رجب: بحار الأنوار / ج ۹۵ / ص ۳۹۳ / باب ۲۳ - أعمال مطلق ایام شهر رجب.

فَكَأَنَّ رَقَبَتَهُ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَتَقْتِهِ

از آتش و گذشت از همه گناهانش را دارد. از طرفی هم تو ای مولایم، بزرگ‌ترین آرزو و تکیه‌گاهش هستی.

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَ(وَسَائِلِكَ) رَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ

خدایا همین طور درخواست می‌کنم به درخواست‌های شریف و دستاویزهای محکم

تَتَّعِمْدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَأَسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَأَزَعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا

که در این ماه مرا با رحمت وسیع و نعمت بی‌پایان و نفسی که تا زمان ورود

رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهَا صَائِرَةٌ.

به قبر و سرای آخرت، به هر چه روزی اش کنی، قانع باشد، فرا بگیری.

دعای بیست و چهارم

دعای امام زمان علیه السلام در ایام ماه رجب^۱

از محمد بن ابی رواد روایتی نقل شده است که محمد بن جعفر دهان به من گفت: بیا به مسجد صعصعه برویم؛ زیرا حضرت امیر علیه السلام در آن نماز خوانده و ائمه هدایت به آنجا تشریف آورده‌اند. به همین جهت مکان مبارکی است. راه افتادیم و به مسجد رفتیم.

در همان موقعی که ما نماز می‌خواندیم، مردی از شترش پیاده شد، آن را در سایه بست، و وارد مسجد شد. دو رکعت نماز خواند و با حوصله تمام، آن را طول داد. بعد دست‌هایش را بلند کرد و دعایی را که در ادامه خواهد آمد، خواند. بعد از دعا، بلند شد و سوار مرکبش شد تا برود. ابو جعفر دهان به من گفت: نمی‌خواهی برویم و بپرسیم که او کیست؟ بلند شدیم و پیش او رفتیم.

گفتم، تو را به خدا قسم می‌دهیم تو کیستی؟ گفت: به نظر شما ممکن است که من کی باشم؟ دهان گفت: من فکر می‌کنم شما حضرت خضر هستید. به من نگاه کرد و گفت: نظر تو چیست؟ گفتم: نظر من هم، همان است که دهان گفت!

فرمود: به خدا قسم، من کسی هستم که خضر مشتاق دیدار اوست. برگردید من امام زمانتان هستم.

اما متن دعا:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَّنِ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ

خدایا، ای صاحب عنایت‌های فراوان و گسترده و قدرت جامع و نعمت‌های بزرگ

الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ

و عطایای عظیم و هدایای زیبا و با ارزش، ای کسی که با تشبیه به دیگران ستوده نمی‌شود

وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يُغْلَبُ

و با یاری دشمنان به همدیگر، شکست نمی‌خورد، ای کسی که خلق کرد و روزی داد،

بِظَهْرِ يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَاللَّهُمَّ فَانْطِقْ وَابْتَدِعْ فَشَرِّعْ وَعَلَا فَارْتَفِعْ

معانی را الهام کرد و سخن گفتن را آموخت، خلقت را آغاز کرد و علو یافت و به

وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَأَعْطَى

نیکی‌ی، تقدیرات عالم را تنظیم نمود و کودکان را در شکم مادران به زیبایی ترسیم

فَأَجْزَلَ وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ يَا مَنْ سَمَّا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا

کرد. حجتش را ابلاغ و نعمتش را کامل و عطایش را فراوان نمود، ای کسی که در عزت خود

فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَاءَ لَهُ فِي

علو یافت و از افق دیدها، بالاتر رفت. در لطافت و ظرافت به اندازه‌ای رسید که افکار به آن راه

مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ

نیافتند. ای کسی که در ملک خود یگانه است و در اوج سلطنتش شریکی برای خود ندارد. در کبرایی

شأنه يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَأَنْحَسَرَتْ

ویزرگی و نعمت، یکتا شد در نتیجه ضدی برایش متصور نیست. ای کسی که در عظمت وجودش،

دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ

دقیق‌ترین عقل‌ها و فکرها، سرگردان و متحیرند و دقیق‌ترین چشم‌ها در رویت عظمتش، خسته

لِهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ

می‌شوند و می‌افتند. ای آنکه چهره‌ها در برابر هیبتش، خاضع و گردن‌ها خاشع و دل‌ها هراسانند.

أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمَدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَيَّ

در خواست می‌کنم به خاطر این مدح و ثنایی که شایسته کسی جز تو نیست

نَفْسِكَ لِذَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ

و به خاطر عهدی که بر خود هستی تا دعای مؤمنین را اجابت کنی و به خاطر

لِلذَّاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ وَيَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ

ضمانتی که درباره اجابت دعای دعا کنندگان نموده‌ای، ای شنواترین و بیناترین

وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و مراقب‌ترین و سریع‌ترین و حساب‌ترین و حاکم‌ترین و مهربان‌ترین و مهربانان.

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

بر محمد که خاتم پیامبران است و خاندانش دورد فرست و در این ماه، از

وَأَنْ تَقْسِمَ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ وَأَنْ تَخْتِمَ لِي فِي

بهترین چیزی که تقسیم کردی، به من نیز عنایت کن و بهترین قضای حتمی خود

قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَتَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ وَأَحْيِي

را در مورد عاقبت من قرار بده و عاقبت به خیرم کن. زندگیم را پر برکت و مرگم

مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً وَأَمِيتَنِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي

را با شادی و بخشش همراه ساز. خود متولی نجات من از سوالات قبر وبرزخ باش

مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبَرْزَخِ وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا

و نکیه و منکر را از من برگردان و بشیر و مبشر را به من نشان بده. بازگشت مرا

وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيْرًا وَعَيْشًا قَرِيْرًا وَمُلْكًا

به بهشت رضوان قرار ده و عیش و ملک بزرگی را عنایت فرما و صبحگاهان

كَبِيْرًا وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُكْرَةً وَأَصِيْلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و شبانگاهان، بر محمد و خاندانش سلام و درود فرست. ای مهربانترین مهربانان.

سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى رَحْمَتِكَ مِنْ

خدایا، تو را به گره‌های عزتت که بر پایه‌های عرش خورده اند و نهایت رحمتی که در قرآن

كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَذِكْرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ

و عده داده‌ای و اسم اعظم عظیم و ذکر بلند و اعلی و همه مخلوقات کاملت، قسم می‌دهم که بر

التَّامَاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى

محمد و خاندانش درود فرستی. همین طور هر چیزی را که به عهد تو وفا کننده تر و حَقَّت را

بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ

ادا کننده تر و راضی کننده خودت و خیر من برای حضور و بازگشت به سوی تو باشد، درخواست

وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي جَمِيعَ مَا أَحِبُّ وَتَصْرِفَ عَنِّي جَمِيعَ مَا

می‌کنم. خدایا هر چیزی را که دوست دارم به من عطا کن و هر چه را که از آن بدم می‌آید،

أَكْرَهُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از من دور ساز؛ چرا که تو بر هر چیزی توانایی داری. با رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای بیست و پنجم

زیارت قبور ائمه علیهم السلام در ماه رجب^۱

خیر بن عبدالله از ابوالقاسم بن روح رحمته نقل می‌کند که فرمود: اگر در ماه رجب به زیارت حضرات معصومین علیهم السلام رفتی، این طور زیارت کن:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ

خدا را ثنا می‌گویم که توفیق زیارت اولیای خودش را در ماه رجب نصیب کرد و آنچه را که از حق

حَقَّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ وَعَلَى أَوْصِيَائِهِ الْحُجُبِ

ایشان بر من واجب بود. واجب ساخت و صلوات خدا بر محمد برگزیده و جانشینان و حافظان دینش.

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ

خدایا، همان طور که توفیق زیارتشان را روزیم کردی، وعدهشان

غَيْرِ مُحَلِّئِينَ عَن وِرْدٍ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ وَالْخُلْدِ. وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ

را محقق کن و ما را در محل آنان در بهشت وارد کن. و سلام بر شما.

إِنِّي قَدْ قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَّتِي وَ هِيَ فَكَأَكُ

که شما را قصد کردم و در درخواست‌ها و نیازهایم به شما تکیه کردم.

۱. إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فیما نذکره من زیارة مختصة بشهر رجب: مصباح

المتجهّد / ص ۸۲۱ / زیارة رواها ابن عیاش: بحار الأنوار / ج ۹۹ / ص ۱۹۵ / باب ۸-

الزیارة الجامعة.

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِيعَتِكُمْ الْأَبْرَارِ.

نیازهایم عبارتند از: آزادیم از آتش و همراهی شما و شیعیان‌تان در بهشت.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَنَا سَأَلْتُكُمْ وَأَمَلْتُكُمْ

سلام بر شما به خاطر صبرتان، که عاقبت نیکو برای صابران است. از شما در آنچه که به شما

فِيمَا إِلَيْكُمْ فِيهِ التَّفْوِيزُ وَعَلَيْكُمْ التَّغْوِيزُ فَبِكُمْ يُجَبِّرُ الْمَهِيضُ

سپرده شده و یا قدرت تفویض دارید. آروزمندم. شکسته با شما بهبود می‌یابد و مریض

وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَعِنْدَكُمْ مَا تَزِدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ إِنِّي بِسِرِّكُمْ

از شما شفا می‌گیرد. شما می‌توانید محبت میان ارحام را افزایش و یا کاهش دهید. من به

مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعَتِي بِحَوَائِجِي

سر شما ایمان دارم و سخت‌تان را می‌پذیرم و با شما خدا را قسم می‌دهم که در بازگشت از خانه شما،

وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا وَبِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا.

حوائجم برآورده شده و حتمیت یافته و از مشکلات نجات یابم و در تمام شئون زندگی‌م به صلاح برسم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ مُودَعٍ وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودَعٌ يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ

سلام بر شما، سلام کسی که وداع می‌کند و حوائجش را نزد شما به امانت می‌سپارد.

الْمَرْجِعَ وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرٌ

از خدا توفیق مراجعت به نزدتان را می‌خواهم. همین طور مرا از خدمتتان به

مَرْجِعٍ إِلَىٰ جَنَابِ مُرْعٍ وَخَفْضِ مُوسَىٰ وَدَعَا وَ مَهَلٍ إِلَىٰ حِينِ الْأَجَلِ

بهترین محلی که سرشار از نعمت و وسیع است تا روز مرگم، ببرد

وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلِّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْأَكْلِ

و بهترین بازگشتگاه و محل نعمت و ابدیت و زندگی مورد قبول و خوردن

وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍ وَنَهْلٍ لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

دائمی و نوشیدن از رهیق و سلسیل و علّ و نهل را عنایت فرماید، که

وَ بَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ حَتَّىٰ الْعُودِ إِلَىٰ حَضْرَتِكُمْ وَالْفُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ.

هیچ ناراحتی در آنها نیست تا اینکه به خدمت شما برسم و در زمره شما

وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ

محشور شوم. سلام و رحمت خدا و برکاتش و صلوات و تحیاتش بر شما باد.

وَ تَحِيَّاتُهُ. وَ هُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

او ما را کفایت می‌کند و بهترین وکیل است.

دعاهای امام زمان علیه السلام در ماه مبارک رمضان

دعای بیست و ششم

دعای افتتاح در شبهای ماه مبارک رمضان^۱

محمد بن محمد بن نصر سکونی رضی الله عنه نقل می کند که از ابوبکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا دعاهایی را که عمویش محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه در ماه رمضان با آنها دعا می کرد، به من بدهد. او نیز دفتری با جلد سرخ را به من داد. من از روی آن دعاهای زیادی را نوشتم. از جمله آن دعاها که در همه شبهای ماه رمضان خوانده می شود، دعای افتتاح است. آن را ملائکه می شنوند و برای خواننده اش، استغفار می کنند.

متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ وَأَيَقَنْتُ

خدایا، ثنایت را با ستایش آغاز می کنم. تو با عنایت خود، خوبیها را تثبیت می کنی.

أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ

یقین دارم که در موقع عفو، مهربانترین مهربانانی. همان طور که در موقع عذاب

۱. اقبال الأعمال / ص ۵۸ / فصل فیما نذکره من دعاء الافتتاح؛ تهذیب الأحکام / ج ۳ /

ص ۱۰۸ / دعاء اول یوم من شهر رمضان.

النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ.

شدیدترین عقاب کنندگانی و در موقع عظمت و بزرگی، عظیم‌ترین متکبران هستی.

اللَّهُمَّ أَذْنَتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي وَأَجِبْ

خدایا خود، اجازه دعا و درخواست داده‌ای، پس ای شنوا به مدح و ثنایم گوش بده، ای مهربان،

يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ

دعایم را مستجاب کن، ای بخشنده، جلوی لغزش‌هایم را بگیر، ای خدای من، تا کون چقدر گرفتاری‌ها

فَرَجَّتَهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلَقَةٍ

که برایم گشودی و چقدر ناراحتی‌ها که برطرف کردی و لغزش‌ها که حفظ کردی و رحمت‌ها که منتشر

بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ

کردی و حلقه‌های بلا که دفع کردی، حمد و ثنا خدایی را سزااست که همراه و فرزندی ندارد

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

وشریکی در ملک و سرپرستی در ذلت‌ها ندارد، او را بزرگ‌تر از آنکه ستایش شود، می‌دانم،

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

حمد و سپاس خدا را، با همه اوصافش و بر همه نعمت‌هایش، حمد خدایی را که در

لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ

ملک خود ضدی ندارد و در اراده‌اش، مخالفی نیست، حمد خدایی را که شریکی در خلقت

لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَيْبَةَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ

و شبیهی در عظمت ندارد. حمد خدایی را که اراده‌اش را در خلقت فاش کرده

وَحَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ

و شکوهش در کرامتش ظاهر شده و دستش در جود باز گشته است. کسی که خزاننش کم

و لَا يَبِيدُ مُلْكُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.

و ملکش از بین نمی‌رود و کثرت عطا یا، سخاوتش را بیشتر می‌کند. آری او عزیز و بخشنده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ

خدایا، من از جود فراوان تو، تنها کمی را درخواست می‌کنم. آنهم با همه نیاز من و بی نیازی تو

قَدِيمٍ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي

از آن. آن حاجت برای من بسیار و برای تو آسان است و کوچک است. خدایا، عفو تو

وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَلَيَّ قَبِيحِ عَمَلِي

از گناهانم و گذشتت از خطاها و ظلم‌هایم و پوشانیدن اعمال بدم و بردباریت

وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطِيئِي وَعَمْدِي أَطْمَعَنِي فِي

در برابر جرم‌های فراوانم، مرا به طمع انداخته تا از تو چیزهایی را بخواهم

أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ

که شایسته آنها نیستم. تویی که از رحمت خود روزی‌ام دادی و قدرتت را نشانم دادی

قَدَرْتِكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا

و اجابتت را بر ایم روشن ساختی. با امنیت خاطر و انس دعا می‌کنم. نه با ترس و وحشت.

لَا خَافًا وَلَا وَجَلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَ

نیت خود را به آسانی بیان می‌کنم. اگر دیر اجابت کنی، از سر نادانی، سرزنش می‌کنم.

عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ

در حالی که شاید دیر شدن اجابت به صلاح من باشد؛ زیرا تو از عاقبت امور آگاهی.

بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرِ مَوْلَى كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٌ لَيْسَ مِنْكَ عَلَيَّ.

مولایی به بزرگواری تو که بر بنده پستی مانند من تا این حد صبر کند، نمی‌شناسم.

يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِيَّ عَنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَعُضُ إِلَيْكَ

پروردگارا، تو مرا می‌خوانی و من از تو روی می‌گردانم. تو اظهار محبت می‌کنی و من رفتار

وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ

دشمنانه پیش می‌گیرم. تو با من دوستی می‌کنی و من قبول نمی‌کنم. گویا این منم که در حق

مِنَ الرَّحْمَةِ بِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

تو لطف می‌کنم. اما تو را بنگر، که همه این بی‌ادبی‌ها مانع از احسان و آقایی تو

فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

نمی‌شود. خدایا، بر بنده جاهلت رحم کن و با احسانت یا او رفتار کن. تو جواد و بزرگواری

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسْخِرِ الرِّيَّاحِ قَالِقِ الْإِصْبَاحِ

حمد برای خدایی است که مالک ملک، حرکت دهنده کشتی‌ها، تسخیر کننده بادهای،

دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

طلوع دهنده فجر، قانونگذار دین و پروردگار عالمیان، حمد خدا را، به خاطر حلم بعد از

عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ

آگاهی، عفو بعد از قدرت، مهلت دادن بعد از غضب، او که بر هر کاری که بخواهد تواناست.

الْقَادِرُ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ وَبَاسِطِ الرِّزْقِ ذِي الْجَلَالِ

حمد خدایی را که خالق مخلوقات و گسترنده سفره، روزی و صاحب جلالت و کرامت است.

وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقَرَّبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى

کسی که دور می‌شود و دیده نمی‌شود، نزدیک می‌شود و ززمزه‌ها را می‌شنود، او که

تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَيْبُهُ يُشَاكِلُهُ

واسع و متعالی است، حمد خدایی را که منازعی ندارد تا همترازی کند، شبیهی ندارد

وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءَ وَتَوَاضَعَ لِعِظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ فَبَلَغَ

تا همشکلی کند، یابوری ندارد تا کمک کند، با عزت خود، بر عزیزان عالم غالب شده

بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أَنْادِيهِ وَيَسْتُرُنِي عَلَيَّ كُلَّ

و در برابر عظمتش، بزرگان عالم تواضع کرده‌اند، او که با قدرتش به خواسته‌هایش

عَوْرَةٌ وَأَنَا أَعْصِيهِ وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ

رسیده است. حمد خدایی را که هر وقت بخوانم، اجابت می‌کند و با اینکه معصیت‌کارم،

هَنِيئَةً قَدْ أَعْطَانِي وَعَظِيمَةً مَخُوفَةً قَدْ كَفَّانِي وَبَهْجَةً مُوْنِقَةً قَدْ أَرَانِي

بدهایم را می‌پوشاند. نعمت‌های فراوانی می‌دهد، در حالی که من چیزی در مقابلشان

فَأْتِنِي عَلَيْهِ حَامِداً وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ

به او نمی‌دهم. چقدر مواهب گوارایی که عطا کرده و ترس‌های بزرگی که

وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يَرُدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ

برطرف کرده و شادی و سروری که نشانم داده، پس او را ستایش و تسبیح

الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّادِقِينَ وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ

می‌گویم. حمد خدایی را که کوبنده متکبران و ظالمان، گیرنده فرار کنندگان،

وَيُهْلِكُ مُلُوكاً وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ

عذاب دهنده ظالمان و فریادرس مظلومان، برآورنده حاجات طالبان، مورد

الظَّلْمَةِ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ نَكَالِ الظَّالِمِينَ صَرِيحِ الْمُسْتَضْرِحِينَ مَوْضِعِ

اعتماد مؤمنان است. حمد خدایی را که از ترسش، آسمان و سکان آن دچار رعد

حَاجَاتِ الظَّالِمِينَ مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ

وبرق می‌شود و زمین و عمارت‌های آن، می‌لرزد و دریاها و تمام آنچه که

تَرَعْدُ السَّمَاءَ وَسُكَّانَهَا وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ

در اعماق آن خدا را تسبیح می‌گویند، دچار موج می‌شوند، حمد خدایی را که

وَمَنْ يَسْبِغُ فِي غَمْرَاتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقْ

خلق می‌کند ولی خلق نمی‌شود، روزی می‌دهد و داده نمی‌شود، می‌خوراند ولی

وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى

خورانده نمی‌شود، زنده‌ها را می‌میراند و مرده‌ها را زنده می‌کند، در حالی که خود،

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

زنده‌ای است که نمی‌میرد و همه خیرات عالم به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ

خدایا، بر محمد، بنده و فرستاده و امین و برگزیده و دوست و منتخب

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَصَبِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ

و حافظ اسرار و رساننده پیغامها، بهترین و کامل‌ترین و زیباترین

وَأَكْمَلَ وَأَجْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا

و پاکترین و رشد کننده‌ترین و بیشتر از آنچه که صلوات و برکات

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ

و ترحمات و مهربانی‌ها و سلام‌ها را بر احدی از بندگان و انبیاء

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ

وپیامبران ومنتخبان و محترمین خلقت، فرستاده‌ای بر او فرست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدایا، بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول خدا و بر صدیقه طاهره

وَعَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ

فاطمه سرور زنان عالم، درود فرست، خدایا، بر دو نوه پیامبر

عَلَى سِبْطَيْ الرَّحْمَةِ وَإِمَامَيْ الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ

دو امام هدایت، حسن و حسین، سرور جوانان اهل بهشت درود

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَصَلِّ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ

و سلام فرست، خدایا، بر امامان مسلمانان، حجّت‌های تو در میان بندگان

حُبَّجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأُمَّنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً.

و امینان تو در شهرهایت، سلام و درود فراوان و دائمی بفرست.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ

خدایا، همین طور بر ولی امرت، قائم آرزو شده و عدل مورد انتظار درود فرست و او را

اخْفِئْهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

با ملائکه مقرب خود احاطه کن و با روح القدس تقویتش کن. ای پروردگار عالمیان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ

خدایا، او را خواننده به سوی کتابت و برپا کننده دینت، قرار بده و او را در زمین جانشین خودت بکن.

كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَانَ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَبْدَلَهُ

همان طور که ائمه قبل از او را جانشین کردی. خدایا در اجرای دینش قدرت بده و خوفش را با امنیت

مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ

جایگزین کن تا تو را با اخلاص بندگی کند. خدایا، او را عزیز گردان و با او دینت را عزیز کن.

وَأَنْصُرُهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ وَأَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا عَظِيمًا.

او را یاری کن و با او دینت را یاری گردان. او را عزیزانه یاری کن و فتح عظیمی را برایش رقم بزن.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَمِلَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ

خدایا، دین خود و مکتب نبیّت را با او ظاهر کن، تا از اظهار هیچ حقی تقیه نکند.

مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا

خدایا، دولت کریمه‌ای را می‌خواهیم که اسلام و مسلمین را با آن عزت بخشی و نفاق

الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ

واهلش را ذلیل کنی و ما را در آن دولت، از داعیان به اطاعت و سرسپردگی

إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

در راحت قرار دهی و با آن دولت، بزرگواری دنیا و آخرت را روزیمان کنی.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ.

خدایا، آنچه که از حق به ما نشان دادی، عامل به آن کن و اگر قصور کردیم، توفیق بده.

اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهٍ شَعْنَنَا وَاشْعَبَ بِهٍ صَدْعَنَا وَارْتُقُ بِهٍ فَتَقْنَا وَكَيْزُ بِهٍ قِلْتَنَا

خدایا، با ظهور او پراکندگیمان را وحدت و شکافهایمان را پر و بریدگیهایمان را پیوند و کسی ما را زیاد

وَأَعِزُّ بِهٍ ذِلَّتْنَا وَأَغْنِ بِهٍ عَائِلَتْنَا وَأَقْضِ بِهٍ عَن مَّغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهٍ فَقْرَنَا

و ذلتمان را عزت و نیازمندانمان را بی نیاز و بدهکارانمان را بی قرض و فرمان را جبران و شکافهایمان را

وَسُدِّ بِهٍ خَلَّتْنَا وَيَسِّرْ بِهٍ عُسْرَنَا وَيَبِّضْ بِهٍ وُجُوهَنَا وَفُكِّ بِهٍ أَسْرَنَا

محکم و سختیهایمان را آسان و رو سیاهیمان را درو سفیدی و اسیرانمان را آزاد و آرزوهایمان را

وَأَنْجِحْ بِهٍ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهٍ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ بِهٍ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهٍ

برآورده و وعدههایمان را محقق و دعاهایمان را مستجاب و بیش از خواستههایمان عطا کن. ای بهترین

فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اشْفِ بِهٍ صُدُورَنَا

درخواست شده و وسیعترین عطاکنندگان، با ظهورش سینههای ما را شفا و عصبانیت جانهایمان را

وَأَذْهَبْ بِهٍ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهٍ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي

آرام کن و ما را در مواردی از حق که مورد اختلاف است، هدایت کن؛ زیرا تو هر کسی را که بخواهی به راه

مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْصُرْنَا عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُّوْنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

راست هدایت می کنی. ما را در برابر دشمن خودت و ما، یاری کن. معبود حق، دعایمان را مستجاب کن.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَغَيْبَتَنَا وَكثْرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ

خدایا، ما از نبودن پیامبر و غیبت امام و زیادی دشمنان و شدت گرفتاری‌ها و فتنه‌های

بِنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ

دشمنان و غلبه زمان، شکایت می‌کنیم. بر محمد و خاندانش درود فرست و بر این گرفتاری‌ها

بِقَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرِ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقِّ تُظْهِرُهُ

فائق آور با یک پیروزی از جانب تو که سریع باشد و سلطنت حقی که آشکارش کنی و رحمتی

وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که به ما نشان دهی و عافیتی که بر تنمان بپوشانی. با رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

دعای بیست و هفتم

دعای دیگری در هر شب از ماه مبارک رمضان^۱

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا وَفِي عَلِيِّينَ فَارْزُقْنَا وَبِكَأْسٍ

خدایا، بواسطه رحمتت ما را در زمره صالحان وارد کن و به مقام علیین بالا ببر

مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَأَسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا

و با کاسه‌ای، از آب زلال چشمه سلسیل سیراب کن و از حورالعین تزویج نما

وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمَخْلُودِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلُو مَكَتُونَ فَأَخْدِمْنَا وَمِنَ ثَمَارِ الْجَنَّةِ

و از پسران ماندگار بهشتی که مانند لولو می‌درخشند، برایمان خادم و از میوه‌های بهشت

وَلَحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنَ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ

و گوشت‌های پرندگان آن، غذا و از لباس‌های زخیم و نازک حریر برایمان لباس قرار بده.

فَأَلْبِسْنَا. وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ

توفیق درک شب قدر و حج بیت الله الحرام و شهادت در راه خودت را به همراه ولایت عنایت فرما.

فَوْقَ لَنَا وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا اسْمِعْ

دعاهای صالح و درخواست‌های خوبمان را اجابت کن. ای خالق ما، دعاهايمان را بشنو

وَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا

و مستجاب کن. زمانی که اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع کردی، به ما رحم کن.

وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَأَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ فَكُتِبَ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا

نجات از آتش و امان از آن را بر ایمان ثبت کن. در جهنم واردم ننما

وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تُقِرَّنَا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ فَلَا تَقْلِبْنَا

و با شیاطین هم نشین ننما. در خواری و عذابت، ما را نگردان.

وَمِنَ الزُّقُومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِي النَّارِ عَلَيَّ وَجُوهَنَا فَلَا تَكُيِّبْنَا.

از زقوم و چرک‌های دوزخ نخوران. با صورت ما را در دوزخ نینداز.

وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَائِيلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ

از لباس‌های آتشین و مس‌های گداخته نبوشان. ای کسی که جز تو خدایی نیست.

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَجِنَّا.

به حق خودت ما را نجات بده.

دعای بیست و هشتم

دعای امام زمان علیه السلام بعد از نماز صبح روز عید فطر^۱

سکری رضی الله عنه نقل می‌کند که از احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم تا از دعاهای ماه رمضان در اختیارم قرار دهد. از آن دعاهایی که عمویش محمد بن عثمان عمری می‌خواند، او نیز دفتری که جلد سرخی داشت، بیرون آورد. در آن دعاهای ماه مبارک رمضان وجود داشت که از جمله آنها دعای بعد از نماز صبح روز عید فطر بود.



متن دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي وَعَلِيٍّ وَجَعْفَرٍ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ

خدایا، متوجه تو شدم با محمد صلی الله علیه و آله از جلو و علی و جعفر علیهما السلام از پشت سر و از راستم و سایر امامان علیهم السلام

يَمِينِي وَأَيْمَتِي عَنْ يَسَارِي أَسْتَرُّ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَى

از سمت چپم. به وسیله آنها خودم را از عذابت استار می‌کنم و تقرب می‌خواهم که احدی

لَا أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَيْمَتِي فَأَمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ

نزدیکتر از آن نیست. آنها امامان من هستند. به آنها مرا از خوف عذابت ایمن کن و با

۱. إقبال الأعمال / ص ۲۷۵ / فصل فیما نذکره من صلاة الفجر يوم الفطر؛ بحار الأنوار / ج

۸۸ / ص ۱ / باب ۲؛ أدعية عيد الفطر؛ مصباح العتجد / ص ۶۵۵ / الدعاء بعد صلاة العيد.

۲۳۶ دعاهای صادره از امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت صغری

عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ

رحمت خود در میان بندگان صالحت داخل گردان. در حالی صبح کردم که به خدا مؤمن و مخلص

بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ

هستم و بر دین محمد و سنت او و بر دین علی و سنت او و بر دین جانشینان او و سنت‌های

وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَّتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى

ایشان می‌باشم. من به نهان و آشکار ایشان ایمان دارم و به همان چیزی که محمد و علی

اللَّهِ فِيمَا رَغِبَ فِيهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْأَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

و جانشینانشان در آنها رغبت نشان دادند، رغبت نشان می‌دهم. مانع و قدرتی غیر از خدا نیست.

وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ

هیچ عزت و ممانعت و سلطنتی برای غیر خدای یکتای قهار عزیز و متکبر نیست. بر او

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

توکل می‌کنم؛ زیرا هر کسی که بر او توکل کند، خدا کفایتش می‌کند و به خواسته‌اش می‌رساند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِدُنِي وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي وَأَقْضِ لِي

خدایا، من تو را می‌خواهم، تو هم مرا بخواد. ثوابت را می‌خواهم. آن را برایم آسان

حَوَائِجِي فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ

گردان و نیازهایم را برآورده ساز. تو خود در قرآن فرمودی: «ماه رمضان ماهی

فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْقُرْآنِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ

است که قرآن در آن برای هدایت انسانها و روشنگری نازل شده است.»^۱ آری

شَهْرٍ رَّمْضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَضْيِيرِكَ

حرمت ماه مبارک رمضان را به خاطر نزول قرآن و اختصاص آن به شب قدر

فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ

بزرگ داشتی و فرمودی: «شب قدر بهتر از هزار ماه است و ملائکه و روح با

وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ.

اجازه خدا در آن شب تا طلوع فجر برای تقدیر همه کارها نازل می‌شوند.»^۲

اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ وَلَيْالِيهِ قَدْ تَصَرَّمْتَ وَقَدْ

خدایا، این ماه رمضان هم تمام شد و از آن خارج شدم به آنچه که

صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَىٰ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَأَخْصَىٰ لِعَدَدِهِ مِنْ

تو بهتر می‌دانی پس درخواست می‌کنم خدایا، با آن نام‌هایی درخواست می‌کنم

عَدَدِي فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ

که بندگان صالحت با آنها تو را صدا زدند تا بر محمد خاندان

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ

واهل بیت او صلوات بفرستی و همه اعمالی که قصد تقرب داشتم، بپذیری

بِهِ إِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرْبَاتِي

و با مضاعف کردن اعمال و قبول تقرب و اعمال و استجابت دعاهايم.

وَاسْتِجَابَةَ دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْكَ عِثْقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَمَنْ عَلَيَّ

بر من تفضل و عنایت کنی و آزادی از آتش را بر من ببخشی و رسیدن

بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ

به بهشت را روزی گردانی و در روز رستاخیز از هر ترس و صحنه

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ

هولناکی که برای قیامت در نظر گرفته‌ای. امان دهی. خدایا، به جمال

الصَّالِحِينَ أَنْ يَنْصَرِمَ هَذَا الْيَوْمُ وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُؤَاخِذَنِي بِهَا

کرامت پناه می‌برم. از اینکه این روز هم بگذرد اما لغزش و گناهی

أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهِ وَتُسْقِيَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ

نبخشد به مانند و فردای قیامت مرا با آن مواخذه و عذاب کنی و آبرویم

أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ

را ببری. از تو به حرمت جمال کریمانه‌ات که هر چه را اراده کند.

الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

انجام می‌دهد و کن فیکون می‌کند، درخواست بخشش دارم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ

خدایا، به حرمت لا اله الا الله درخواست می‌کنم که اگر در این ماه

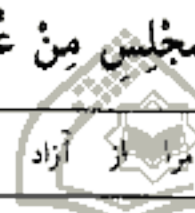
أَنْ تَزِيدَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي رِضًا وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فِي هَذَا

از من راضی بودی، رضایت را در مابقی عمرم، بیشتر کن. اما اگر

الشَّهْرِ فَمِنَ الْآنَ فَارِضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِي فِي

راضی نبودی، همین الآن همین الآن، همین الآن، راضی شو. و همین الآن

هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُنُقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطَلْقَائِكَ مِنْ

و همین جایی که نشسته‌ام  از آزاد شدگان دوزخ قرار بده. از آنان

جَهَنَّمَ وَسُعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که به سعادت مغفرت و بخشایش نایل شدند. ای مهربان‌ترین مهربانان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا

خدایا، به حرمت جمال کریمانه‌ات، درخواست می‌کنم که این ماه را از آغاز آفرینش،

خَيْرَ شَهْرٍ رَمَضَانَ عَبْدُكَ فِيهِ وَصُمْتُهُ لَكَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْذُ

بهترین رضای قرار بده که تو را پرستیده‌ام و روزه گرفته و تقرب جست‌ام. آن را

أَسْكَنْتَنِي الْأَرْضَ أَكْبَرَهُ أَجْرًا وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً

مأجورترین و سرشارترین از نعمت و شامل‌ترین از عافیت و واسع‌ترین از روزی

وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَفْضَلَهُ عِتْقًا مِنَ النَّارِ وَأَوْجِبَهُ رَحْمَةً وَأَعْظَمَهُ

و با فضیلت‌ترین از جهت رهایی از آتش و لازم‌ترین از نظر رحمت و بزرگ‌ترین از نظر

مَغْفِرَةً وَ أَكْمَلَهُ رِضْوَانًا وَأَقْرَبَهُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى.

مغفرت و کامل‌ترین از نظر بهشت و نزدیک‌ترین از نظر آنچه که دوست داری، قرار بده.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُنْمَتُهُ لَكَ وَارْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ

خدایا، آن را آخرین رخصتی قرار نده که روزه گرفتیم و مکرر توفیق رمضان را نصیب کن

حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَأَنْتَ عَنِّي

تا پیوسته از من راضی شوی و مرا با سلامت کامل از دنیا خارج کنی درحالی که تو

رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ

از من راضی هستی و مرا راضی کرده ای. خدایا، در قضا و قدر حتمی و غیر قابل تغییر

الْمَخْتُومِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتَبِنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي

خود، مرا در این سال و هر سال دیگری از حجاج بیت الله الحرام بنویس. حاجیانی

هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ الْمَبْرُورِ حَجَّتُهُمُ الْمَشْكُورِ سَعِيَّتُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ

که حجاجان خوب و پسندیده و سعیشان مأجور و گناهانشان بخشیده و اعمال حجاجان

الْمُتَقَبَّلِ عَنْهُمْ مَنَاسِكُهُمُ الْمُعَافَيْنِ عَلَى أَسْفَارِهِمُ الْمُقْبِلِينَ عَلَى نُسُكِهِمْ

قبول و سفرشان در عافیت باشد و با اقبال قلبی مناسکشان را انجام داده اند و جان و مال

الْمَحْفُوظِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذَرَائِبِهِمْ وَكُلِّ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ

ونسلسان حفظ شده است. مرا در هر آنچه که به آنها روزی کردی سهم گردان.

اللَّهُمَّ اقْبَلْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا فِي شَهْرِي هَذَا فِي يَوْمِي هَذَا فِي

خدایا، مرا در همین مجلس و همین ماه و همین روز و همین

سَاعَتِي هَذِهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي مَغْفُوراً ذَنْبِي مُعَافَى مِنَ النَّارِ

لحظه رستگار و نجات یافته و مستجاب و بخشیده شده

وَمُعْتَقاً مِنْهَا عِتْقاً لَا رِقَّ بَعْدَهُ أَبَداً وَلَا رَهْبَةً يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ.

ورها شده از آتش فرار بده. ای پروردگار مهربان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا شِئْتَ وَأَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ

خدایا، از تو می‌خواهم که در آنچه که خواستی و اراده کردی و قضا کردی

وَحَتَمْتَ وَأَنْقَضْتَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُثَبِّتَ فِي أَجَلِي وَأَنْ تُقَوِّمَ

و تقدیر نمودی و حتمت دادی و حکم نمودی، عمرم را دراز کنی و اجلم را از

ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ فَقْرِي وَأَنْ تَجَبِّرَ قَاقَتِي وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتِي وَأَنْ

یاد ببری و ضعفم را تقویت و فقرم را جبران و نیازهایم را برطرف سازی و بر

تُعَزِّ ذَلِّي وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعْفِي وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي وَأَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي

بیچارگی‌ام رحم نسایی و ذلتم را عزت و زمینگیری‌ام را رفعت بخشی و مخارجم را

وَأَنْ تُكَثِّرَ قَلْبِي وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَيُسِّرْ وَخَفِّضْ وَأَنْ تُكْفِيَنِي

تأمین و تنهاییام را آنس و کسیم را زیاد کنی و روزیام را در عافیت و آسانی

مَا أَهَمَّتَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى نَفْسِي فَأَعْجِزْ

قرار دهی و امورات مشکل دنیا و آخرتم را کفایت کنی و مرا به خودم وانگذارى؛

عَنْهَا وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي وَ أَنْ تُعَافِيَنِي فِي دِينِي وَ بَدَنِي

زیرا در این صورت از آنها عاجز خواهم ماند. همین طور مرا به مردم وانگذار که

وَجَسَدِي وَ رُوحِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ أَهْلِ مَوَدَّتِي وَ إِخْوَانِي وَ جِيرَانِي

مرا خواهند راند. مرا در دین و بدن و جسم و روح و فرزندان و خانواده و دوستان

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ

و برادران و همسایگان اعم از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات، زنده و مرده

وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تُسَنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّكَ وَلِيِّي

ایشان، عافیت بخش و امنیت و ایمان تا روزی که زندهام، عنایت کن؛ زیرا تو ولی

وَمَوْلَايَ وَ نِقْتِي وَ رَجَائِي وَ مَعْدِنُ مَسْأَلَتِي وَ مَوْضِعُ شَكْوَايَ وَ مُنْتَهَى

و سرور و مورد اعتماد و امید و معدن نیازها و محل گلایهها و نهایت علاقههای من هستی.

رَغْبَتِي فَلَا تُخَيِّبْنِي فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِي وَ رَجَائِي.

بنابرین ای سرور و مولایم مرا در امیدم، دست خالی نکن و طمع و امیدم را باطل نگردان.

فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمَامِي وَأَمَامَ

خدایا با محمد و خاندانش به تو متوجه شده‌ام. آنها را در مقابل خود و نیازها و درخواست‌ها

حَاجَتِي وَ طَلِبَتِي وَ تَضَرُّعِي وَ مَسْأَلَتِي فَأَجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

و تضرعم قرار داده‌ام. بنابراین مرا به واسطه آنها از آبرومندان و مقربان در دنیا و آخرت

وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَأَخْتِمْ لِي بِهِمْ

قرار بده. تو با شناساندن آنها بر من لطف کردی، بنابراین به واسطه آنها نیز مرا سعادتمند

السَّعَادَةَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ زِيَادَةٌ فِيهِ مَنَّتَ عَلَيَّ بِهِمْ فَأَخْتِمْ لِي

گردان؛ زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی. در نقلی دیگر فقراتی اضافه می‌باشد: تو با آنها بر من

بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ وَالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ

لطف کردی، بنابراین به واسطه خودشان نیز مرا سعادتمند و سالم و ایمن و با ایمان و بخشیده

وَالْحِفْظِ يَا اللَّهُ أَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا. فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِنَا

و اهل بهشت و سعادت و حفظ گردان. ای خدا، من برای همه نیازهایم، تنها تو را دارم. بنابراین

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ

بر محمد و خاندانش درود فرست و به ما عافیت بده و احدی از خلقت را که ما تحمل او را نداشته

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

باشیم، بر ما مسلط نکن و تمام امورات دنیا و آخرت مان را کفایت کن. ای صاحب جلالت و بزرگواری.

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَيَّ إِِبْرَاهِيمَ

بر محمد و خاندانش درود فرست مانند آنچه از درود و برکات و ترحمات و مهربانی‌ها بر ابراهیم

وَأَلِ إِِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

و خاندان او فرستادی. همانا تو ستوده و جواد هستی.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

متفرقات

دعای بیست و نهم

دعای طلب روزی حلال و دفع حوادث ناگوار بعد از نماز صبح^۱

این دعا از حضرت بقیة الله به دست محمد بن صلت قمی رسیده است.

متن دعا:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ

خدایا، ای پروردگار نور عظیم و عرش بلند و دریای متلاطم و ای نازل کننده

و مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الزُّبُورِ

تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و حرارت و نازل کننده زبور و فرقان

وَ الْفُرْقَانَ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ أَنْتَ

و پروردگار ملائکه مقربین و انبیاء و مرسلین، تو خدای همه موجودات آسمانی

إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَ أَنْتَ

وزمینی هستی، غیر از تو معبودی در آنها نیست، تو الزام کننده تمام

۱. إقبال الأعمال / ص ۶۳۱ / فصل فیما تذکره من زیارة مختصة؛ مصباح المتهدد /

ص ۸۲۱ / زیارة رواها ابن عیاش؛ بحار الأنوار / ج ۸۳ / ص ۱۷۱ / باب ۲۲ - التعقیب

المختص بصلاة الفجر.

جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ جَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ

موجودات آسمانی و زمینی هستی و غیر از تو الزام آوری نیست. تو خالق

وَ أَنْتَ خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ خَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ

تمام آسمانها و زمینها هستی و آن دو غیر از تو خالق ندارند. تو

وَ أَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ حَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا حَكَمَ فِيهَا غَيْرُكَ.

حکمران در آسمان و زمین هستی و غیر از تو کسی حکمران آن دو نیست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ بِتُورِ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِ الْمُنِيرِ

خدایا، از تو می‌خواهم به جمال بزرگووارانه و به نور سیمایت که روشنی بخش است

وَ مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ

و ملکت ازلت، ای زنده و برپا کننده از تو می‌خواهم با آن نامی که آسمان و زمین

السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَضْحُجُّ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ

با آن روشن است و با آن نامی که اولین و آخرین با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده قبل از

وَ الْآخِرُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا حِينَ

هر زنده‌ای، ای زنده بعد از هر زنده‌ای و ای زنده در زمانی که زنده‌ای نبود

لَا حَيٍّ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ.

و ای زنده کننده مردگان و ای زنده، ای لا اله الا الله، ای زنده و پایرجا.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ

درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و از آنجا که گمان می‌کنم و نمی‌کنم.

أَخْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَخْتَسِبُ رِزْقاً وَ أَسِعاً حَلالاً طَيِّباً وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي

به من روزی دهی، روزی وسیع و حلال و گوارا. همین طور در همه گرفتاری‌هایم گشایشی

كُلِّ غَمٍّ وَ كُلِّ هَمٍّ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَا أَرْجُوهُ وَ أَمْلُهُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ایجاد کنی و آنچه را که امید و آرزویم را دارم، عنایت کنی. همانا تو بر هر چیزی توانا هستی.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

دُعای سیام

تسبیح صاحب الزمان علیه السلام ۱

تسبیح صاحب الزمان علیه السلام از روز هجدهم تا آخر ماه:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ.

خداوند به تعداد مخلوقاتش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ.

خداوند به اندازه دلخواه خودش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ هَدَادَ كَلِمَاتِهِ.

خداوند به تعداد کشش مخلوقاتش پاک و منزّه است.

سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ.

خداوند به اندازه وزن عرشش پاک و منزّه است.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

خدا را به اندازه‌های قبلی حمد و ثنا می‌گویم.